

امیرمؤمنان علیه السلام نظام و حکومت برای جامعه را همانند رشته تسبیح برای دانه‌های آن می‌داند که بهره‌گیری از دانه‌ها بدون آن، ممکن نیست؛^۱ از همین رو در آموزه‌های دینی مطالبی فراوان درباره نظام اسلامی آمده است. در اینجا به بخشی از آن مطالب در چهار فصل اشاره می‌شود:

اهمیت تشکیل نظام اسلامی

تشکیل نظام اسلامی از ضروریات دین اسلام و مذهب تشیع است؛ چرا که بدون حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلامی در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و حتی امور فردی و مذهبی مسلمانان معطل و مختل خواهد شد. تجربه تاریخی و عینی این حقیقت را به وضوح ثابت می‌کند؛ از این رو پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، در اولین فرصت به تأسیس نظام و حکومت اسلامی پرداخت.

امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: ... هیچ فرقه و ملتی را نمی‌یابیم که پایدار مانده و زندگی کرده باشند، مگر با داشتن فرساتروایی قوامبخش و

۱. مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَيْرِ يَجْمَعُهُ وَيَضْمُهُ: فَإِنَّ النَّقْطَ النَّظَامِ تَفَرَّقَ الْخَيْرُ وَ ذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِرِهِ أَبَدًا (نهج البلاغه، خطبة ۱۲۶).

[این از آن‌روست که] مردم ناچارند برای امر دین و دنیای خود حاکمی داشته باشند تا آنها را سرپرستی کند... و زندگی مردم بدون آن حاکم، قوام و سامان نمی‌یابد...^۱

اهمیت نیاز به حاکم عادل

وجود حاکم عادل در رأس حکومت اسلامی نیز از مسلمات این دین است و در متون اسلامی به آن تصریح و بر آن تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: ... سه چیز است که مردم هر شهری به آن نیاز دارند تا در امور دنیا و آخرت خود به آن پناه ببرند و اگر این سه را نداشته باشند به نابسامانی در زندگی گرفتار خواهند شد: فقیه دانای پرهیزگار و فرمانروای نیکوکاری که مردم از وی پیروی کنند و پزشک آگاه مورد اعتماد.^۲

نکته: البته نظام هماهنگ با امور یاد شده در گرو داشتن رهبر جامع عقل نظری و عقل عملی است.

امام رضا علیه السلام هم فرمود: اگر برای مردم، امام و رهبری توانا، امانتدار، نگهبان و پاکدست (عادل) قرار داده نمی‌شد، آیین نابود می‌شد و دین از بین می‌رفت و سنت‌ها و احکام الهی تغییر می‌یافت و بدعت‌گذاران بر آن می‌افزودند و ملحدان از آن می‌کاستند و مسلمانان به شبهه دچار می‌شدند...^۳

۱. اَنَا لَا تَجِدُ فِرْقَةَ مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مِلَّةَ مِنَ الْمِلَلِ تَبَوَّأُوا وَخَاشَوْا إِلَّا بِعِمَّتِهِ وَرَيْسِهِ وَ لَنَا لَا بُدَّ لَهُمْ مَنَّةً فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا... وَ لَا قَرَامَ لَهُمْ إِلَّا بِوَجْهِ... (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۱).

۲. لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنِ ثَلَاثَةِ نَعْرِجٍ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ وَ أَعْرَضْتَهُمْ، فَإِنِ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا مَهْمَجًا: فَوَيْهِ عَالِمٌ وَوَجْهُ وَ أَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ وَ طَيِّبٌ بَصِيرٌ نَفِيحٌ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۳. ... لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ إِمَامًا قَبِيماً أَيْمَانًا خَاطِفاً مَسْتَوْدِعاً لَكَرَسَبَ الْمِلَّةُ وَ كَذَبَ الدِّينُ وَ غَيَّرَتِ السُّنَنَ وَ الْأَحْكَامَ وَ كَرَدَتْ فِيهِ الْمُتَبَدِّعُونَ وَ تَقَدَّسَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ سَبَّهُوا ذَلِكَ عَالِي الْمُسْلِمِينَ... (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۱).

اوصاف حاکمان اسلامی

در متون اسلامی حاکمان و کارگزاران به خصالت‌هایی وصف شده‌اند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

۱. عدالت‌محوری: با دقت در کلام معصومان علیهم السلام در این باره، محوریت این موضوع به وضوح آشکار می‌گردد؛ چرا که در بیشتر موارد، وصف عدالت برای امام و نیز برای کارگزاران به کار رفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یک لحظه امام عادل از عبادت هفتاد سال برتر است.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام نیز می‌فرماید: عدالت سپر نگهبان حکومت‌هاست.^۲ از امام رضا علیه السلام دربارهٔ راز پیروزی اولوالأمر چنین نقل شده است: اگر گفته شود: چرا خدای متعالی اولوالأمر را نصب کرد و اطاعت از او را به همگان فرمان داد؟ در پاسخ گفته می‌شود: برای علت‌های بسیار، از جمله اینکه مردم با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها محدود شده‌اند و نباید از این محدوده تجاوز کنند و چون تعدی از آنها موجب فساد آنهاست، این التزام و رعایت حدود، اجرا نمی‌شود و پایدار نمی‌ماند مگر آنکه خدا والی امینی را بر مردم برگزیند تا آنان را از این تجاوز باز دارد.^۳

۲. مسؤلیت‌پذیری: در نظام اسلامی همهٔ اقشار و طبقات مردم در قلمرو کار و مأموریت خود باید مسؤلیت‌پذیر باشند و این ویژگی در حاکمان و کارگزاران نظام اهمیتی فزون‌تر دارد.

۱. سَاعَةً مِنْ إِيَّامِ عَدْلِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً... (الکافی، ج ۷، ص ۱۷۵).

۲. الْعَدْلُ خِطَّةُ الدُّوَلِ (غر الحکم، ص ۳۴۰).

۳. فَإِنِ قَالَ قَائِلٌ: فَلِمَ جَعَلَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَأَمْرَ بَطَاعَتِهِمْ؟ قِيلَ: لِجَعَلِ كَثِيرَةً مِنْهَا أَنَّ الْخَلْقَ لَمَّا وَفَّقُوا عَلَى خَدِّ مَخْدُودٍ وَأَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا ذَلِكَ الْخَدَّ لَمَّا فِيهِ مِنْ فَتْلِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَبْسُطُ ذَلِكَ وَ لَا يَقْدُمُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ قِيْدًا أَيْمَانًا يَسْتَعْنَهُمْ مِنْهُ (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۰).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: آگاه باشید! همه شما در برابر تعهدات خود، نگهبان و مسؤولید؛ پس حاکم و کارگزار در مقابل مسؤولیتی که بر عهده دارد، در برابر مردم مسؤول و متعهد است.^۱

از آن گرامی ﷺ آمده است که هر کس رهبری قومی را بر عهده داشته باشد، روز قیامت در حالی می‌آید که دو دستانش به گردنش بسته شده است، پس اگر در میان مردم به امر خدا رفتار کرده بود، خدای سبحان او را آزاد می‌کند و اگر ظالم باشد، در آتش دوزخ افکنده می‌شود و تحولی بد و بازگشتی زشت است.^۲

۳. خیرخواهی برای مردم: امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای خطاب به مردم فرمود: ای مردم! به راستی من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید؛ اما حق شما بر من این است که خیرخواه شما باشم.^۳

۴. مهربانی با مردم: امام سجاد علیه السلام فرمود: حاکم باید همانند پدری مهربان برای مردم باشد.^۴

۵. بخشندگی: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: برترین حاکمان و کارگزاران کسانی‌اند که سه ویژگی به آنها داده شده باشد: مهربانی، بخشش و عدالت.^۵

۱. أَلَا كُنْتُمْ زَاعٍ وَ كُنْتُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رِعِيَّتِهِ، فَلَا يُؤِيرُ عَلَى النَّاسِ زَاعٌ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رِعِيَّتِهِ...

(ارشاد القلوب، ص ۱۸۴).

۲. مَنْ تَوَلَّى عِرَاقَةَ قَوْمِ آيَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ بَدَاهُ مَغْلُوبَاتُنَ إِلَى عُنُقِهِ، فَإِنْ قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلَقَهُ اللَّهُ وَإِنْ كَانَ ظَالِمًا هَوِيَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ بِنَسِ الْمَصِيرِ (الفقه، ج ۴، ص ۱۸).

۳. أَيُّهَا النَّاسُ! إِنْ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ، فَأَنَا حَقَّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَمِصِيحَةَ لَكُمْ...

(نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

۴. وَ تَكُونُ لَهُمْ كَأَبَائِدِ الرَّحِيمِ (الفقه، ج ۲، ص ۶۲۱).

۵. أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أَعْطَى ثَلَاثَ خِصَالٍ: الرَّأْفَةَ وَ الْجُودَ وَ الْعَدْلَ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۶. ساده‌زیستی: ساده‌زیستی حاکمان و کارگزاران موجب آرامش و اعتماد

امت اسلامی به رهبران می‌شود؛ از این رو حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در بخشی

از نامه تاریخی خویش به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره چنین می‌نویسد:

... پیشوای شما (علی بن ابی‌طالب)، از دنیا به دو لباس کهنه و از خوراک

به دو قرص نان بسنده کرده است. آگاه باشید که شما هرگز توان آن را ندارید؛

ولی با زهد، پارسایی و تلاش و پاکی و استواری مرا یاری کنید. به خدا سوگند

من از دنیای شما، طلا و نقره‌ای نیندوخته و از غنایم و ثروت‌های آن، ذخیره

نکرده و برای این لباس کهنه‌ام بدلی آماده نساختم‌ام و از زمین آن، یک وجب به

خود اختصاص نداده و از این دنیا جز خوراک ناچیز بهره‌ای نبرده‌ام.^۱

وظایف حاکمان و کارگزاران

رهبران و کارگزاران نظام اسلامی در برابر مردم وظایفی دارند. این وظایف

در جهت رشد و تعالی بندگان خدا و حمایت از جان و مال و آبروی آنان است

و در اینجا بر مهم‌ترین آنها مرور می‌شود:

۱. دانش‌افزایی: حاکمان در نظام اسلامی وظیفه دارند با تأسیس مراکز

آموزشی و پژوهشی، مانند مهد کودک، دبستان، دبیرستان، دانشگاه و...

مقدمات تربیت صحیح و رفع جهل و تعلیم علوم و فنون در عرصه‌ها و

رشته‌های گوناگون را برای امت اسلامی فراهم سازند و آنها را به سمت تسخیر

قله رفیع دانش سوق دهند.

۱. إِنْ إِيْمَانَكُمْ قَدْ انْكَسَى مِنْ دُنْيَاهُ بَطْمَرِيهِ وَ مِنْ طَمْعِهِ بَقْرَضِيهِ. أَلَا وَ إِيْنَكُمْ لَا تَقْبُرُونَ عَلَى ذَلِكَ

وَ لَكِنْ أَعْيُوبِي بِيَوْجٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ حَقِّقَةٍ وَ سَدَادٍ، فَوَاللَّهِ مَا كَثُرْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ بِنِزَاً وَ لَا اذْخُرْتُ مِنْ

عَنَابِيهِمْ وَفَرًّا وَ لَا أَعْدَدْتُ لِنَائِي ثَوْبِي بِيَمْرًا وَ لَا خُرْتُ مِنْ أَرْضِيهَا شَيْئاً وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا

كَمُوتِ أَتَانِ دَبْرَةٍ... (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره فرمود: ... و اینکه شما را آموزش دهد تا جهل از میان شما برچیده شود و شما را با ادب آشنا کند تا فرهیخته گردید.^۱

در حدیث دیگری امام علیه السلام می فرماید: بر حاکم اسلامی است که حدود اسلام و ایمان را به مردمی که ولایت او را پذیرفته اند، بیاموزد.^۲

۲. امیدبخشی و تحریز دینی: از مهم ترین وظایف حاکم و کارگزار این است که هنگام فتنه و سختی روزگار و در اوضاعی که امت دچار گمراهی و سردرگمی است، نور امید را در دل های آنان بیفشاند و مردم را از ناامیدی، تفرقه و تحسیر رهایی بخشد. امیرمؤمنان، علی علیه السلام در وصف رسول گرامی صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم و راهبر امت اسلامی فرمود: ... خدا با فرستادن پیامبر، مردم را از جهالت، گمراهی و سرگردانی رهایی داد.^۳

در جای دیگر فرمود: ... او طیبی بود که برای درمان مردم همواره در گردش بود. مرهم هایش توانبخش و ابزار طبابت او همواره آماده بود تا هر جا نیاز شد، آن را به کار گیرد؛ دل های نابینا و حیران را بصیرت دهد. گوش های ناشنوا را شنوا کند و زبان های لال را به گفتن به هنگام سرگردانی و غفلت وا دارد.^۴

تحریز دینی حاکمان اسلامی از امت چنان مهم است که اگر تبلیغ و ارشاد و نصیحت و تذکر مؤثر واقع نشده جدا دارد برای تحقق آن از سر و جان گذشت؛ چنان که سالار شهیدان تاریخ بشر، حضرت امام حسین علیه السلام چنین

۱. تَعْلِمُكُمْ كَيْلًا تَهْتَلُوا وَ تَأْوِيكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).
 ۲. عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَ وِلَايَتِهِ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ (غرر الحکم، ص ۳۲۱).
 ۳. فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَاتِبِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱، بند ۴۳).
 ۴. طَيِّبٌ ذَوَاتِ طَبِيبٍ، قَدْ أَحْكَمَ تَرَاوِمَهُ وَ أَعْمَى نَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى وَ أَدَانِ سَمِّ وَ أَلْسِنَةِ بَكْمٍ، مُتَّبِعٌ بِذَوَاتِهِ مَوَاضِعَ الْغَلْطَةِ وَ سَوَاطِينَ الْحَيْرَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸).

کرد.^۱ در بخشی از زیارت اربعین آن حضرت می خوانیم: «... او خون دل خویش را داد تا پندگان تو را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند».^۲

۳. در دسترس مردم بودن: دسترسی آسان مردم به حاکمان و کارگزاران در نظام اسلامی برای حل مشکلات، مایه نجات حاکمان از آتش است.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس کاری از کارهای مردم را بر عهده گیرد و عدالت پیشه کند و در خود را بر روی مردم بگشاید و موانع بین خود و آنها را از میان بردارد و خدمت به مردم را ملاک کار و نظر قرار دهد، خدا را سزاست که او را در روز قیامت از هراس خطر آتش دوزخ امان دهد و به بهشت درآورد.^۳

۴. تزکیه نفس و تهذیب: پاک سازی جان با تخلیه از رذایل اخلاقی و تخلیه به فضایل نفسانی بر هر مسلمانی لازم و ضروری و بر رهبران و کارگزاران نظام اسلامی لازم تر است.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که رهبری مردم را می پذیرد، باید پیش از آنکه به تعلیم و تربیت دیگران بپردازد به تربیت خود همت گمارد و باید تربیت عملی او پیش از تربیت زبانی او باشد. کسی که معلم و مربی خویش باشد، به احترام و تکریم سزاوارتر است از کسی که معلم و مربی دیگران است.^۴

۱. هر چند امام حسین علیه السلام حاکمیت ظاهری امت اسلامی را بر عهده نداشت؛ ولی چون رهبری و امامت واقعی مردم - طبق فرمان خدا و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله - بر عهده او بود، به این وظیفه مهم پرداخت و چرایی فروزان، فرآوری امت اسلامی روشن کرده است.

۲. وَ بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِیكَ لِيَسْتَجِدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ السَّلَاطَةِ (مصباح التنجید، ص ۵۸۹، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام).
 ۳. مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَ فَتَحَ بَابَهُ وَ زَفَعَ سِئْرَهُ وَ نَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ عَقَبًا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ زَوْجَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ (الامالی، صدوق، ص ۲۴۵).
 ۴. مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيُبَيِّنْ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْوِيَةً لِبَسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْوِيَةِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمًا نَفْسِيَهُ وَ مُؤَدِّبًا أَعْمَى بِالْإِضْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

۵. حفظ اسرار مردم: حاکمان و کارگزاران نظام اسلامی، افزون بر حفظ حرمت مردم وظیفه دارند عیوب و اسرار آنان را بیوشانند و از هتك حرمت آنان جلوگیری کنند؛ بلکه در صورت آشکار شدن عیب‌ها باید آنها را تطهیر و کار مؤمن را حمل بر صحت کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر فرمود: باید دورترین مردم از تو و معغوض‌ترین آنان نزد تو کسانی باشند که در پی عیب‌های مردم هستند. طبیعی است که در مردم عیبویی هست و حاکم باید بیش از دیگران در پوشش آنها بکوشد. پس در پی عیوب مخفی مردم نباش. تو تنها وظیفه داری عیبویی را که برایت آشکار شده است، تطهیر نمایی و خدا خود درباره عیبویی که بر تو آشکار نشده، داوری خواهد کرد. تا می‌توانی عیب و راز دیگران را بیوشان تا خدا راز تو را از مردم بیوشاند.^۱

۶. چشم‌پوشی از خطاها: چشم‌پوشی از خطاها و لغزش‌های مردم و احسان در حق نیکوکاران از دیگر وظایف حاکمان و کارگزاران در نظام اسلامی است.

امیرمؤمنان علیه السلام به مالک فرمود: به همان اندازه که دوست داری خدا در حق تو عفو و گذشت داشته باشد، از عفو و گذشت خود به مردم بیخش.^۲

امام صادق علیه السلام هم فرمود: بر حاکم لازم است سه چیز را درباره خاص و عام رعایت کند:

۱. دادن پاداش نیکو به نیکوکاران تا به کارهای خیر تشویق شوند.

۱. وَ لِيَكُنْ أَبَعَدَ رِعْيِكَ مَنَّا وَ أَتَنَامُكُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَوْلَايَ أَحْسَنُ مِنْ سَرِّهَا فَلَا تَكْفِيْفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَ اللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرْ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَقْتَ، يَسْتُرْ اللَّهُ مَنَّا تَجِبُ سَرَّهُ مِنْ رِعْيِكَ (صحیح البلاغة، نامه ۵۳، بند ۲۴ - ۲۵).

۲. فَاعْظِمُهُمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ (صحیح البلاغة، نامه ۵۳، بند ۹ - ۱۰).

ب. چشم‌پوشی از گناه خطاکاران تا توبه کنند و از راه خطا بازگردند.
ج. تألیف قلوب همه قشرهای مردم با احسان و انصاف.^۱

امام سجّاد علیه السلام نیز درباره وظایف حاکم می‌فرماید: وظیفه تو در برابر مردم این است که در میان مردم به عدالت رفتار کنی و با آنان همانند پدر مهربان باشی و از خطای نادانان چشم‌پوشی و در کيفر آنان شتاب نکنی و در برابر این نعمتی که خدا به تو داده و تو را به حاکمیت آنان برگزیده، شکرگزار باشی [و هر دو گروه سزاوار بهره‌برداری از عدل و صیانت از ظلم‌اند].^۲

۷. محبت به مردم: امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر خطاب به او فرمود: ... از اعماق دلت نسبت به مردم احساس رحمت داشته باش و به آنها محبت کن و لطفت را از آنان دریغ مدار. برای آنان همچون گرگی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادران دینی تو‌اند یا غیرمسلمان و همانند تو انسان‌اند [و هر دو گروه سزاوار بهره‌برداری از عدل و صیانت از ظلم‌اند].^۳

۸. حراست از مرزها: حاکم اسلامی وظیفه دارد بنا به کارگیری ابزارها و امکانات مناسب از مرزهای جغرافیایی کشور اسلامی حراست کند و کوتاهی در این کار به آسیب‌پذیری و نابودی نظام اسلامی می‌انجامد. امیرمؤمنان علیه السلام:

۱. ثَلَاثَةٌ تَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَ الْعَامَّةِ: مَكَانَةُ الْمُخْبِيسِ بِالْإِحْسَانِ لِيُرْكَدُوا رَغْبَةً فِيهِ وَ تَعْمُدُ دُوبُ النَّسِيبِ، لِيَسْرُبَ وَ يَرْجِعَ عَنْ غَيْبِهِ وَ تَأْلِفُهُمْ خِيَمًا بِالْإِحْسَانِ وَ الْإِنصَافِ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۲. أَمَا حَقُّ رِعْيِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُمْ صَالُوا رِعْيَتِكَ لِيَضْمَهُمْ وَ قَوْلِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَعْفُو لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تَمَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ (الفتوح، ج ۲، ص ۶۲۱).

۳. وَ أَسْرِعْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ الْلُطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَيِّئًا ضَارِبًا تَعْتَبِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صَيِّقَانٌ، إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ (تحف العقول، ص ۱۲۶ - ۱۲۷).



فرمود: برای حاکم سزاوار نیست در حفظ مرزها کوتاهی کند.^۱

همان بزرگوار در سخنی دیگر در دفاع از مرز اسلامی در برابر هجوم شامیان در خطاب به کوفیان چنین فرمود: فرصت‌ها را از کف مدعید و بلاد دوردست کشور اسلامی را ننگهبانی کنید. آیا نمی‌بینید که آتش جنگ در بلاد شما شعله‌ور و چگونه حیات شما هدف تیر دشمن است.^۲

۹. گزینش صالحان برای مسؤولیت‌ها: به کارگیری افراد صالح و متعهد در مدیریت نظام اسلامی از وظایف حاکمان است و مدیریت کارگزاران و مدیران ناصالح در نهایت به ناکارآمدی نظام می‌انجامد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: سزاوار نیست برای حاکمان در سه مورد کوتاهی کنند: حراست از مرزها و رسیدگی به حقوق پایمال شده و گزینش شایسته‌گان برای مسؤولیت‌های مختلف.^۳

۱۰. حمایت از محرومان: دفاع از محرومان و مظلومان و حقوق آنان از وظایف روشن نظام اسلامی و حاکمان و کارگزاران آن به شمار می‌آید. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: خدا از حاکم اسلامی پیمان گرفته است که در برابر پُر خوری ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکند.^۴

۱۱. عدم اعتنا به سخن چینیان: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام به مالک اشتر فرمود: ... ای مالک! در تصدیق سخن چینیان و چاپلوسان هرگز شتاب مکن؛

۱. لَيْسَ يَحِبُّ لِلْمَلُوكِ أَنْ يَقْرَظُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ الثُّغُورِ... (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۲. ... وَخُدُو مَهَلَّ الْأَيَّامِ وَحُوطُوا قَوَاصِي الْإِسْلَامِ أَلَا تُرَوُّنَ إِلَى بِلَادِكُمْ تُغْرَى وَإِلَى صَفَائِكُمْ تُرْمَى؟ (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۸).

۳. لَيْسَ يَحِبُّ لِلْمَلُوكِ أَنْ يَقْرَظُوا فِي ثَلَاثٍ: فِي حِفْظِ الثُّغُورِ وَتَقْلِيدِ الْمَظَالِمِ وَاخْتِيَارِ الضَّالِّينَ لِأَعْمَالِهِمْ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۴. ... وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْأُمْرِ مِنْ أَنْ لَا يَتَأَرَّوْا عَلَيَّ كَيْفَةَ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ... (الامالی، طوسی، ص ۳۷۴).

زیرا آنان حيله‌گر و فریبکارند، هرچند خود را همانند خیرخواهان جلوه می‌دهند.^۱

۱۲. پرهیز از ظلم و دروغ و خیانت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس رهبری مردم را بر عهده بگیرد و به آنان خیانت کند، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا حاکمان ظالم را به سبب ستمگری نابود می‌کند.^۳

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه حاکمان دروغ بگویند، باران نمی‌بارد و هرگاه سلطان ستم کند، دولت سست و بی‌اعتبار می‌گردد.^۴

وظایف مردم در برابر حاکم اسلامی

چنان‌که حاکمان و کارگزاران اسلامی در برابر مردم وظایفی دارند، مردم نیز در مقابل حکومت و حاکمان اسلامی وظایف و تکالیفی دارند که در سخنان معصومان علیهم السلام به آنها اشاره و بر آنها تأکید شده است. در اینجا به چند نمونه از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. وفاداری به نظام اسلامی: باری و وفاداری از جمله حقوق حاکم عادل بر توده مردم است. امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای با برشمردن این حقوق و وظایف فرمود: ای مردم! اما حقی که من بر عهده شما دارم، وفاداری به بیعتی است که با من داشته‌اید.^۵

۱. لَا تَجْعَلَنَّ إِلَى تَصَدِيقِ سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۷).

۲. مَنْ اشْرَهَى رَعِيَّةً فَغَشَّهَا حَرَمَ اللَّهِ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ (تنبيه الخواطر ونزعة النواظر، ج ۲، ص ۲۲۷).

۳. يُبْلِكُ اللَّهُ سَيِّئًا لِيَسِّتَ: الْأُمَرَاءُ بِالْخُبْرِ... (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۴۷۴).

۴. إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حَيْسَ الْمَطَرِ وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَابَتِ الدُّوَلَةُ... (الامالی، مفید، ص ۴۱۰).

۵. أَيُّهَا النَّاسُ... أَنَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْقُوا بِالْبَيْعَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۳۲).

۲. یاری کردن حاکمان: از عناصر محوری و مهم حفظ نظام اسلامی، اطاعت از حاکم معصوم عَلَيْهِ السَّلَام در عصر حضور و نصرت ولی فقیه در دوران غیبت است. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ... از دیگر وظایف شما در برابر من این است که چون شما را برای کاری فراخوانم اجابت کرده، از دستوره‌های من پیروی کنید.^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: بنگرید به فردی از شما که حدیث ما را روایت می‌کند و در فهم حلال و حرام و احکام و معارف ما صاحب نظر است و آنها را خوب می‌فهمد؛ پس حکم او نافذ است و به حاکمیت او راضی باشید، چون من او را بر شما حاکم و داور قرار دادم، پس هر گاه حکم کرد و پذیرفته نشد، حکم خدا سبک شمرده شده و حکم ما رد شده است و هر کس حکم ما را رد کند، خدا را رد کرده است و این شرک به خداست.^۲

نکته: مراد از شرک، شرک عملی است نه اعتقادی. توجیه عملی به حکم قضایی و ولایی حاکم بر همگان واجب و نقض آن بر همه حرام است، اعم از خود حاکم و جامعه اسلامی.

۳. نصیحت و مشارکت سیاسی: در فرهنگ اسلام مردم وظیفه دارند نسبت به حاکمان، ضمن وفاداری ناصحانه و خالصانه نصیحت (خیرخواهی) داشته باشند و این کار عملی نیست مگر با حضور همه جانبه مردم در اداره امور که ثمره آن رشد و تعالی حکومت اسلامی است؛ از این رو رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حجة الوداع مردم را در مسجد خیف گرد آورد و برای آنان خطبه‌ای جامع

۱. فَأَمَّا حَتَّىٰ عَلَيْكُمْ... وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَسْرُكُمْ (الغارات، ج ۱، ص ۲۴؛ نهج البلاغه، خطبة ۳۲).
 ۲. انظروا إلى رجل منكم قد روي حديثنا و نظر في خلائنا و خزايننا و عرف أحوالنا فلترضوا به حكماً، فإني قد جعلته عليكم حاكماً، فإذا حكم بحكمنا فلم يقبل منه فإنا ما بحكم الله استخيفت و علينا ردة و الراد علينا الراد على الله و هو على حد الشرع بالله عز و جل (عوالي الثمالي، ج ۳، ص ۱۹۲).

خواند^۱ و در آن فرمود: سه چیز است که مسلمان در آنها خیانت نمی‌کند [و با] قلبش آنها را می‌پذیرد: ۱. خالصانه کار کردن برای خدا؛ ۲. وفاداری خالصانه و نصیحت و خیرخواهی برای حاکمان و پیشوایان مسلمان؛ ۳. حضور و مشارکت همیشگی در اجتماع مسلمانان که [در این صورت] دعای امامان شامل حال آنان است.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: یکی از حقوق من بر شما این است که [با حضور] خالصانه و همه جانبه خود در اداره [امور] در آشکار و نهان خیرخواه و دلسوز من باشید.^۳

۴. دعا برای سربلندی حاکمان: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: سه چیز از حقوق حاکمان بر مردم است: ۱. پیروی از آنان؛ ۲. خیرخواهی برای آنان در آشکار و نهان؛ ۳. دعا برای پیروزی و صلاح آنان.^۴

۵. همکاری اطلاعاتی: هنگامی که قوم «بنو ناجیه» از حضرت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام سربچی کردند آن گرامی شخصی به نام عبدالله بن قعین را مأمور تعقیب آنان کرد. او پس از تحقیق، به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به صورت رمزی گزارش داد که آنها از کوفه کوچ کرده‌اند. سپس امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در بخشنامه‌ای به همه کارگزاران و فرمانداران شهرها چنین نوشت: این، نامه‌ای است از بنده خدا امیرمؤمنان به همه کارگزاران حکومتی که این نامه بر آنها خوانده می‌شود: گروهی که با ما بیعت کرده و از کوفه گریخته‌اند. گمان

۱. ربك: تفسير القمي، ج ۲، ص ۴۴۷؛ تفسير كثر العتائق، ج ۴، ص ۱۸۸.
 ۲. ثَلَاثٌ لَا يَنْفَعُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لَهُ وَ النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْزُّهُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُجِيبَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳).
 ۳. فَأَمَّا حَتَّىٰ عَلَيْكُمْ... النَّصْحُ لِي فِي الشَّهَادَةِ وَ النَّصِيحَةُ (الغارات، ج ۱، ص ۲۴).
 ۴. ثَلَاثٌ جَلِيلَاتٌ تَجِبُ لِلْمَلَوكِ عَلَى أُمَّتِهِمْ وَ رَعِيَّتِهِمْ: الطَّاعَةُ لَهُمْ وَ النَّصِيحَةُ لَهُمْ فِي النَّصِيحَةِ وَ الشَّهَادَةِ وَ الدَّعَاءُ بِالنَّصْرِ وَ الصَّلَاحِ (نصف المنور، ص ۳۱۹).

می‌کنیم به سوی بصره رفته باشند. از مردم درباره آنها پرس‌وجو کنید و در همه اطراف و مناطق دیده‌بانانی قرار دهید و در نهایت اخبار رسیده را گزارش کنید.^۱ امام رضا علیه السلام فرمود: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود، هرگاه سپاهی را به جایی می‌فرستاد و به فرمانده آن اعتماد نبود، آن حضرت فردی مورد اعتماد را همراه سپاه می‌فرستاد تا اوضاع و احوال سپاه و فرمانده آن را زیر نظر داشته و به آن گرامی گزارش دهد.^۲

گفتنی است: برای این کار حساس، هر کسی گزینش نمی‌شود؛ بلکه کسانی که صلاحیت لازم، مانند صداقت و دینداری دارند، می‌توانند این رسالت را بر عهده بگیرند. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: برای کنترل کارگزاران خود دیده‌بانانی از اهل صدق و وفا تعیین کن.^۳

۶. **اعراض از حاکمان باطل:** در فرهنگ اسلامی دوری از خدای سبحان و تخلف از راه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله انحراف از صراط مستقیم است و هرگونه حکومتی که به اجاره اهل بیت علیهم السلام نباشد و به نیابت از آنان نینجامد، طاغوت معرفی شده است؛ بنابراین پیروی از آن حکومت، پیروی از طاغوت و مایه گمراهی است؛ از این رو امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: ای

۱. مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلى مَنْ قَرَأَ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْعُمَّالِ؛ أَمَا بَدَأْتُ قَبْلَ رَجَالِ لَنَا عِنْدَهُمْ بَيْعَةٌ خَرَجُوا هَرَابًا نَظَنُّهُمْ وَجَهُوا نَحْوَ بِلَادِ الْبَصْرَةِ فَسَأَلْتُ عَنْهُمْ أَهْلَ بِلَادِكَ وَاجْعَلْ عَلَيْهِمُ الْعَيُْونَ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ أَرْضِكَ ثُمَّ اكْتُبْ لِي بِمَا يَتَّبِعِي إِلَيْكَ عَنْهُمْ (العمارة، ج ۱، ص ۱۲۲۵).

۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَأَتَاهُمْ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ وَقَاتِهِ مَنْ يَتَحَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ (وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۶۰).

۳. وَابْعَثِ الْعَيُْونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

ابوالصباح! از دوستی با غیر ما اهل بیت و گرایش به آنها بپرهیز؛ زیرا هر دوستی با غیر اهل بیت و گرایش به آنان به نوعی دوستی با طاغوت است.^۱

پادشاه‌ها و کيفرها

رعایت وظایف کارگزاران و مردم آثار و پاداش‌هایی دارد و کوتاهی در آنها نیز کيفر و عذاب خواهد داشت.

در اینجا بر برخی روایات مربوط به این پادشاه‌ها و کيفرها مرور می‌شود:

۱. **پادشاه حاکمان عادل:** رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاکم و کارگزار عادل و متواضع، سایه خدا و نسیم قدرت او در زمین است، پس اگر خیرخواه خود و مردم باشد، خدا او را در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست به عنوان [مهمان] وارد بر خود محشور کند؛^۲ همچنین آن حضرت گفتند: محبوب‌ترین مردم و نزدیک‌ترین آنان به خدا در روز قیامت، حاکم عادل است.^۳

حضرت امام صادق علیه السلام نیز گفتند: سه گروه را خدا بدون حساب وارد بهشت می‌کند: امام و پیشوای دادگر و تاجر درستکار و راستگو و پیری که عمرش را در عبادت خدا صرف کرده باشد.^۴

۲. **آثار پیروی از حاکمان عادل:** امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: پیروی از حاکمان و کارگزاران دادگر، کمال عزت است.^۵

۱. يَا أَبَا الصَّاحِبِ! إِنَّا كُمْ وَالْوَالِيَةُ، فَإِنَّ كُلَّ وَلِيَةٍ دُونَنَا فِيهَا طَاعُوتٌ (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۸۳).

۲. الْوَالِي الْعَادِلُ الْمُتَوَاضِعُ، ظِلُّ اللَّهِ وَرِيحُهُ فِي أَرْضِهِ، فَمَنْ سَخَّحَ فِي نَفْسِهِ وَ فِي عِبَادِ اللَّهِ خَشْرَةَ اللَّهِ تَعَالَى وَفَدَهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... (الآداب الدينية، ص ۱۵۱).

۳. أَحَبُّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَقْرَبُهُمْ مِنَ اللَّهِ مَنْجِلِسًا إِتْمَامَ عَادِلٍ (روضة الواعظين، ص ۲۶۷).

۴. ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ... فَإِمَامٌ عَادِلٌ وَ تَاجِرٌ صِدْقٌ وَ شَيْخٌ أَقْسَى عَقْرَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... (كتاب الخصال، ص ۸۰).

۵. ... وَ طَاعَةُ وُلَاةِ الْعَدْلِ تَمَامُ الْعِزِّ... (الکافی، ج ۱، ص ۲۰).



امام باقر علیه السلام نیز فرمود: خدا می‌فرماید: از مردمی که در قلمرو حکومت اسلامی و حاکمیت کارگزار عادل زندگی و از آن پیروی می‌کنند، به طور قطع در می‌گذرم و گناهانشان را می‌بخشم؛ اگرچه آن ملت در کارهای خود ظالم و بدکار باشند؛ زیرا زندگی در نظام عدل و انصاف مایه اصلاح امت و رجوع آنها از ستم به دادگری و از سینه به حسنه است.

۳. پیامدهای تحقیر حاکم اسلامی: با توجه به جایگاه رفیع حکومت و حاکمان اسلامی، کوچک شمردن آنان نکوهیده و دارای پیامدهایی ناگوار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: عاقل نباید هیچ‌کس را کوچک شمارد و سزاوارترین کسانی که نباید تحقیر شوند، سه گروه‌اند: عالمان، فرمانروایان و برداران دینی... هر کس حاکم [اسلامی] را کوچک شمارد، دنیایش تباه می‌شود...^۱

در حدیث دیگری گفتند: سه گروه‌اند که حق آنها را انکار نمی‌کند مگر منافق مشهور به نفاق: پیران مسلمان، حاملان قرآن و پیشوای دادگر.^۲

۴. کیفر حاکمان جائز: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مبخوض‌ترین مردم نزد خدا و گرفتار به شدیدترین عذاب، حاکم و کارگزار ستمگر است.^۳

۱. ... وَ لَا تُعْمَلُونَ عَنْ كُلِّ رَجُلٍ فِي الْإِسْلَامِ دَأْبٌ بَوْلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّجِيئَةُ فِي أُمَّتِهَا ظَالِمَةً مُبَيَّنَّةً (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶).

۲. الْعَاقِلُ لَا يَسْتَحْفِظُ بَأَخِي وَأَخِي مَنْ لَا يُسْتَحْفَفُ بِهِ ثَلَاثَةٌ: الْعُلَمَاءُ وَالسُّلْطَانُ وَالْإِخْوَانُ، لِأَنَّ مَنْ اسْتَحْفَفَ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ بِنْتَهُ وَمَنْ اسْتَحْفَفَ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاةً وَمَنْ اسْتَحْفَفَ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَوْتَهُ (صحیح المفرد، ص ۳۲۰).

۳. ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا شَائِقٌ مَعْرُوفٌ بِالنَّفَاقِ: ذُو السِّيَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَحَامِلُ الْقُرْآنِ وَالْإِمَامُ الْعَادِلُ (الکافی، ج ۲، ص ۶۵۸).

۴. ... إِنْ أَبْغَضَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ وَأَسَدَّكُمْ عَدْلًا إِمَامًا جَائِرًا (روضة الواعظین، ص ۴۶۶).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شفاعت من به دو گروه نمی‌رسد: حاکم ستمکار و...^۱

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: کسی که حکومتش ظالمانه باشد، دولتش پایان می‌گیرد و زایل می‌شود.^۲

حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: ... سه گروه را خدا بی‌حساب به دوزخ می‌برد: پیشوای ستمگر؛ بازرگان دروغ‌گو؛ پیرمرد زناکار.^۳

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: سه دسته‌اند که خدا در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به آنان نظر [رحمت] نمی‌کند و به عذابی دردناک مبتلا خواهند شد: پیرمرد زناکار، پادشاه ستمگر و تهی‌دست متکبر.^۴

۵. کیفر تصدیق حاکمان جائز: همان‌گونه که حاکمان ظالم مورد شفاعت پیامبر قرار نمی‌گیرند و در جهنم گرفتار عذابی شدید خواهند شد، باورزان آنان نیز سرنوشتی مشابه وضع آنها خواهند داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به کعب بن عجره فرمود: ای کعب! به زودی پس از من حاکمان و کارگزارانی [ستمگر] می‌آیند. هر کس با آنان باشد و دروغ‌های آنان را تصدیق کند و در ظلم آنان یاریشان کند از من نیست و من نیز از او نیستم و هرگز در حوض [کوثر] بر من وارد نخواهد شد...^۵

۱. صِفَانٌ لَا تَنَالُهُمَا شَفَاعَتِي: سُلْطَانٌ عَشُومٌ وَعَالٍ فِي الدِّينِ هَارِقٌ بِنَةِ غَيْرِ نَابِتٍ وَلَا نَاعٍ (قرب الإسناد، ص ۳۱).

۲. مِنْ جَارَتِمْ وَلَايَتُهُ زَالَتْ ذَوْلَتُهُ (غزوة المعکم، ص ۳۴۶).

۳. ... وَ أَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: فِإِمَامٌ جَائِرٌ وَ نَاجِرٌ كَذُوبٌ وَ شَيْخٌ زَانٍ (کتاب الخصال، ص ۸۰).

۴. ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرَكِّبُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: شَيْخٌ زَانٍ وَ مَلِكٌ جَائِرٌ وَ قَبِيلٌ مُخْتَالٌ (الکافی، ج ۲، ص ۳۱۱).

۵. ... عَنْ كَعْبِ بْنِ عَجْرَةَ قَالَ: خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... فَقَالَ: إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْضِي أَمْرَاءَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِمْ فَصَدَّقَهُمْ بِكَيْبِهِمْ، وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنَهُ وَلَكِنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ ... (المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۱۲۴).

۶. زشتی تفاخر حاکمان: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: از بدترین حالات زمام‌داران و حاکمان نزد صالحان این است که به آنان گمان تفاخر دوستی برده شود و کارشان تکبر تلقی شود.^۱

۷. پیامد ستمگری حاکمان: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه حاکمان ستم کنند، باران کم می‌شود.^۲

امام صادق علیه السلام هم فرمود: سه نفر زندگی را برای آدمی تیره و تار می‌کنند: پیشوای ستمگر و همسایه بد و خانم بی‌شرم بد دهن.^۳

۸. حقوقی نزد سلطان ستمگر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باشید! ترس از مردم شما را از بازگو کردن حقی که می‌دانید، باز ندارد. بدانید که برترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر زمامدار ستمگر است.^۴

۹. حاصل فساد حاکمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از امت من دو دسته‌اند که اگر صالح باشند، امت من به صلاح می‌گیرند و اگر فاسد باشند، امت من فاسد می‌شوند. پرسیدند: ای رسول خدا! آن دو کیان‌اند؟ پاسخ داد: فقیهان و حاکمان.^۵

۱. إِنْ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوَلَدِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ (الکافی، ج ۸، ص ۳۵۵).

۲. ... إِذَا جَارَ الْحُكَّامَ قَلَّ الْمَطَرُ... (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۱۵).

۳. ثَلَاثَةٌ تَكْثُرُ الْعَيْشَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ وَالْجَارُ السَّوْمُ وَالْمَرْءُ الْيَدِيَّةُ (نصف العقول، ص ۳۲).

۴. أَلَا لَا يُمْتَنِعُ رَجُلًا مَهَابَةً النَّاسِ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ، إِلَّا إِنْ أَفْضَلَ الْجِهَادَ كَلِمَةً حَقًّا عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ (کتاب العقول، ج ۱۵، ص ۹۲۳).

۵. صِفَاتٌ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحًا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدًا فَسَدَتْ أُمَّتِي قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمِنْ هُمَا؟ قَالَ: الْمُفْضَاهُ وَالْأَمْرَاءُ (کتاب الخصال، ص ۲۳۶).



مناسبات اجتماعی، عمدتاً در محور حقوق مردم است که دو قسمت دارد:

۱. استیفای حقوق متقابل، یعنی اگر کسی به دیگری بد کرد، او می‌تواند طبق آیات: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»^۱، «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ»^۲ عادلانه وی را کیفر کند. در اینجا، اصل حاکم «جزاء سنیة سنیة مثلها»^۳ است؛ اما با این وضع، جامعه را نمی‌توان اداره کرد؛ یعنی اگر کسی بخواهد بدی را با بدی پاسخ دهد، نتیجه‌اش پرونده‌های سیلیونی در دستگاه قضایی است. این قانون، گرچه حق است و اجرای آن در مواردی ضرورت دارد؛ ولی نمی‌توان جامعه و کشور را تنها با آن اداره کرد؛ زیرا قانون که تعامل متقابل حقوقی افراد با یکدیگر است، جامعه را ساکت می‌کند، ولی ساکن و آرام نمی‌کند.

۲. عفو و تعامل در مسائل و حقوق انسانی، همان دینی که می‌گوید: پادشاه بدی، بدی است؛ «جزاء سنیة سنیة مثلها»^۴، در بحث‌های اخلاقی می‌فرماید: بدی را با نیکی پاسخ دهید؛ و خدا در این آیه مردم را به کنار آمدن با یکدیگر توصیه می‌کند و همگان را به عفو و گذشت و تخفیف در مجازات

۱. پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدی کنید (سوره بقره، آیه ۱۹۲).
 ۲. و اگر می‌خواهید آنان را در برابر عقوبت‌هایی که به شما رسانده‌اند مجازات کنید، مانند همان عقوبتی که به شما رسیده است آنان را سزا دهید؛ نه بیشتر (سوره نحل، آیه ۱۲۶).
 ۳. سزای بدی، بدی همانند آن است (سوره شوری، آیه ۴۰).

فرا می‌خواند ﴿وَيَذَرُونِ بِالْحَقِصَةِ الشَّيْئَةَ﴾؛ علت آن این است که جامعه را با اخلاق می‌توان به کمال رساند.

پس تنها عدل کافی نیست، گرچه جامعه انسانی به عدل نیاز لزومی دارد که ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾^۱، اما عدل کفایت‌ناک است و سطح تمدن احسان است که آیه یاد شده، امر به احسان ﴿وَالْإِحْسَانُ﴾^۲ را به دنبال دارد؛ یعنی جامعه را با احسان و تعامل می‌توان اداره کرد و مواردی چون صلۀ رحم، گذشت، انفاق، صدقه، اصلاح ذات‌البین، دستگیری از محرومان، توجه به حقوق همگان و... از مصادیق احسان است. آموزه‌های اسلامی در این قسمت توصیه‌های فراوانی دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اتحاد و همبستگی

وحدت و اجتماع بر گرد محور دین و پیشوای دادگر در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد؛ حتی نماز که نماد عبادت است، ترجیحاً یا لزوماً به جماعت گزارده می‌شود؛ چنان‌که نماز عید فطر و قربان (در عصر غیبت) و نمازهای واجب یومیّه ترجیحاً و نماز جمعه لزوماً به جماعت گزارده می‌شوند. قرآن می‌فرماید: به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید.^۳

رسول خدا ﷺ فرمود: شیطان، گرگ انسان است؛ چنان‌که گرگ همواره گوسفندان و امانده و دورافتاده از گله را می‌درد، پس از دسته‌بندی‌های (سیاسی و فرقه‌ای) بپرهیزید و بر شما باد به شرکت در جماعت و مجالس عمومی و حضور در مساجد.^۵

۱ . (خرمندان مؤمن [بدی را با نیکی می‌زدایند (سوره رعد، آیه ۲۲).

۲ و ۳ . سوره نحل، آیه ۹۰.

۴ ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا﴾ (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳).

۵ . إِنَّ الشَّيْطَانَ وَابِّئِ الْإِنْسَانِ، كَذِبٌ الْعَنَمِ؛ يَا حَاذِرِ الشَّأَةِ الْفَاسِيَةِ وَالنَّاجِيَةَ؛ وَإِيَّاكُمْ وَالشُّمَاتِ، وَعَلَيْكُمْ، بِالْجَمَاعَةِ، وَالْعَامَةِ وَالْمَسْجِدِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۰۹).

در جای دیگر فرمود: وحدت سیاسی بر محور پیشوای عادل نعمتی است که هیچ‌کس ارزش آن را نمی‌داند؛ بنابراین جدایی از گروه مؤمنان نه تنها عامل تقرب نیست، بلکه عامل گرفتاری به دست شیطان است.

آثار وحدت و محبت

اصلاح میان مردم - که در قرآن^۱ بر آن تأکید شده است - و دوری از تفرقه آثار مثبت دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی دارد که در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

خشم شیطان: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هرگاه دو مسلمان از یکدیگر جدا شوند [فهر باشند]، شیطان پیوسته شادمان است و چون آن دو آشتی کردند، زانوان شیطان به لرزش می‌افتد و بندهایش از هم جدا می‌شود و فریاد برمی‌آورد: وای بر من از هلاکتی که بدان گرفتار شدم.^۲

برتری از نماز و روزه مستحب: رسول خدا ﷺ فرمود: اصلاح میان دو نفر از نمازها و روزه‌های [مستحب] برتر است.^۳

سبقت به سوی بهشت: اگر دو مسلمان سه روز با هم قهر باشند... هر يك از آن دو که برای آشتی پیش قدم شود و با برادرش سخن بگوید، در روز حساب‌رسی زودتر به بهشت می‌رود.^۵

۱ قَدْ كَرِهَتِ الْأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانٍ قَاهِرٍ... وَ يَأْتُونَ إِلَى كَنُفِهَا بِعِنْمَةٍ لَا يَتَرَفُّوْنَ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةٌ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، بند ۱۰۰ و ۱۰۴).

۲ . سوره حجرات، آيات ۹-۱۰.

۳ . لَا يَزَالُ يُبَلِّغُ قَرِيبًا مَا اهْتَجَرَ الْمُشْرِكِيْنَ إِذْ مَا لَمْ يَلْبَسُوا اسْطِطَّكَتْ رُكْبَتَاهُ وَ تَخَلَّعَتْ أَوْصَالُهُ وَ نَادَى: يَا وَيْلَهُ، مَا لَوْي مِنَ الشُّبُورِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۶).

۴ إِصْلَاحُ ذَاتِ النَّبِيِّنِ أَفْضَلُ مِنْ عَاشَةِ الصَّلَاةِ وَ الصُّوْمِ (نواب الأعمال، ص ۱۴۸).

۵ . أَمَّا مُسْلِمَتَيْنِ تَهَابَتَا فَمَنْكَا تَلَاثًا... فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى كَلَامِ أُخِيهِ كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۲۵).

ممنوعیت تفرقه افکنی و فتنه و فساد

برهیز از تفرقه، فتنه و فساد اجتماعی از مسائل بسیار مهم اسلام در بُعد اخلاق اجتماعی به شمار می آید و تفرقه زدایی آثار مثبتی چون آرامش، وحدت، محبت و پیشرفت مادی و معنوی برای افراد و جامعه دربر دارد؛ از همین رو همواره مورد توجه و اهتمام رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است و آن بزرگواران پیوسته مردم را به این امر مهم تشویق کرده اند.

روزی پیامبر اکرم ﷺ از اصحابش پرسید: آیا از چیزی به شما خیر دهم که از نماز و روزه و زکات برتر است؟ گفتند: آری ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمود: آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن روابط مردم، دین را ریشه کن می کند؛ همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! از خدا بترسید و پیوندتان را با یکدیگر اصلاح کنید.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: شیطان پیوسته میان مؤمنان اختلاف می افکند؛ پس رحمت خدا بر کسی که میان دو نفر از دوستان ما الفت و صمیمیت پدید آورد. ای گروه مؤمنان! با هم الفت یابید و به هم محبت ورزید.^۲

خطر تفرقه افکنی و جدایی از اجتماع

تفرقه افکنان با پیروی از گام های شیطان به لغزش و انحراف دچار می شوند و کسی که بیراهه می رود و به اختلافات دامن می زند، گویا حتماً انتظار عذاب

۱. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ؟ قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ النَّبِيِّ وَفَسَادُ ذَاتِ النَّبِيِّ وَهِيَ الْخَالْفَةُ (تبیه الخواطر ونزهة النواظر، ج ۱، ص ۳۹).
 ۲. فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶).
 ۳. إِنَّ الشَّيْطَانَ يَغْوِي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ... فَحَرِّمَ اللَّهُ امْرَأَ الْفِ بَيْنَ وَبَيْنَ لَنَا. يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! تَأَلَّفُوا وَتَنَاطَفَرُوا (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۶).

الهی را می کشد: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ﴾^۱ آیا تفرقه افکنان متظنند که عذاب خدا در پوشش های ابر بر آنان فرود آید!

تفرقه افکنان گرچه ممکن است در دعاهای زبانی بگویند، خدا یا! ما را عذاب نکن، ولی با زبان حال و زمینه ای که فراهم کرده اند از خدا عذاب می خواهند؛ چون نه تنها با پیروی از راه های شیطان به خویشتن ستم می کنند، بلکه جامعه انسانی و اسلامی را به تفرقه کشانده، عذاب الهی را برای خود می خرنند؛ از همین رو آنان در دنیا و برزخ و آخرت عذاب می شوند و حکم عذابشان قطعی است.

امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام ضمن دعوت همگان به نعمت بزرگ اتحاد و برادری، درباره خطره های تفرقه و جدایی از اجتماع فرمود:

۱. با جمعیت انبوه همراه باشید؛ زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه بهره ریزید؛ زیرا همان گونه که گوسفند وامانده از ره از سرپرستی چوپان محروم و گرفتار گرگ می شود، انسان جدا شده از جامعه نیز از حمایت و هدایت اولیای الهی محروم و طعمه شیطان می شود.^۲

۲. خدای سبحان نه در گذشته و نه در آینده با اختلاف و تفرقه به کسی خیری نرسانده و نمی رساند. این جمله بیان صرف تجربه و تاریخ نیست، بلکه سنت الهی است؛ چون آن حضرت در این جمله افزون بر گذشته، از آینده نیز خبر می دهد که هرگز بشر با اختلاف به جایی نرسیده و نخواهد رسید و این با سنت خدا هماهنگ خواهد بود.^۳

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۰.
 ۲. وَالزُّمَرُ السُّورَةُ الْأَعْظَمُ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفِرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْعَنَمِ لِلذَّبِّ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).
 ۳. قِيَابَاكُمْ وَالتَّكُونُ فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ قُرْفَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِقُرْفَةٍ خَيْرًا مِنْ مَضَى وَلَا مِنْ بَقِي (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، بند ۲۳-۲۴).

۳. کینه‌نویزی و اختلاف همانند تیغ تیزی است که هر روز آن را بر پاییه و بدنه دین بکشند؛ آنگاه دین نمی‌روید و همه آثار آن محو می‌شود؛ چنان‌که با کشیدن تیغ بر سر، موی نمی‌ماند.^۱

نهی از قهر و دشمنی

رسول خدا ﷺ فرمود: برای مسلمان جایز نیست بیش از سه روز از برادر مسلمان خود قهر کند؛^۲ همچنین فرمود: دشمن همدیگر نشوید و حسد و کینه نورزید و از یکدیگر روی نگردانید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. جایز نیست برای مسلمان بیش از سه شب با برادر دینی خود قهر باشد.^۳

آثار تفرقه و دشمنی

خشنودی شیطان: امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی دو مسلمان با هم قهر می‌کنند، شیطان شادمان می‌شود.^۴
 امام باقر علیه السلام نیز در روایتی فرمود: شیطان پیوسته میان دو نفر مؤمن دشمنی می‌افکند تا یکی از آن دو از گناهش بازگردد؛ پس چون به گناه ادامه دادند، شیطان راحت بر پشت می‌خوابد و می‌گوید: کامیاب شدم.^۵

۱. وَ لَا تَبَاغَضُوا، فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ (توح البلاغ، خطبه ۸۶، بند ۱۲).
 ۲. تنبیح، ج ۱۰، ص ۲۹۷.
 ۳. لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُهْجِرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ (کتاب الخصال، ص ۴۱۸ و رسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۳).
 ۴. لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَدَابَرُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا وَ لَا يَجِلُّ لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُهْجِرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ (مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۹۷).
 ۵. لَا يُرَائِلُ إِبْلِيسَ فَرِحًا مَا اخْتَبَرَ الْمُسْلِمِينَ (الکافی، ج ۲، ص ۳۲۶).
 ۶. إِنَّ الشَّيْطَانَ يُعْرِي بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لَهُمْ يَرْجِعُ أَخْذُهُمَا عَنْ ذَنْبِهِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ اسْتَقْلَى عَلَى قَعَاهُ وَ قَالَ: فَرِحْتُ (رشاد القلب، ص ۱۷۹).

خروج از اسلام و ولایت خدا: امام صادق علیه السلام از پدرش و او از پیامبر نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه دو مسلمان سه روز با هم قهر باشند و آشتی نکنند، از اسلام خارج می‌شوند^۱ و میان آن دو پیوند دینی نیست.^۲
 ورود به دوزخ: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس سه روز از برادرش قهر کند، پس او در آتش جهنم خواهد بود، مگر اینکه خدا با کرامت خود کار او را جبران کند.^۳

به منزله برادرکشی: رسول خدا ﷺ فرمود: قهر کردن از برادر دینی به منزله ریختن خون اوست.^۴

سزاوار لعنت و دوری: امام صادق علیه السلام فرمود: دو مرد با قهر از هم جدا نمی‌شوند جز اینکه یکی از آن دو سزاوار بی‌زاری خدا و رسول او و لعنت و دوری از رحمت حق می‌گردد و چه بسا هر دو آنان مستحق چنین کیفری شوند.^۵
عدم قبولی اعمال: رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از قهر و دشمنی با برادر دینی خود بپرهیز؛ زیرا عمل انسان در زمان قهر بودن پذیرفته نمی‌شود.^۶

۱. خروج از اسلام در اینجا به معنای کفر و شرک نیست؛ بلکه خروج از جمعیت یکپارچه مسلمانان و اجتماع آنان است.
 ۲. أَلَمَّا مُسْلِمِينَ تَهَاجَرُوا فَمَكَتْنَا ثَلَاثًا لَا يَصْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا حَارِجَيْنِ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَا يَةَ (الکافی، ج ۲، ص ۳۲۵).
 ۳. مَنْ هَجَرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ فَيَوْمَ فِي النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتَذَكَّرَهُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ (کبر المعال، ج ۹، ص ۲۷).
 ۴. هَجَرَ الْمُسْلِمِ أَخَاهُ كَسَفَكَ دَمَهُ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۷۱۱).
 ۵. لَا يَنْفَرُ رَجُلَانِ عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا التَّوْبَةَ وَ اللَّعْنَةَ وَ رُوِيَ اسْتَحَقَّ ذَلِكَ كِلَاهُمَا (الکافی، ج ۲، ص ۳۲۴).
 ۶. يَا أَبَا ذَرٍّ يَا بَكَ وَ هِجْرَانُ أَجْبِكَ، فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يُجْبَلُ مَعَ الْهَجْرَانِ (مشكاة الامار، ص ۲۰۹).

سخن ساختگی برای آشتی

رسول خدا ﷺ در وصایایی به امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ای علی! سخن تصنعی در سه چیز رواست: نیرنگ در جنگ، وعده دادن به همسر و اصلاح میان مردم.^۱

نکته: حرمت دروغ از مسلمات شرع مقدس است؛ ولی استثنای سخن تصنعی در این حدیث - هرچند در واقع صدق نباشد - بدین سبب است که مصلحت پیروزی بر دشمن در جنگ و بازداری مردم از فساد و فتنه در موضوع اصلاح، امری روشن است؛ ولی جواز وعده دادن به همسر هرچند نتوان بدان عمل کرد، بدین جهت است که در واقع خبیر دروغ نیست؛ خلاصه آنکه ۱. حرمت کذب، مانند حرمت ظلم، ذاتی غیر قابل تغییر نیست؛ بلکه در حد اقتضاست، نه علت تام؛ یعنی هرچند کذب نیز مفسده دارد، چنانچه با مصلحت مهم‌تری تراحم پیدا کند، به جهت رعایت آن مصلحت مهم‌تر قابل چشم‌پوشی است و دروغ گفتن حرمت ندارد؛ مانند آنکه با يك دروغ بتوان جلوی کشته شدن بی‌گناهی را گرفت و راه دیگری نیز برای جلوگیری از آن وجود نداشته باشد. ۲. دروغ در مورد خیر است؛ مثلاً کسی بگوید: فلانی چنین کاری را انجام داده است، در حالی که آن شخص، آن کار را انجام نداده است؛ ولی اگر فردی به دیگری فرمان دهد که این کار را انجام بده، یا وعده دهد که انجام می‌دهم، این سخن، چون از قبیل خبیر نیست بلکه انشاست، صدق و کذب در آن راه ندارد.

۱. يَا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ يُخْشَى فِيهِنَّ الْكُذْبُ: الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ لِرُؤُوسِكَ وَ الْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ (الغقبه، ج ۴، ص ۵۹).

۲. واژه «تراحم» واژه‌ای فقهی - اصولی است و به این معناست که دو مصلحت یا مطلب را نمی‌توان در مقام عمل، در يك جا جمع کرد و اجرایی کرد.

۲. آزادی انسان‌ها

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای گفتند: خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت تا مردم را از بندگی بندگان خارج و آزاد کند و به پرستش خدا درآورد؛ همچنین فرمود: بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است؛ نیز گفتند: مردم همه آزاد آفریده شده‌اند.^۲

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: خدا همه کارهای مؤمن را به خود او واگذاشت؛ ولی به او اجازه ذلت و خواری نداد.^۳

حدود آزادی

حدود آزادی انسان در فکر و عمل را احکام شرع، مانند مباح و مستحب و مکروه معین می‌کند و در امور واجب یا حرام، آدمی مأمور به انجام دادن و طایف دینی خود است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همه امت من آزادند؛ جز آنان که آشکارا گناه می‌کنند.^۴ امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرمود: بدترین والی و زمام‌دار کسی است که بی‌گناهان از او بترسند.^۵

عبدالله بن مُعَین ازدی گویند: خَیْرَتِ بِنِ رَاشِدِ نَاجِي فِي صَفِيْنِ بَا حَضْرَتِ اميرمؤمنان علی علیه السلام بود. او پس از جنگ همراه سسی نصر از یارانش نزد آن حضرت آمد و گفت: «نه، به خدا سوگند از فرمان تو اطاعت نمی‌کنم و پشت

۱. فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - نَعَتْ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ... (الکافی، ج ۸، ص ۳۸۶).

۲. لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا (تهج البلاغه، نامه ۳۱).

۳. النَّاسُ كُلُّهُمْ أَمْثَرَاءُ (الکافی، ج ۶، ص ۱۹۵).

۴. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَوَّضَ إِلَى الْعُقُومِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقْرُضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا (الکافی، ج ۵، ص ۶۲).

۵. كُلُّ أُمَّتِي مُعَانِي إِلَّا الْمُجَاهِدُونَ (صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۹).

۶. سُرُّ الْوَلَاةِ مِنْ تَخَافَةِ النَّبِيِّ (غرر الحکم، ص ۳۲۵).

سرت نماز نمی گزارم و فردا از تو جدا می شوم...^۱ آنگاه بازگشت. من پشت سرش رفتم تا به خانه خود رفت و همان سخنان را در حضور دیگر یارانش نیز گفت. روز بعد نزد حضرت امیر علیه السلام رفتم و نزدیکش نشستم و آنچه شنیده بودم به او گفتم. آن حضرت علیه السلام فرمود: او را واگذار! اگر حق را پذیرفت و بازگشت از او می پذیرم. گفتم: ای امیرمؤمنان! چرا هم اکنون او را نمی گیری که از او پیمان بگیری؟ فرمود: اگر ما با هر کسی که مورد اتهام است، چنین کنیم، زندانها از آنان پر می شود و رأی من این نیست که به مردم حمله و آنان را زندانی کنم و عقوبت دهم تا از عقیده باطلشان بازگردند و به من تمایل یابند.^۱ آن حضرت درباره فرقه بنو ناجیه فرمود: من با اتهام بی تحقیق، کسی را دستگیر نمی کنم و با ظن و گمان کسی را کیفر نمی کنم و جز با کسی که با من مخالفت و آشکارا دشمنی کرده نمی جنگم؛ آن هم پس از اینکه او را دعوت و حجت را بر او تمام کنم. اگر از کارش دست برداشت و بازگشت ما هم از او می پذیریم و اگر جز به جنگ با ما تن نداد، برای جنگ با او از خدا کمک می جویم و با او می جنگیم.^۲

۱. كَانَ الْجَرِيثُ بِنُ زَائِدٍ أَخَذَ مِنِّي نَاجِيَةً فَذُ شَهِدَ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَائِلِينَ فَجَاءَ أَلْسِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفِضَاءِ صَائِلِينَ وَبَعْدَ تَحْكِيمِ الْحَكَمَيْنِ فِي فَلَائِيهِ مِنْ أَصْحَابِهِ يَمْسِي بِيَتْمُهُمْ حَتَّى قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا أَطِيعُ أَمْرَكَ وَلَا أَصْلِي خَلْقَكَ وَإِنِّي عَدُوٌّ لِمُعَارِفِكَ لَكَ... فَخَرَجَ الْجَرِيثُ مِنْ عَيْتِهِ مُضْطَرِبًا إِلَى أَهْلِيهِ. قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَيْرٍ: فَجَعَلْتُ فِي أَسْرِهِ مُشْرَعًا... فَأَرَادْتُ الرُّجُوعَ... أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَذَنُوبٌ مَعَهُ فَجَلَسْتُ وَرَأَاهُ فَأَصْفَى إِلَيَّ بِرَأْسِهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنَ الْجَرِيثِ... فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعُهُ فَإِنَّ قَبِيلَ الْحَقِّ وَرَجَعَ عَرَفْنَا لَهُ ذَلِكَ وَقَبِيلَاهُ مَعَهُ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فِيمَ لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا أَنْ قَسَمْتَنِي وَمَنْهُ؟ فَقَالَ: إِنَّا لَوْ فَعَلْنَا هَذَا بِكُلِّ مَنْ بِيَتْمُهُمْ مِنَ النَّاسِ مَلَأْنَا السُّجُونَ مِنْهُمْ وَلَا أَرَانِي يَسْمَعُنِي الْوُدُوبُ بِالنَّاسِ وَالْحَيْسُ لَهُمْ وَغُورِيَتُهُمْ حَتَّى يَنْظُرُوا لِي فِي الْخِلَافَةِ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۷۸ - ۱۷۹).

۲. إِنِّي لَا أَتَّخِذُ عَلَى الشُّمَّةِ وَلَا أَعَاوِثُ عَلَى الظَّنِّ وَلَا أَتَأْتِي إِلَّا مَنْ خَالَفَنِي وَنَاصَبَنِي وَأَطَقَ الْمَدَاوِلَ لِي ثُمَّ لَسْتُ مُتَابِلَةً حَتَّى أَدْعُوهُ وَأَعِدُّهُ إِلَيْهِ فَإِنْ تَابَ وَرَجَعَ قَبِيلًا وَمَنْهُ وَإِنْ أَسَى إِلَّا الْإِعْتِرَافَ عَلَى حَرْبِنَا اسْتَمْتَنَا بِاللَّهِ عَلَيْهِ وَنَاجِيَتَنَا (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۷۸).

۲. امنيّت عمومی و دوری از هرج و مرج

حفظ امنيّت عمومی مردم و مبارزه با هرج و مرج از وظایف مهم حکومت اسلامی است تا اختلال نظام - که از مفاسد بزرگ است - پیش نیاید. امام رضا علیه السلام یکی از ابعاد امامت را به سامان آمدن نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان دانسته است.^۱ تحقق این امور در گرو امنيّت همه جانبه برای مردم است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس برای ترساندن مسلمانان با نگاه تند به او بنگرد، خدا در قیامت که پناهگاهی جز پناه او را می ترساند؟ همچنین آن حضرت به نقل از خدای متعالی فرمود: هرکس به دوست من اهانت کند [و از وی سلب امنيّت کند]، به جنگ با من برخاسته است.^۲ در حدیث آمده است که مسلمان را ترسانید؛ زیرا ترساندن مسلمان، ستمی بزرگ است.^۳

امنيّت جانی و مالی: حضرت امیر علیه السلام در نامه ای به یکی از عوامل جمع آوری مالیات فرمود: با تقوای خدای بی شریک برو و هیچ مسلمانان را ترسان و از ملک او اگر خوشایند او نیست، عبور نکن و بیش از حق خدا در مالش از او نگیر. وقتی به قومی رسیدی نزدیک آب آنها فرود آی و به خانه هایشان برو؛ سپس به آمستگی و متانت به سمتشان برو. به نزد آنان که رسیدی بر آنها سلام کن؛ ولی نحييت تو ناقص و ابتر نباشد؛ سپس به آنان بگو:

۱. إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاةُ الدُّنْيَا وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ (الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰).
۲. مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخَيِّقَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۸).
۳. مَنْ أَمَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْضِدَ لِيخَارَتِي (الکافی، ج ۲، ص ۳۵۱).
۴. لَا تُرَوِّعُوا الْمُسْلِمَ، فَإِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِمِ ظَلَمٌ عَظِيمٌ (عز التملک، ج ۱۶، ص ۱۱).



بندگان خدا! دوست و خلیفه خدا مرا به سوی شما فرستاده تا حق خدا را از اموال شما بگیرم. آیا در اموال شما حق خدا هست که آن را به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، به او رجوع نکن و اگر کسی گفت: هست، همراهش برویدون اینکه او را بترسیانی یا تهدیدش کنی.^۱

امنیّت حیثیتی و آبرویی: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس به دوست من اهانت کند، مرا به جنگ خود خوانده است؛ همچنین آن حضرت فرمود: هر کسی بنده مؤمنی را خوار کند، خدا او را خوار می‌کند.^۲

امنیّت حریم خصوصی افراد: رسول خدا ﷺ فرمود: اگر تو در پی کشف اسرار و لغزش‌های مردم باشی، آنان را به فساد کشانده‌ای، یا نزدیک است آنان را فاسد کنی.^۳

ابن عباس به نقل از پیامبر ﷺ می‌گوید: هر کس به سخن گروهی گوش فرا دهد که آنان این کار را خوش ندارند، روز قیامت در گوش‌های او مسی گذاخته ریخته می‌شود.^۴

۱. انطلق علی تقوی الله وخدمه لا یریک له ولا یروعن مسلماً ولا یجتازن علیه کایماً ولا تأخذن منه اکثر من حق الله فی مالیه، فإذا قدمت علی الحی فائزل بیمانهم من غیر أن تمخالط آتیاتهم، ثم امض بالسیکة و الوفاق حتی تقوم بینهم فتسلم علیهم و لا تخرج بالسیکة لهم، ثم تقول: عباد الله! أرسلنی الیکم ولی الله و خلیفته لآخذ منکم حق الله فی أموالکم، فهل لله فی أموالکم من حق فتؤدوه الی ولیه؟ فإن قال قائل: لا، فلا تراجعنه و إن أنتم لک منتم فاطلوا معه من غیر أن تُخیفه أو تُوجده (بج البلاغه، نامه ۲۵).

۲. من أعان لی ولیاً فقد باتذنی بالمخاوتة (الکافی، ج ۱، ص ۱۶۶).

۳. من أدل مؤمناً أدله الله (الامالی، طوسی، ص ۱۸۲).

۴. إنک إن أتجت عورات الناس أو عورات الناس أسدتهم أو کدت أن تُسیدهم (السنن الترمذی، ج ۸، ص ۳۳۳).

۵. من استمع الی حویث قوم و هم له کارهون یصب فی أذنیه الاثمک یوم القیامة (وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۹۸).

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: بدترین مردم کسی است که از لغزش‌های دیگران در نمی‌گذرد و اسرار آنان را نمی‌پوشاند؛ نیز فرمود: کسی که از دیگران عیب بجوید، خدا عیب‌هایش را آشکار می‌کند.^۱

کیفر ایجاد ناامنی

رسول خدا ﷺ فرمود: اهانت و بدگویی به مؤمن، فسق و جنگیدن با او کفر و بغیبت کردن از وی گناه خدای سبحان و حرمت مالش، مانند حرمت خون اوست.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس به اندازه يك کلمه به زبان مؤمنی کار کند در حالی خدای خود را دیدار می‌کند که بر پیشانی او نوشته است: «ناامید از رحمت خدا».^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس مؤمنی را از سلطانی بترساند که از او آزار خواهد دید، گرچه آزاری نبیند در جهنم خواهد بود و اگر آزار دید، همراه با فرعون و دودمان فرعون در جهنم خواهد بود؛ همچنین آن حضرت فرمود: هرگاه فردی به برادر مؤمنش اُف (تندی اندک) بگوید از حریم ولایت و دوستی او بیرون رفته است.^۴

۱. سُر الناس من لا یعرف عن الزلّة و لا یستر العورة (عبر الحکم، ص ۲۲۵).

۲. من تبع عورات الناس کشف الله عورته (عبر الحکم، ص ۲۲۱).

۳. یبأت المؤمنین فسوف و قتاله کفر و اکل لحيوه من تعصیه الله تعالی و حومة ماله کحومة ذوه (الفتیة، ج ۴، ص ۲۱۸).

۴. من أعان علی مؤمن یسطر کلمة لقی الله عزّ و جلّ و بین عینیه منکوب آیس من رجمة الله (الامالی، طوسی، ص ۱۹۸).

۵. من روج مؤمناً یسلطان لیسبیه منه مکروه فلم یضبه فهو فی النار و من روج مؤمناً یسلطان لیسبیه منه مکروه فأصابه فهو مع فرعون و آل فرعون فی النار (الکافی، ج ۱۲، ص ۳۶۸).

۶. إذا قال الرجل لأخیه المؤمن اُف خرج من ولایته (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۱).

۴. استقلال و نفی ذلت‌پذیری

رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام دین برتر است و چیزی بر آن برتری نخواهد یافت و کافران به منزله مردگان‌اند؛ نه مانع ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند.^۱
 امام صادق علیه السلام فرمود: خدا اختیار همه کارها را به مؤمن وا گذاشته؛ ولی ذلت‌پذیری را به وی وا نگذاشته است. آیا نشنیده‌ای که خدای متعالی می‌گوید: همه عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است؟^۲ آن حضرت در ادامه این حدیث گفتند: پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. مؤمن از کوه نفوذناپذیرتر است؛ زیرا از کوه با ضربه‌های کلنگ کاسته می‌شود؛ اما با هیچ ایزاری نمی‌توان از ایمان مؤمن کاست.^۳

۵. مشارکت سیاسی و انتخابات

بر مسلمانان لازم است برای تعیین سرنوشت اجتماعی خود، مشارکت سیاسی داشته باشند و در اموری چون انتخابات برای برگزیدن افراد صالح، با تقوا و کاردان برای اداره امور جامعه و کشور بی تفاوت نباشند؛ چرا که بی تفاوتی در این امور مهم، به حاکمیت اشرار و بدان و کم رنگ شدن ارزش‌های دینی و رواج ظلم و فساد خواهد انجامید. رسول خدا ﷺ فرمود:
 هرگاه کارگزاران شما اشرار و ثروتمندان بخیل باشند و امور زندگیتان با شورا

۱. الإسلام بعلو ولا یغلی علیه و التَّخَارُفُ بِتَوَكُّرِ الْمَوْتَى لَا یُخْشَوْنَ وَلَا یُرْتَوُونَ (الفتیه، ج ۴، ص ۳۳۴).
 ۲. إِنْ اللَّهُ قَوَّضَ إِلَيَّ الْمُؤْمِنَ أَمْوَرَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَقْوِضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛ أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿وَ لَهُ الْمِرَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره سافاتون، آیه ۸) (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۹).
 ۳. ... فَأَلْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا، قَالَ: إِنْ الْمُؤْمِنُ عَزُرَ مِنَ الْجَبَلِ لِأَنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَارِلِ وَ الْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دَبِيهِ بِشَيْءٍ (تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۷۹).

و مشورت سامان نگیرد، درون زمین (مردن) برای شما برتر از زندگی بر روی زمین است.^۱

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام درباره تأثیر مشارکت مردم گفتند: اگر انبوه آن جماعت نبود، یا گرد آمدن یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کرد... زمام (حکومت) را بر گردنش می‌افکنم (حکومت را نمی‌پذیرفتم).^۲

مشارکت سیاسی و بیعت: مشارکت سیاسی گاه به گونه بیعت است؛ چنان‌که حضرت امیر علیه السلام فرمود: و اما حق من بر شما این است که به بیعت خود با من (و حضور در صحنه) وفادار و در آشکار و نهان خیرخواه من باشید و هرگاه شما را برای حضور در صحنه خواندم، پاسخ مثبت دهید و هرگاه فرمانتان دادم، بپذیرید.^۳

نکته: بیعت از بیع است و در بیع، فروشنده، کالا را در برابر بها می‌فروشد و دیگر حقی در آن کالا ندارد، مگر با اذن صاحب آن. کسی که بیعت کرد، نباید در شؤون کشور بدون اذن حکومت دینی دخالت کند.

۶. مشورت‌دهی

مشورت‌دهی به حاکمان اسلامی می‌تواند از ابعاد مشارکت سیاسی در عرصه‌های اجتماعی باشد. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: از گفتن حق و مشورت عدالانه خودداری نکنید؛ زیرا من در نظر خود (به عنوان یک انسان و جلدای از

۱. وَ إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شِرَارًاؤُمْ وَ أَهْيَاؤُكُمْ بَخْلَاءُؤُمْ وَ لَمْ يَكُنْ أَمْرُؤُكُمْ سُوءًاؤُمْ يَبْتَئِكُمْ قِبَلُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا (روض الجنان، ج ۵، ص ۱۲۶).
 ۲. لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْمُحْتَمِلِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لَأَقْبَيْتُ حَبْلَهَا عَلَيَّ غَارِبًا... (نهج البلاغه، خطبه ۳ «نشتغیه».)
 ۳. وَ أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ جِئِنِ أَدْعَوْكُمْ وَ الْعَطَاةُ جِئِنِ آمَرْتُكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۲۴).

عصمت و حفاظت الهی] از احتمال خطای در رفتار ایمن نیست؛ جز آنکه خدا مرا کفایت و حفظ کند.^۱

مصادق دیگر مشارکت مردمی را می‌توان در اصل مسلم اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» دانست. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: همه نیکی‌ها و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر بیش از قطره‌ای (آب دهان) در برابر دریای خروشان و عمیق نیست.^۲

۷. قیام در برابر ظلم

شایسته است مسلمان ضد ستم قیام کند و این از مهم‌ترین آموزه‌های دینی به شمار می‌آید و قیام سالار شهیدان تاریخ بشر، حضرت امام حسین علیه السلام در برابر ستم امویان ناپاک از نمونه‌های بارز آن است. آن حضرت در این باره خطاب به امت اسلامی چنین فرمود: آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری نمی‌گردد؟ در چنین وضعی سزاوار است که مؤمن از جاننش بگذرد و به دیدار پروردگارش بشتابد.^۳

آن حضرت در ادامه فرمود: آگاه باشید! این ناپاک، پسر ناپاک مرا میان دو چیز (جنگ یا پذیرش ذلت) مخیر گذاشته است؛ اما ذلت از ما بسیار دور است.^۴

۱. فَلَا تَكْفُرُوا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِمَقْوُومٍ أَنْ أخطِئَ وَ لَا أَسْأَلُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَحْفَظَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي... (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۲. وَ مَا أَسْمَأَلُ الْبِرَّ كَلْفًا وَ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَفَفَةً فِي بَحْرِ لَجِي (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲).

۳. أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُنْتَهَى عَنْهُ لِيُرْسَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا... (مصنف المفرد، ص ۲۲۵).

۴. أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ فَدَرَكْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلْوِ وَ الذَّلَّةِ وَ هَهُنَا وَمَا الذَّلَّةُ (الملموء، ص ۹۷).

تبری از ظالمان و طاغوتیان

تبری از طاغوت از وظایف مسلمانی است. امام باقر علیه السلام در این باره به یکی از یاران خود فرمود: ای ابوالصباح! از دوستی باطن گرایانه با غیر ما اهل بیت بپرهیز؛ زیرا هر دوستی با غیر اهل بیت [به نوعی] دوستی با طاغوت است.^۱

ابان بن تغلب گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ای گروه جوانان! از خدا بترسید و دنباله‌رو این رؤسا (حاکمان بنی عباس) نباشید. آنان را رها کنید تا خوار شوند. آنان را دوست و رازدار خود قرار ندهید که به خدا سوگند ما اهل بیت برای شما از آنان بهتریم.^۲

عدم همکاری با ظالمان

همکاری با ظالمان برای مسلمان روا نیست، حتی اگر ستمگر در کاری به ظاهر عبادی مانند ساختن مسجد وارد شود، در این گونه کارها هم از هرگونه همدستی با ستمگر باید پرهیز کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: آنان (ستمگران) را در ساختن مسجد کمک نکنید.^۳

زیاد بن ابی سلمه از اصحاب امام کاظم علیه السلام بدون کسب اجازه از آن حضرت در دستگاه حکومت عباسی وارد شد. حضرت از علت آن پرسید. او گفت: هزینه زندگی من سنگین است، زیرا من جوانمرد و عائله‌مند هستم و پس‌اندازی نیز ندارم. امام کاظم علیه السلام فرمود: ای زیاد! اگر از کوه بلندی

۱. يَا أَبَا الصَّبَاحِ! إِنَّمَاكُمْ وَ الْوَالِيعِ، فَإِنَّ كُلَّ وَليَةٍ دُونَنَا فِيمَا طَاعُوا (تفسیر العباسی، ج ۲، ص ۸۳).

۲. يَا مَعْشَرَ الْأَخْدَانِ! اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَأْتُوا الرُّؤَسَاءَ، دَعَوْهُمْ حَتَّى يَسْبُرُوا أَدْنَابًا لَا تَنجُوهُمُ الرَّجَالُ وَ الْوَالِيعِ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَا وَ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ (تفسیر العباسی، ج ۲، ص ۸۳).

۳. لَا تُعِينُهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ (تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۲۳۸).

سقوط کنم و بدنم پاره پاره شود، نزد من بهتر است از اینکه با ظالمان همکاری و همراهی کنم، مگر اینکه از این راه غمی را از دل مؤمنی بزدایم یا مؤمن گرفتاری را نجات دادم یا بدهکاری او را بپردازم.^۱

صفوان بن مهران یکی دیگر از باران امام کاظم علیه السلام بود که کاروان‌های تجاری داشت و شماری از شترانش را به هارون (خلیفه عباسی) کرایه داده بود. او خود نقل می‌کند: روزی خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدم. آن حضرت به من گفتند: صفوان! همه کارهای تو نیکو و زیباست، جز یک کار. عرض کردم: فدایت شوم کدام یک؟ فرمود: شترانت را به این مرد (هارون) کرایه داده‌ای. گفتم: به خدا سوگند! من آن را برای ترویج فسق و فجور و لهو و لعب کرایه نداده‌ام؛ بلکه برای زیارت بیت الله است و خودم مستقیماً به آن نمی‌پردازم، بلکه غلامانم را همراه او می‌فرستم. امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا دوست داری، هارون و دوستانش زنده بمانند تا کرایه شترانت را بدهند؟ گفتم: آری! آن حضرت فرمود: هرکس بقای ستمکاران را دوست داشته باشد از آنان به شمار می‌آید و هر که از آنان باشد به آتش دوزخ درمی‌آید.^۲

۱. ... قَالَ لِي وَ لِمَ؟ قُلْتُ: اَنَا رَجُلٌ لِي مَرْوَةٌ وَ عَلَيَّ عِيَالٌ وَ لَيْسَ وَدَاءَ ظَهْرِي شَيْءٌ، فَقَالَ لِي: يَا زَيْدًا! لَإِنْ أَسْطَطَ مِنْ خَالِي فَاتَّقَطَعْ وَطَعَةً وَطَعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَسْأَلَكَ لِأَخِي مِنْهُمْ عَمَلًا أَوْ أَطْلُ بِسَاطِ أَحِبِّهِمْ إِلَّا لِيَمَادًا؟ قُلْتُ: لَا أَفْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: إِلَّا لِتُفْرِجَ كَرْبَةَ عَنِ مُؤْمِنٍ أَوْ فَكَّ أَسْرَهُ أَوْ قَضَاءَ ذَنْبِهِ (الكليني، ج ۵، ص ۱۰۹-۱۱۰).

۲. صفوان بن مهران الجمال، قال: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَبِيلٌ نَا عِلَا شَيْئًا وَاحِدًا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ: إِكْرَاؤُكَ جِمَالِكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ - يَعْنِي هَارُونَ - قُلْتُ: وَ اللَّهُ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا لِضَبِيدٍ وَ لَا لِلْهَوِّ وَ لَكَيْتِي أَكْرَيْتُهُ إِيذًا الْعَرِيقِ - يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ - وَ لَا أَتَوَلَّاهُ بِنَفْسِي وَ لَكَيْتِي أَبَيْتُ مَعَهُ عَلَمَانِي، فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانَ! أَيْ يَقَعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: أَ تُحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهَوَّ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَدَّ النَّارَ (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۸۲).

۸. مرزداري و اهميت آن

شايسته است مسلمانان، مرز کشور اسلامی را از نفوذ بيگانگان حفظ کرده، برای مرزبانان دعا کنند. در اهميت و ارزش مرزداري همين بس که امام سجّاد علیه السلام در یکی از دعاهاى صحيفه سجّاديه به خدا عرض می‌کند: خدايا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرزهای کشور مسلمانان را به عزت خویش محفوظ بدار و پاسداران آن را به نیروی خود پشتیبان باش و از دارایی خود بخشش فراوان به آنها عطا کن. شمار آنان را فراوان و سلاحشان را بُرّان کن و حوزه مأموریت آنها را محکم و استوار نگهدار و جایگاه آنان را حراست کن. میان آنان اتحاد و دوستی برقرار کن و کارهایشان را سرورسامان ده و لوازم مورد نیاز و مواد غذایی... آنها را بی در پی فراهم کن و هزینه زندگی آنها را تنها خود بر عهده بگیر و با پاری خود آنان را حمایت کن.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: يك شب نگاهیانی در راه خدا از هزار شب عبادت بهتر است؛ آن هم شب‌هایی که روزهایش را روزه بگیرد.^۲

در حدیثی دیگر آمده است که يك روز مرزبانی در راه خدا از يك ماه نماز و روزه [مستحب] بهتر است، و کسی که در حال مرزبانی در راه خدا بمیرد، برای او تا روز قیامت پاداش مجاهد [در راه خدا] نوشته می‌شود.^۳

۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَصِّنْ قُرُوبَ الْمُسْلِمِينَ بِرِزْقِكَ وَ أَيْدِ حِمَاةَهَا بِقُوَّتِكَ وَ أَسْخِمْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَ أَسْخِمْ أَسْلِحَتَهُمْ وَ اجْتَرِسْ حَوَائِجَهُمْ وَ امْنَعْ حَوَائِجَهُمْ وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ وَ ذَبِّرْ أَمْرَهُمْ وَ وَائِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ وَ تَوَخَّذْ بِكِفَايَةِ مُؤَيَّنِهِمْ وَ اعْضُدْهُمْ بِالضَّرِّ (صحيفة كاملة سجّاديه، دعای ۲۷).

۲. خَرَسَ لَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلَهَا وَرِضَامٌ نَهَارَهَا (کثر المتال، ج ۴، ص ۲۹۷).

۳. رِبَاطٌ يَوْمٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ شَهْرٍ وَ صِيَامِهِ وَ مَنْ تَمَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُجَاهِدٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۸۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۸).



آثار معنوی مرزداری

حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: کسی که هنگام نگیبانی و مرزداری از دنیا برود، ثواب کارش برای وی جریان خواهد داشت و از نعمت‌های جاری برخوردار خواهد بود و از فرشته آزمونگر (در قبر) در امان خواهد بود.^۱

در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است که هرکس بمیرد، نامه عملش بسته می‌شود، مگر کسی که هنگام مرزداری در راه خدا بمیرد که ثواب عمل او تا روز قیامت برای وی رشد داده می‌شود و از امتحان و سؤال قبر نیز در امان است.^۲

دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان

۱. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ نُفُوسَ الْمُسْلِمِينَ بِوَعْدِكَ وَأَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ وَأَسْخِمْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ، خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و سرحد کشور مسلمانان را به عزت و قدرت خود محفوظ دار و نگاهداران آن را به نیروی خود تقویت فرما و از داری خود به ایشان فراوان بیخش.

۲. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ وَاشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ وَاحْرُسْ حَوَازِيَهُمْ وَاشْمِمْ حَوَاسِيَهُمْ وَأَلْفَ جَمْعَهُمْ وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَدَلِّمْ بَيْنَ يَدَيْهِمْ، وَتَوَخَّذْ بِكَيْفَايَةِ مَوَازِيهِمْ، وَاحْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَأَعِزَّهُمْ بِالصَّبْرِ، وَالْطَّفَّ لَهُمْ فِي الْمَكْرِهِ، خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و شمار آنان را فراوان و سلاح آنها را بران کن و حوزة آنها را پاس دار و جایگاه آنان را حفظ کن و میان آنان الفت انداز و کار ایشان را سامان ده و آذوقه

۱. و إن مات مُرابطاً جری علیه عمله و أُجِري علیه بِرُفْقَةٍ وَ أيسرَ مِنَ الْقَتَانِ (کنز العمال، ج ۴، ص ۲۸۲).

۲. كُلُّ مَيِّتٍ يُخْتَمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلَّا الَّذِي مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يُنْفَى لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيَأْتِيهِ نَيْتُهُ الْقَبْرِ (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۸۹).

آنها را بی دریغ بفرست. هزینه معیشت آنان را تنها خود متکفل باش و به یاری خود بازوی آنان را قوی گردان و به شکیبایی مدد کن و چاره‌سازی به ایشان آموز.

۳. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمُهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ؟ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و هر چه را نمی‌شناسند به آنها بشناسان و هر چه نمی‌دانند به آنها تعلیم ده و هر چه بینشان بدان نمی‌رسد، به آنها بنمای.

۴. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآتِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَذْوَ وَذَكَرَ ذُنُوبَهُمُ الْخُدَاعَةَ الْعَرُوبِيَّ، وَأَمَحْ عَنِ قُلُوبِهِمْ حَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتُونِ، وَاجْعَلِ الْحِجَّةَ نُسْبًا أَعْيَبَهُمْ، وَكَلِمًا مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخُلْدِ وَمَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَالْحُورِ الْحَسَنِ وَالْأَنْهَارِ الْمُطْرِدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِيَّةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُنْدَلِيَّةِ بِصُنُوفِ الشَّمْرِ حَتَّى لَا يَهُمُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِلْبَابِ، وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسُهُ عَنْ قَرْنِهِ بِعَرَابِ؛ خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و هنگام لقای دشمن یاد دنیای مکار و فریبده را از خاطر آنها ببر و از دل آنها اندیشه مال فتنه‌انگیز را محو کن و بهشت را پیش چشم آنان مجسم گردان و آنچه را در بهشت آماده کرده‌ای، از مسکن‌های جاوید و منزلگاه‌های کرامت و حور نیکو روی و جوی‌های روان و نوشیدنی‌های گوناگون و درختان پر بار و دروای اقسام میوه‌ها پیش چشم ایشان مثل ساز تا هیچ يك از آنهانگ بلزگشتن نکند و اندیشه گریختن از هم‌اوود خود به دل راه ندهد.

۵. اللَّهُمَّ أَفْلَلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَافْلَمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَكَرِّمْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَاخْلَعْ وَتَأْتِقْ أَفْيِدَتَهُمْ، وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَادِهِمْ، وَحَرِّمْ فِي سَبِيلِهِمْ، وَصَلِّ لَهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمُدَّةَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْمُدَّةَ، وَامْلَأْ أَفْيِدَتَهُمْ الرَّعْبَ، وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَانْحَرِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ الطَّلْقِ، وَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَقَهُمْ وَتَكَلَّلَ بِهِمْ مِنْ زَوَّاهِهِمْ، وَاقْطَعْ بِحَزْبِهِمْ أَطْمَاعَ مَنْ بَعْدَهُمْ؟ خدایا! بدین کار، دشمن آنها را سست گردان و ناخن آنها را بر زمین و میان آنها و

سلاح جنگ جدایی افکن و بند دل آنها را بگسل و میان آنها و توشه آنان فاصله افکن و در راهها سرگردانشان ساز و از مقصودشان باخبر و مدد را از آنها بپر و شماره آنان را اندک گردان و دل‌هایشان را از هراس سرشار کن و دستان آنان را چنان ببند که هرگز نتوانند گشود و زبان آنها را چک زن که سخن نتوانند گفت و به پراکندگی ایشان ذنباله‌های آنها را هم پراکنده ساز و اینان را عبرت آنان گردان و به سبب زبون گشتن اینها امید دیگران را قطع کن.

۶. اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَيَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ، وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَائِبِهِمْ وَآعْمَاهِمُ، لَا تَأْتِنُ لِنِسَائِهِمْ فِي قَطْرِ، وَلَا لِأَرْصِهِمْ فِي نَبَاتٍ؛ خدایا! زنانشان را تازای و پشت مردانشان را خشک گردان و نسل چارپایان سوازی و شیردهی آنها را ببر و آسمانشان را رخصت باریدن مده و زمینشان را اجازت رویدن نده.

۷. اللَّهُمَّ وَتَوَّ بِذَلِكَ مَحَالَّ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَحَصَّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَتَمَرِّبْهُ أَمْوَالَهُمْ، وَفَرِّغْهُمْ عَنْ مَحَارِبَتِهِمْ لِيِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُتَابَلَتِهِمْ لِلخَلْقَةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرَكَ، وَلَا تُعْتَرَّ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جِهَةٌ ذُوكَ؛ و بسین کارها پشت مسلمانان را قوی گردان و کشورشان را به دژی محکم استوار دار و مال آنان را بارور کن و آنان را از جنگ فارغ ساز تا عبادت کنند و از کارزار آسوده‌شان کن تا با تو در خلوت به راز و نیاز پردازند تا در هیچ جای زمین غیر تو پرستیده نشود و پیشانی برای هیچ‌کس جز تو به خاک سوده نگردد.

۸. اللَّهُمَّ اغْزِ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَزَالُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَ أَشِدَّهُمْ بِمَلَانِكَ مِنْ عَيْدِكَ مُرْفِئِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُقْطَعِ الثَّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا، أَوْ يُغْرُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ؛ خدایا! در هر ناحیه مسلمانان را به دفع مشرکانی که در برابر آناناند برانگیز و با فرشتگان خود پیوسته مددشان کن که آنان را تا پایان زمین هزیمت دهند یا کشته شوند یا گرفتار گردند یا اقرار کنند که تویی خدا و غیر تو معبودی سزاوار پرستش نیست. تویی تنها که شریک و انباز نداری.

۹. اللَّهُمَّ وَاعْمُمْ بِذَلِكَ أَعْدَاكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ وَ الْحَنْزِ وَ الْحَبَشِ وَ النُّوبَةِ وَ الزُّنْجِ وَ السَّقَالِيَةِ وَ الدِّيَالِمَةِ وَ سَائِرِ أَسْمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَائُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِتَغْرِيكَ، وَ أَفْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ؛ خدایا! این نفرین، همه دشمنان تو را در همه شهرها فراگیر؛ از هند و روم و ترک و خزر و حبشه و نوبه و زنجبار و سقالیان و دیلمان و دیگر امت‌های مشرک که نام و نشان آنها پنهان است و تو آنها را پیکان پیکان می‌شناسی و به قدرت خویش بر آنان سلطه‌داری.

۱۰. اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَسَاؤُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُدْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنْقُصِهِمْ، وَ كَبُطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْاِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ؛ خدایا! مشرکان را سرگرم یکنیگر کن تا پیرامون مسلمانان نگردند و آنها را به جای تنقص و کم آوردن مسلمانان به نقص بگیر [تا از تنقیص مسلمانان باز ماند]. و میان آنها پریزانی افکن تا از گرد آمدن بر مسلمانان منصرف شوند.

۱۱. اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ، وَأَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ، وَأَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْاِحْتِيَالِ، وَأَوْرِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنِ مُتَابَلَةِ الرَّجَالِ، وَ جَبِّنْهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ، وَ ابْعَثْ عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِأَسَى مِنْ بَأْسِكَ فَخْبَلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ وَ تَحْصُدُ بِهِ شُرُكْتَهُمْ، وَ تُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ؛ خدایا! دل آنها را از آرامش تهی و بدن آنها را از نیرو خالی کن و راه چاره را به رویشان ببند و اقدام آنان را سست گردان که نبرد با مردان نتوانند و ترس در دل آنها افکن که کارزار پهلوانان را نخواهند و لشکری از فرشتگان با آن عذابی که خود می‌دانی بر آنها فرست؛ چنان‌که در روز بدر فرستادی تا بیخ آنها را برآوری و خوار [شوکت و جلال ظاهری] آنها را از پیش پای مسلمانان دو کنی و جمع آنان را پریشان گردانی.

۱۲. اللَّهُمَّ وَارْمِجْ سِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَاطْمَعْمَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَارْمِ بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ، وَارْبِعْ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ، وَافْرِغْهَا بِالْمُحُولِ، وَاجْعَلْ مِسْرَهُمْ فِي أَحْصَى أَرْضِكَ وَ أَبْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَامْتَحْ حُصُونَهَا مِنْهُمْ، اصْبِبْهُمْ بِالْجُوعِ النَّهِيمِ وَ الشَّقْمِ الْأَكِيمِ؛ خدایا! آب آنها را به وبا بیالای و بخوراک آنان را به بیماری‌ها بیامیز و شهرهای

آنها را به فرو رفتن در زمین و ریختن سنگ‌های آسمانی پیوسته ویران کن و به خشکی مبتلا ساز و خواربار آنها را در خالی‌ترین و دورترین زمین‌ها قرار ده و قلم‌های زمین را بر ایشان فرو بند و به گرسنگی پیوسته و بیماری دردناک دچارشان کن.

۱۳. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا عَزَّيْرَهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدِ جَاهِلَتَهُمْ مِنْ اتِّبَاعِ سَبِيلِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَهْلِيَّ وَ حَزْبُكَ الْأَقْوَمِيَّ وَ حَطْلِكَ الْأَوْفَى فَلَقَوِ الْأَيْسَرَ وَ هَمَّجَا لَهُ الْأَمْرَ وَ تَوَلَّاهُ بِالنَّجْحِ، وَ تَخَيَّرَ لَهُ الْأَصْحَابَ، وَ اسْتَقْوَاهُ الظُّهْرَ، وَ اسْبَغَ عَلَيْهِ فِي النَّفْقَةِ، وَ مَتَّعَهُ بِالنَّشَاطِ، وَ أَغْفَبَ عَنْهُ حَرَارَةَ الشَّمْسِ، وَ أَجْرَهُ مِنْ عَمِّ التَّوْحَشَةِ، وَ أَنَسِيهِ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَ التَّوَلَّاهُ؛ خدایا! هر مرد سلحشور از اهل دین تو و جنگجوی از پیروان سنت تو که با ایشان درآویزد و کارزار کند تا پایه دین تو فراتر رود و طرفداران تو نیرومندتر گردند و بهره‌دوستان تو افزون‌تر شود، او را از آسایش برخوردار و کار او را به سامان کن و به پیروزی رسان و یاران شایسته برای او برگزین و پشت او را قوی گردان و تقهه را بر او فراوان فروریز و او را از غمی بهره‌مند ساز و سوز شوق شهر و فرزند را در دل او فرو نشان و از اندوه تنهایی پناهش ده و اندیشه همسر و فرزند را از یاد او ببر.

۱۴. وَ أَثَرُ لَهُ حُسْنُ النَّيَّةِ، وَ تَوَلَّاهُ بِالْعَافِيَةِ، وَ أَصْحَبَهُ السَّلَامَةَ، وَ أَغْفَوِ مِنْ الْجَبْنِ، وَ الْهَمَةَ الْمُجْرَاءَ، وَ انْزُقَهُ الشَّدَّةَ، وَ أَبْذِهِ بِالنَّصْرَةِ، وَ عَلَّمَهُ السِّرَّ وَ الشَّنَنَ، وَ سَدَّدَهُ فِي الْحُكْمِ، وَ اغْرِزْ عَنَّهُ الرِّيَاءَ، وَ خَلِّصْهُ مِنَ السَّمْعَةِ، وَ اجْعَلْ فِكْرَهُ وَ ذِكْرَهُ وَ طَعْنَهُ وَ إِقَامَتَهُ، فِيكَ وَ لَكَ؛ و نیت او را نیکو گردان و او را با نتردستی و سلامت یاری کن و هراس دشمن را از دل او ببر و دلآوری در دل او قرار ده و او را پهلوان نیرومند گردان و به یاری خود نیرو ده و ویش دوست و منت صحیح بیاموز و راه صواب بنسای و او را از خودنمایی و نامجویی دور کن و فکر و ذکر و جنبش و آرامش او را در راه خود و برای خود قرار ده.

۱۵. فَإِذَا صَافَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّبْهُمْ فِي عَيْنِيهِ، وَ صَعَّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِيهِ، وَ أَوَّلِ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلَّهُمْ مِنْهُ، فَإِنَّ حَتْمَتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالسَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوُّكَ بِالنَّقْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرَ، وَ بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ

أَهْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ أَنْ يُؤَلَّى عَدُوُّكَ مُدْبِرِينَ؛ و چون با دشمنان تو که هم دشمن اویند، هم‌اورد شود، آنها را در نظر او اندک نمای و کار آنها را در دل او کوچک گردان و او را بر آنها چیره ساز و آنان را بر او چیره مکن؛ پس اگر فرجام او را به نیک‌بختی مقرر نسودی و شهادت را روزی او کردی، پس از آنه وی را به این سعادت رسان که بیخ دشمن تو را به کشتن برکنده و به اسیر گرفتن زبون کرده باشد و گرداگرد کشور مسلمانان را امن گردانیده و دشمن گریزان پشت کرده باشد.

۱۶. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيَا أَوْ مُرَابِعًا فِي ذَارِهِ، أَوْ تَعَمَّدَ خَالِفِيهِ فِي عَيْنِيهِ، أَوْ أَحَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَّنَّهُ بِعِتَادٍ، أَوْ شَمَحَلَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةَ، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَاجْرُ لَهُ مِثْلَ أُخْرِهِ وَرُزْنَا بِوَزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ، وَ عَوَّضَهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوَّضًا حَاضِرًا يَمَعَجَلُ بِهِ نَعْمَ مَا قَدَّمَ وَ سُورَرُ مَا آتَى بِهِ، إِيَّيْ أَنْ يَتَّبِعِي بِوِ الْوَقْتِ إِلَى مَا أُجْرِنْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعْدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ؛ خدایا! هر مسلمانی که در غیبت مجاهدی با مرزداري سرای او را رسیدگی و بلزله، مان او را تکفل کند یا او را به پاره‌ای از مال خود یاری دهد و ساز راه او آماده کند و او را در جهاد چابک سازد و نسبت به کاری که در پیش دارد او را به دعا بدرقه کند و حرمت او را در نبودش رعایت کند، پس مانند اجر آن به همان اندازه و همان صفت بدین عطا کن و به جای عمل او پاداشی نقد مقرر کن که از سود کرده خود بهره‌مند و بدان عمل شادمان گردد، تا هنگام آن ثواب بزرگ فرا رسد که از فضل خود برای او مقرر داشته و از کرامت خود آماده کرده‌ای.

۱۷. اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا مُسْلِمٍ أَمَّهُ أَمْرَ الْإِسْلَامِ، وَ أَخْرَجَتْهُ تَحْرِيْبَ أَهْلِ الشَّرْكِ عَلَيْهِمْ قَتَوِي غُرُوًا، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَعَدَّ بِهِ صَعْفًا، أَوْ أَبْطَلَاتَ بِهِ فَاقَّةً، أَوْ أَخْرَجَتْهُ عَنْهُ حَادِيَتْ، أَوْ عَرَّضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٍ فَانْتَبِ اسْمُهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَرْجَبَ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ؛ خدایا! هر مسلمانی که به کار اسلام دل بسته و از اتفاق مشرکان بر ضد مسلمانان اندوهگین است و قصد جنگ و آهنگ جهاد با آنان دارد، ولی ناتوانی او را در خانه نشانیده یا تنگ‌دستی او را باز داشته یا پیشامد دیگری پای او را بسته و مانعی در پیش اراده او پدیدار گشته است، نام او را در زمره

پارسایان درج کن و ثواب مجاهدان برای او لازم شمار و او را در سلسله شهیدان و شایستگان قرار ده.

۱۸. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَاةِ، مُشْرِقَةً قَوْفَ النَّجِيَّاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَأَنَّكَ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِيُ الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ؛ خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست؛ درودی برتر از هر درودی و برتر از هر نوحیتی؛ درودی که مدت آن به انجام نرسد و شمار آن پایان نپاید، کامل تر از هر همه رحمت ها که بر یکی از دوستان خود پیش از این فرستاده ای که تویی عطا دهنده، ستوده، آغاز کننده خلق و بازگرداننده آنها که هر چه می خواهی به جای می آوری.

۹. قانونگرایی

مسلمان باید در برابر قانون اسلامی خاضع باشد، هر چند اجرای آن به ظاهر، به زیان او باشد که البته در واقع و با نگاه عمومی به جامعه، به سود او و همگان است؛ از این رو رسول خدا ﷺ گفتند: حدی (قانونی) که در زمین جاری شود، مؤثرتر از شصت سال عبادت است.^۱ در حدیث دیگری گفتند: اجرای حدی از حدود الهی پربرکت تر از چهار روز بارش باران است.^۲ بر پایه حدیثی دیگر آن حضرت از واسطه گری در تعطیل قانون الهی به شدت نهی کرد و فرمود: هر کس در اجرای قانون الهی واسطه گری کند تا مانع اجرای آن بشود، خدای بزرگ او را در قیامت عذاب می کند.^۳

۱. صحیفه کامله سجاده، دعای ۲۷.

۲. حَدِّ يَتِمُّ فِي الْأَرْضِ أَرْكَمِي مِنْ عِبَادَةِ بَيْتَيْنِ سَنَةً (مسندک الرسائل، ج ۱۸، ص ۹).

۳. إِقَامَةُ حَدِّ خَيْرٌ مِنْ مَطْلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا (الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴).

۴. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ نَهَى عَنِ الشَّفَاعَةِ فِي الْحُدُودِ وَقَالَ: مَنْ شَفَعَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيُطْلَقَ وَ سَمَى فِي إِبْطَالِ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى عَذَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (دعوات الإسلام، ج ۴، ص ۴۲۳).

حضرت امیرمؤمنان عليه السلام به مالک اشتر فرمود: حق را نسبت به هر کس، نزدیک باشد یا دور (خویشاوند و بیگانه) رعایت و اجرا کن و در این باره شکبیا باش و این شکبایی را به حساب خدا بگذار؛ هر چند این رفتار با خویشاوندان و اطرافیان باشد و عاقبت آن را - با همه دشواری که دارد - ملاحظه کن که سرانجام آن پسندیده و پایانش فرخنده و مبارک است.^۱

نکته: ممکن است همه حدود یکسان نباشند و اجرای حد کیفری از ویژگی ای برخوردار باشد که تفصیل آن در فقه آمده است.

قانون در سیره پیامبر و امامان عليهم السلام

در سیره عملی رسول خدا ﷺ آمده است که زنی از قبیله ای سرشناس (بنو مخزوم) مرتکب گناهی شد و آن حضرت دستور اجرای حد داد. اسامه بن زید نزد پیامبر آمد و درخواست بخشش کرد. پیامبر ﷺ فرمود: به خدا سوگند اگر دخترم دزدی کند، دست او را قطع می کنم و در اجرای حدود و قانون الهی هیچ فرقی میان مردم نمی گذارم. آن حضرت در ادامه، سیاست های نادرست و قانون گریزی است های پیشین را نکوهش کردند و چنین گفتند: بدبختی است های پیشین در این بود که اگر فرد بلند پایه ای از آنان دزدی می کرد او را می بخشودند و اگر فرد ضعیف و گمنامی دزدی می کرد، حکم خدا را درباره او جاری می ساختند.^۲

۱. وَ أَلِيمَ الْحَقِّ مِنْ لَوْعَةِ مِنَ الْقَرِيبِ وَ الْعَمِيدِ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَ إِقَامًا ذَلِكَ مِنْ قَرِينِكَ وَ نَحَابِيكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ ابْتِغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يُثْقَلُ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَعَبَةَ ذَلِكَ مُحْشَوَةٌ (نهج البلاغه، نامه ۵۲).

۲. إِنَّمَا أَهْلِكُ الْأَعْيُنَ قَبْلَكُمْ، أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَ إِنَّمَا اللَّهُ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا (صحیح البحاری، ج ۴، ص ۱۵۱).

در سیره امیرمؤمنان علیه السلام نیز آمده است که وقتی آن حضرت با درخواست مردم حکومت را پذیرفت، در خطبه‌ای بر قانونگرایی خویش تأکید کرد و فرمود: بدانید اگر من درخواست شما را پذیرفتم با شما آن‌گونه رفتار می‌کنم که خود می‌دانم و به گفته گوینده و ملامت سرزنش‌کننده‌ای گوش نمی‌سپارم.^۱

آن حضرت وقتی با ضریب ابن ملجم ملعون در بستر افتاد، فرزندان خویش را فرا خواند و حدود الهی و عمل به قانون در رفتار یا قاتلش را به آنان گوشزد کرد و فرمود: ای پسران عبدالمطلب! شما را نبینم که خون مسلمانان را فراوان بریزید و بگویید که امیرمؤمنان کشته شد. بدانید که در برابر خون من جز کشده من نباید کسی کشته شود. بنگرید! اگر من از این ضریب او به شهادت رسیدم، او را تنها يك ضریب بزیند و دست و پا و دیگر اندام‌های او را نبرید.^۲

۱۰. حق الناس

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خدای سبحان حقوق بندگان را بر حقوق خویش مقدم کرده است و رعایت حقوق مردم به ادای حقوق خدا خواهد انجامید^۳؛ همچنین گفتند: ستم برخی بندگان بر برخی دیگر (بدون ادای حق الناس) بخشوده نمی‌شود.^۴

۱. وَ اعْلَمُوا أَنِّي إِذْ أُجِيتُكُمْ رَيْبٌ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ وَ تَمَّ أَصْحَبِي إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَسَبَ الْعَاتِبِ (نهج البلاغه، خطبة ۹۷).
۲. يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أَلْفَيْتُكُمْ تَحُوسُونَ وَ مَنَاةَ الْمُسْلِمِينَ حَوْسًا تَقُولُونَ قِيلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي. انظُرُوا إِذَا أَنَا مَتُّ مِنْ ضَرْبِي هَذِهِ فَأَضْرِبُوهُ ضَرْبَةَ بَضْرِي وَ لَا تُمْتَلُوا بِالرَّجُلِ (نهج البلاغه، نامه ۲۷).
۳. جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً لِحُقُوقِهِ [عَلَى حُقُوقِهِ]، فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤْتِيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ (عبر الحکم، ص ۲۸۰).
۴. أَمَا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُكْرَهُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا (نهج البلاغه، خطبة ۱۷۶).

کمترین و لازم‌ترین حقوق

امام صادق علیه السلام فرمود: کم‌ترین حقوق برادر است بر تو این است که هر آنچه را برای خودت می‌پسندی، برای او نیز بیسندی و آنچه برای خود نمی‌پسندی، بر او نیز روا نداری^۱ و نیز فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق دارد. واجب‌ترین آنها این است که آدمی تنها حق را بگوید، هر چند به زبان خود یا پدر و مادرش باشد.^۲

پیامد تجاوز به حقوق

به نقل امیرمؤمنان علیه السلام، خدای متعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند، از ستم هیچ ستمگری نخواهم گذشت؛ گرچه به اندازه دست بردست زدن یا فشار دادن دستی از روی ستم باشد.^۳ امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس آبرو و حیثیت مؤمنی را بشکند، باید آن را ترمیم کند.^۴

۱۱. ضرورت عدالت

عدالت نیاز هر جامعه و مایه نشاط و شادابی مردم است و جامعه بی‌عدالت، پیشرفت و توسعه ندارد. عدالت در فرهنگ اسلام و تشیع ارزش و اهمیت والایی دارد. حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: سه چیز مورد نیاز همه مردم است: امنیت، عدالت و حاصلخیزی [فراوانی و ارزانی].^۵

۱. أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُجِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لِمَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ (الامامی، طبرسی، ص ۹۸).
۲. إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَ حُقُوقٍ فَأَرْجِيهَا أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ حَقًّا وَإِنْ كَانَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ عَلَى وَالِدَيْهِ (بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۳).
۳. إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِذَا بَرَّ لِحَلْفِهِ أَقْسَمَ قَسَمًا عَلَى نَفْسِهِ، فَسَأَلَ: وَ عَزَمَنِي وَ حَلَالِي لَا يَجُوزُنِي ظَلَمٌ ظَالِمٌ وَ لَوْ كَفَّ بِكَفِّ وَ لَوْ مَسَحَتْ بِكَفِّ (المحاسن، ص ۷).
۴. مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَمَلَّوْهُ جِرَّةً (الكافي، ج ۲، ص ۴۵).
۵. ثَلَاثَةٌ أَسْبَابُ تَحْتَاجِ النَّاسِ طَرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَ الْعَدْلُ وَ الْخَصْبُ (تعف العقول، ص ۲۷۰).



عدالت حاکمان

عدالت رهبران جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مردم نیز در عدالت‌پیشگی از آنان پیروی می‌کنند. حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: با فضیلت‌ترین حاکمان و رهبران کسانی‌اند که سه ویژگی مهربانی، سخاوت و عدالت به آنان عطا شده باشد.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام تسلط بر خود را عامل شکوفایی عدالت در انسان و گرایش دیگران به انسان دانسته و فرمود: زمانی که حکم تو بر خودت نافذ شد [و عدالت را درباره خود اجرا کردی]، توده مردم به سبب عدالت‌پیشگی‌ات به تو روی می‌آورند.^۲

پیامبر یکی از نشانه‌های عدالت را چنین می‌شناساند که انسان هرچه را برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم بد شمارد و هر چیزی را برای خود می‌پسندد، برای دیگران هم دوست بدارد. در این صورت در دادگری عادل و در عدل، اهل قسط خواهد بود.^۳

سفارشی به عدالت

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در داوری عدالت پیشه کنید.^۴ همچنین فرمود: آن که به داوری می‌پردازد، باید در اشاره و نگاه به طرفین دعوا و جایگاه نشستن آنان موااسات و همسانی را رعایت کند.^۵

۱. أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الرَّأْفَةَ وَالْحَيَاةَ وَالْعَدْلَ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۲. إِذَا تَقَدَّرَ حُكْمُكَ فِي تَفْسِيحِكَ تَدَاعَتْ أَنْفُسُ النَّاسِ إِلَى عَدْلِكَ (غرر الحکم، ص ۳۳۳).

۳. مَا كَرِهْتُمْ لِنَفْسِكَ فَآكْرَهُ لِقَعْرِكَ وَمَا أَحْبَبْتَهُ لِنَفْسِكَ فَأَحْبِبْهُ لِأَخِيكَ، تَكُنْ عَادِلًا فِي حُكْمِكَ مُقْسِطًا فِي عَدْلِكَ (تحف العقول، ص ۱۲).

۴. إِذَا حَكَمْتُمْ فَاغْدُوا (الامالی، طوسی، ص ۲۰۸).

۵. مَنْ بَاتَيْتُ بِالْقَضَاءِ فَلْيُؤَسِّسْ بَيْنَهُمْ فِي الْإِسْرَةِ وَفِي النَّظَرِ وَفِي التَّجْلِيسِ (الکافی، ج ۷، ص ۲۱۳).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه بد قومی‌اند آنان که برای خدا عدالت و قسط را برپا نمی‌دارند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاه‌های خود را میان اصحاب عادلانه قسمت می‌کرد و در مجلس، مساوی به روی آنان می‌نگریست.^۲

آثار عدالت

ورود به بهشت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس متولی امور مردم باشد و عدالت پیشه کند... بر خداست او را در روز قیامت از هراس و عذاب ایمن کند و وی را به بهشت درآورد.^۳

پیروزی بر دشمن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر زمامداری که عدالتش در جامعه فراگیر شود، پیروزی بر دشمن نصیب او می‌شود.^۴ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: عدالت را بر سخت‌گیری و انتقام مقدم بدار تا به دوستی دست‌یابی.^۵

نکته: تقدیم عدل بر سخت‌گیری، از قبیل ترجیح خوب‌تر بر خوب نیست؛ بلکه از سنخ تقدیم حق بر باطل است؛ مگر آن سخت‌گیری که در اجرای حدود الهی است که آن نیز عدل و حق است.

سپهر محکم: در حدیثی عدالت، سپهر نگهدار و بهشت ماندگار شناسانده شده است.^۶

۱. بَشِّرِ الْقَوْمَ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْقِسْطِ (التواریخ، ص ۲۶).

۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَسَوَّى لِحُطَايَةِ بَيْنِ أَصْحَابِهِ، فَيَنْظُرُ إِلَى ذَا وَبِظُنْهِ إِلَى ذَا بِالسَّوِيَّةِ (الکافی، ج ۲، ص ۶۷۱).

۳. مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ... كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُدْجِلَهُ الْجَنَّةَ (الامالی، صدوق، ص ۲۴۵).

۴. ... وَ مَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نَصَرَ عَلَى عَدْوِهِ (کنز العوالم ج ۱، ص ۱۳۵).

۵. قَدَّمَ الْعَدْلَ عَلَى الْبَطْشِ تَطَهَّرَ بِالْمَحَبَّةِ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدیقه، ج ۲۰، ص ۲۷۸).

۶. الْعَدْلُ جَنَّةٌ وَارِيَةٌ وَجَنَّةٌ بَاقِيَةٌ (عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۹۳).



نجات دهنده از آتش: در حدیثی دیگر عدالت در شمار عوامل نجات از عذاب الهی آمده است. حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: ... یکی از سه نجات بخش، سخن عادلانه در حال خشودوی و غضب است.^۱

کیفر ترک عدالت

حسرت در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: ولایت ما جز با عمل به دست نمی آید و به راستی شدیدترین حسرت در روز قیامت از آن مردی است که از عدالت سخن بگوید، ولی در عمل بر خلاف آن رفتار کند.^۲

بدگمانی در جامعه: در جامعه ای که عدالت در آن برقرار است، بدگمانی و سوء ظن معنا ندارد و خوب است در همه چیز حمل به صحت شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شده باشد.

حضرت امام هادی علیه السلام گفتند: در دوران غلبه عدالت پیشگی بر ستمگری، بدگمانی به دیگران نارواست و در زمان چیرگی ستمگری بر عدالت، اعتماد و خوشبینی به دیگران خطاست، مگر آنکه به بدی یا خوبی کسی علم داشته باشی.^۳

۱۲. دعوت به خیر و نیکی

شایسته است مسلمانان بر اساس وظیفه اجتماعی خود، یکدیگر را به خوبی ها و ترک بدی ها فرا خوانند تا همگان به خیر و صلاح گرایند. حارث بن

۱. اَمَّا الْمُشَجَّبَاتُ ... وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ (کتاب الخصال، ص ۸۴).
 ۲. وَ اِنْ وَا لَيْتَنَا لَا نُؤَدُّكَ اِلَّا بِالْعَمَلِ وَ اِنْ اَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَ اِلَى غَيْرِهِ (مصادقة الاعوان، ص ۳۵).
 ۳. اِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ اَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ اَنْ تَنْظُرَ بِاَعْيُنِكَ حَتَّى تَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ وَ اِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ اَغْلَبَ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِاَعْيُنِكَ اَنْ تَنْظُرَ بِاَعْيُنِكَ خَيْرًا مَّا لَمْ تَعْلَمْ ذَلِكَ مِنْهُ (اعلام الدين، ص ۳۱۲).

مُغَيَّرِهِ می گوید: شبی در میان راه امام صادق علیه السلام به من برخورد کرد و فرمود: ای حارث! آگاه باشید که به یقین دانشمندان شما جور گناهان سفیهانتان را می کشند. پس از رفتن آن حضرت در پی ایشان رقوم و دوباره به محضرشان رسیدم و گفتم: جانم فدایت! گفته شما مرا نگران کرد. چگونه بار گناه جاهلان را عالمان و دانشمندان باید بر دوش کشند؟ آری چنین است. وقتی یکی از شیعیان کاری ناپسند می کند که مایه اذیت ما و سبب عیبجویی مردم از ما [و شیعیان] می شود و شما از آن آگاه می شوید، چرا به سراغ او نمی روید و او را نکوهش نمی کنید و وی را دعوت به خیر نمی کنید و با گفتاری رسا (استدلال و برهان) با او سخن نمی گوید؟ عرض کردم: چون از ما نمی پذیرد. آن حضرت فرمود: اگر چنین است، وی را از اجتماع خود برانید و از همنشینی با او بپرهیزید.^۱

دعوت درونی

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آگاه باشید! هرکس از درون خویش واعظ هشدار دهنده ای نداشته باشد، از جانب خدای سبحان نگهدارنده ای ندارد.^۲

۱. عن الحارث بن المغيرة، قال: لَفِينِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ لَيْلًا، فَقَالَ لِي: يَا حَارِثُ! قُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَمَا لَتَحْمِلُنَّ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ، ثُمَّ مَضَى. قَالَ: ثُمَّ أَتَيْتُهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ لَكَ نَفْسٌ، لَتَحْمِلُنَّ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ؟ فَقَدْ دَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ، فَقَالَ لِي: نَعَمْ مَا يَمُنُّكُمْ إِذَا بَلَغَكُمْ مِنَ الرَّجُلِ مِثْلَ مَا تَكْرَهُونَهُ وَمَا يَدْخُلُ عَلَيْكَ بِهِ الْأَذَى وَالْغَيْبُ عِنْدَ النَّاسِ أَنْ تَأْتُوهُ فَوَسْوَسَهُ وَ تَعَطَّوْهُ وَ تَقُولُوا لَهُ قَوْلًا بَلِيغًا؟ فَقُلْتُ لَهُ: إِذَا لَا يَقْبَلُ مِنَّا وَ لَا يُطِيعُنَا. قَالَ: فَقَالَ: فَإِذَا فَاسَجَرُونَهُ عِنْدَ ذَلِكَ وَ اجْتَنَبُوا سَجَائِلَتَهُ (کتاب السرائر ج ۳، ص ۵۹۸).

۲. أَلَا وَ إِنَّهُ مِنْ لَمْ يَخُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعْظُ، لَمْ يَخُنْ لَهُ مِنْ اللَّهِ حَافِظُ (بحار الانوار ج ۳۴، ص ۳۳۵). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۱۰.

شیوه دعوت به خیر

امام عسکری علیه السلام فرمود: هرکس برادر خود را پنهانی موعظه (دعوت به خیر) کند، او را زینت داده است و هرکس برادر خود را آشکارا و در حضور مردم موعظه (دعوت به خیر) کند، او را تحقیر و ضایع کرده است.^۱

برخی آثار موعظه

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعالی در روز قیامت عذاب را از سه گروه برمی‌دارد: کسی که به قضای او راضی باشد، آن که خیرخواه مسلمانان باشد و کسی که مردم را به خیر و صلاح راه نماید.^۲

اوصاف موعظه‌پذیران

سعادت‌مندی: امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: سعادت و نیک‌بختی (دنیا و آخرت) از آن کسی است که از دیگران پند گیرد.^۳

خردمندی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: پس به راستی که عاقل و خردمند با تعلیم و تربیت‌های سازنده پند می‌پذیرد؛ ولی چارپایان جز با زدن پند نمی‌پذیرند.^۴

منزلت واعظان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت برترین مقام و منزلت نزد خدا از آن

۱. مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ (صحیح المعرف، ص ۲۸۹).
۲. ثَلَاثَةٌ رَفَعَهُ اللهُ عَنْهُمْ الْمَعْدَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الرَّاضِي بِقَضَاءِ اللهِ وَ النَّاصِحُ لِلْمُسْلِمِينَ وَ الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ (امداد القلوب، ص ۴۹۶ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۱).
۳. السَّعِيدُ مَنْ وَعَظَ بَخِيرِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۸۶).
۴. فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَنْتَعِظُ بِالْآكَافِرِ وَ الْبَهَائِمُ لَا تَنْتَعِظُ إِلَّا بِالْقَرِيبِ (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

کسانی است که در دنیا بیش از دیگران به خیرخواهی و موعظه دیگران بپردازد.^۱

۱۳. مشورت و شورا

شایسته است مسلمانان، کارهای مهم به ویژه امور اجتماعی را با مشورت انجام دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که زمام‌داران شما، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوتمندان و کارهایتان بر اساس مشورت انجام گیرد، پس روی زمین از درون آن برای شما بهتر است (سزاوار زندگی هستید)؛ ولی اگر حاکمانتان پست و ثروتمندانتان بخیل باشند و امور زندگی را به زنانتان بسپارید، درون زمین از روی آن برایتان بهتر است.^۲

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام نیز گفتند: خودکامه خودرأی، ناپود می‌شود و مشورت کننده با دیگران در عقل آنان شریک می‌شود.^۳

وظیفه مشاور

امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق درباره وظایف مشاور فرمود: حق مشورت خواه این است که اگر عقیده و نظری داری از او دریغ نداری و اگر درباره محور مشورت چیزی نمی‌دانی، او را به دانایی راهنمایی کنی.^۴

۱. إِنْ أَظْمَتِ النَّاسُ مِثْلَةَ عِنْدَ اللهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشْرَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِيَخْلِفَهُ (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸).
۲. إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خَيْرًاؤُكُمْ وَأَعْيَابًاؤُكُمْ سُمَّاءًاؤُكُمْ وَأَمْرًاؤُكُمْ سُورِي بَيْنَكُمْ فَظَهَرِ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ نَظْفِهَا وَإِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شَرًّاؤُكُمْ وَأَعْيَابًاؤُكُمْ بُخْلَاءًاؤُكُمْ وَأَمْرًاؤُكُمْ أَلْسِي نَسَائِكُمْ فَبَطُلِ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا (صحیح المعرف، ص ۲۳۶).
۳. مَنْ اسْتَشِيرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عَقُولِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱).
۴. حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ إِنْ عَلِمْتَ أَنْ لَهُ رَأْيًا أَتَمَرَتْ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ تَعْلَمْ أَرَشِدْنَهُ إِلَى مَنْ تَعْلَمُ (کتاب الخصال، ص ۵۷۰).

ویژگی های مشاور

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر فرمود: با سه گروه مشورت نکن: بخیلی که تو را از فضل و بخشش باز می دارد و از فقر و نیاز می ترساند و ترسویی که گام های تو را از اقدام سست می کند و حرصی که به ناروا حرص و آزر در نگاه تو می آراید.^۱

برخی آثار مشورت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مشورت کننده ای نیست که به رشد (راه راست و مطلوب) هدایت نشود.^۲

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در احادیثی فرمود: هیچ پشتیبان و تکیه گاهی همچون مشورت نیست^۳، مشورت سرچشمه هدایت است^۴، مشورت اندیشه های صحیح دیگران را برایت به ارمغان می آورد و تو را هدایت می کند.^۵

۱۴. شهادت دادن

مسلمان وظیفه دارد آنچه را دیده است، در صورت نیاز شهادت دهد. امام صادق علیه السلام فرمود: برای هیچ کس سزاوار نیست که هرگاه برای شهادت بر کاری فرا خوانده شود که شاهدش بوده بگوید، شهادت نمی دهم.^۶

۱. لا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يُعَدُّلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يُعَذِّدُ الْفَقْرَ وَ لَا جَبَانًا يُضْمَعُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيسًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْحَوَرِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).
۲. مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرَّشَدِ (مجمع البيان، ج ۹، ص ۵۱).
۳. لَا طَهِيرَ كَالْمُشَاوِرَةِ (نهج البلاغه، حکمت ۵۴).
۴. الْأَشْيَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱).
۵. الْمَشُورَةُ تَجْلِبُ لَكَ صَوَابَ عَيْنِكَ (غرر الحکم، ص ۴۴۱).
۶. لَا يُبْخِي لِأَخِي إِذَا دُعِيَ إِلَى شَهَادَةٍ لِشَهِدَ عَلَيْهَا أَنْ يَقُولَ لَا أَشْهَدُ لَكُمْ (تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۲۷۵).

امام کاظم علیه السلام نیز فرمود: هرگاه کسی تو را برای شهادت بر دین یا حقی فرا خواند، روا نیست آن را به تأخیر بیندازی.^۱

شهادت ناحق

امام صادق علیه السلام از پدران خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر کس به زبان دیگری شهادت ناحق دهد، به زبانش آویخته می شود و در پایین ترین جایگاه دوزخ با منافقان خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: هیچ مسلمانی برای تصاحب مال دیگری به دروغ شهادت نمی دهد، مگر اینکه خدا در همان دم فرمان دوزخی شدن او را می دهد.^۳

کتمان شهادت و پیامد آن

سزاوار نیست که مسلمان از شهادت به حق، دوری و آن را کتمان کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از شهادتش بازگردد و آن را کتمان کند، خدا در قیامت در برابر چشم همه بندگان از گوشت خودش به او می خوراند و در حالی او را به دوزخ می برد که زبان خود را می جوید.^۴

۱. إِذَا دَعَاكَ الرَّجُلُ لِشَهَادَةٍ لَهُ عَلَى دِينٍ أَوْ حَقٍّ لَمْ يُبَيِّنْ لَكَ أَنْ تَقَاعَسَ عَنْهُ (الکافی، ج ۷، ص ۴۸۰).
۲. مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً يُرَى عَلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ عُلُقَ بِلِسَانِهِ مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ فِي الْمَرْكَةِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (رسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۲۵).
۳. مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ شَهِدَ شَهَادَةً يُرَى عَلَى مَالِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ لِيَطْعَمَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مَكَاةً شَكَكَ إِلَى النَّارِ (نواب الاعمال، ص ۲۲۵).
۴. وَ مَنْ رَجَعَ عَنِ شَهَادَتِهِ وَ كَتَمَهَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ لَحْمَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ وَ يُذِجِلُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَلُوكُ لِسَانَهُ (نواب الاعمال، ص ۲۸۳).

پیامبر ﷺ فرمود: هرکس شهادتی را پنهان دارد یا به دروغ شهادتی دهد تا بی جهت خون مسلمان بیگناهی را پایمال کند یا مال مسلمانی را به ناحق تصرف کند، در قیامت در حالی وارد محشر می شود که در پیش رویش تا آنجا که چشم کار می کند تاریک است و در چهره اش زخم و خراشی است و همه مردم او را با نام و نشان می شناسند.^۱

نکته: اصل همه این مطالب سودمند، رهنمود قرآن حکیم است که کتمان شهادت در محکمه عدل را گناه دل می شمارد: «وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ إِذًا قَلْبُهُ»^۲.

آثار شهادت به حق

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر کسی به حق شهادت دهد تا حقی مسلمانی را احیا کند، در روز قیامت در حالی به عرصه محشر می آید که در پیش روی او تا آنجا که چشم کار می کند، روشنایی و نور است و همه مردم او را به نام و نبار می شناسند.^۳

۱۵. اهمیت وصیت

اصل وصیت در آموزه های دینی، کاری شایسته و از نگاه فقه مستحب است و در مواردی که حقی الله یا حقی الناس بر عهده آدمی باشد واجب است وصیت

۱. مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً أَوْ شَهِدَ بِهَا لِيُهْلِكَ بِهَا دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَوْ لِيُرِيَّيَ سَأَلَ امْرِيٍّ مُسْلِمًا أَسَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ جُهِدَ ظُلْمَةً مَدَّ الْبَصَرَ وَ فِي وَجْهِهِ كُنُودٌ يَغْرِقُهُ الْخَلَائِقُ بِأَسْوَأِ وَ نَسِيهِ... (الامالی، صدوق، ص ۳۸۲).
۲. سوره بقره، آیه ۲۸۲.
۳. ... وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِيُخَيَّرَ بِهَا حَقُّ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَسَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ جُهِدَ سُوءًا مَدَّ الْبَصَرَ تَغْرِقُهُ الْخَلَائِقُ بِأَسْوَأِ وَ نَسِيهِ (الکافی، ج ۷، ص ۳۱۸).

کند تا آن حقوق ادا شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سزاوار نیست مسلمان شب بیارامد، مگر اینکه وصیت نامه اش زیر سرش باشد^۱ و نیز فرمود: کسی که بی وصیت از دنیا برود، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.^۲

عدالت در وصیت: امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در وصیتش عدالت ورزد، چنان است که همان اموال را در زمان حیات خود در راه خدا صدقه داده باشد و کسی که در وصیتش ستم و تجاوز کند، روز قیامت در حالی خدا را دیدار می کند که از وی روی گردان است.^۳

حضرت صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که هنگام مرگش درست وصیت نکند عقل، و جوانمردی اش کمبود دارد.^۴

وصیت به ثلث

روا بودن وصیت به مال، در مقدار بیش از ثلث، به اجازه وارثان بستگی دارد. هرچند وصیت به ثلث کاری شایسته است؛ ولی شایسته تر از آن انفاق مال در راه خدا در حال حیات و زندگی است. قرآن می فرماید: ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ غَيْرِ مَعْدُودَةٍ عِنْدَ اللَّهِ﴾^۵. به هر روی طبق نقل امام صادق علیه السلام، پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، برای ابن معرور اتصاری - که در مدینه

۱. مَا بَيَّنِّي لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيَّتَ لِبَيْتَةِ إِلَّا وَ وصِيَّتِهِ تَحْتَ رَأْسِهِ (المعتمده، ص ۶۶۶).
۲. مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ وَصِيَّةٍ نَامَتْ مِيْتَهُ جَاهِلِيَّةً (المعتمده، ص ۶۶۶).
۳. مَنْ عَدَلَ فِي وَصِيَّتِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَصَلَّقَ بِهَا فِي حَيَاتِهِ وَ مَنْ جَارَ فِي وَصِيَّتِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عِنْدَهُ مُعْرَضٌ (الغنی، ج ۴، ص ۱۸۲).
۴. مَنْ لَمْ يُخَيِّرْ الْوَصِيَّةَ عِنْدَ مَوْتِهِ كَانَ نَقْصًا فِي عَقْلِهِ وَ مُرْوِيَّة (فلاح السائل، ص ۶۶).
۵. هرکار خیری برای آخرت خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا نیکوتر از آنچه کرده اید خواهید یافت (سوره منزل، آیه ۲۰).

می‌زیست - مرگش فرارسید، وقتی چنین دید، وصیت کرد که یک سوم مالش را [برای امور خیر] مصرف کنند و این کار رایج و سنت شد.^۱

پیامبر ﷺ فرمود: خدا ثلث اموالشان را به هنگام مرگشان به شما صدقه داد؛ تا بر حسناتشان بیفزاید؛^۲ نیز از معصوم علیه السلام روایت شده هر که یک سوم مالش را [برای کارهای خیر] وصیت کند، اگر زکات بدهکار باشد [و یادش رفته باشد]، به جای آن محاسبه می‌شود.^۳

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هر که [بخشی از مالش را برای کارهای خیر] وصیت کند و وصیتش ظالمانه نباشد و به کسی (وارث) زبانی هم نرساند، این وصیت همانند صدقه در حال حیاتش است.^۴

از امام رضا علیه السلام درباره وصیت به یک سوم یا یک چهارم مال (برای هزینه آن در امور خیر یا میت) پرسیده شد، آن حضرت با تأیید آن فرمود: وصیت به یک سوم مال همان چیزی است که پدرم آن را انجام داده است.^۵

مذمت ترک وصیت به ثلث: به نقل امام باقر علیه السلام، خدای متعالی می‌گوید: پسر آدم! سه نعمت بزرگ به تو عطا کردم؛ زشتی‌ها و عیب‌هایت را

۱. كَانَ الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ الْأَصْبَارِيُّ بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَكَّةَ، وَآلَهُ حَضْرَةَ الْمَوْتِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْمُسْلِمُونَ يَصَلُّونَ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَأَوْصَى الْبِرَاءُ بْنُ مَعْرُورٍ (إِذَا دُفِنَ) أَنْ يُجْعَلَ وَجْهُهُ إِلَى بَلَدِ الْبَيْتِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَأَوْصَى بِثَلَاثٍ مَالِهِ فَجَبَّرَتْ بِهِ السُّنَّةُ (الفتاوى، ج ۴، ص ۱۸۷، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۷۱).

۲. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَصَدَّقَ عَلَيْكَ عِنْدَ وَفَاتِكَ بِثَلَاثِ أَمْوَالِكُمْ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِكُمْ (مسندک الوسائل، ج ۱۲، ص ۹۶).

۳. مَنْ أَوْصَى بِالثَّلَاثِ، أُحْسِبَ لَهُ مِنْ زَكَاةِهِ (الکافی، ج ۷، ص ۵۸).

۴. ... عَنْ أَوْصَى وَلَمْ يُجِزْ وَلَمْ يُصَارْ كَانَ كَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فِي حَيَاتِهِ (الکافی، ج ۷، ص ۶۲).

۵. ... قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَمَّا يَقُولُ النَّاسُ: فِي الْأَوْصِيَةِ بِالثَّلَاثِ وَالرُّبْعِ عِنْدَ مَوْتِهِ؛ أَشْيَءٌ صَاحِبٌ مَعْرُوفٌ، أَمْ كَيْفَ صَنَعَ أَبُوكَ؟ فَقَالَ: الثَّلَاثُ، ذَلِكَ الْأَمْرُ الَّذِي صَنَعَ أَبِي زَجَمَةَ اللَّهُ (الکافی، ج ۷، ص ۱۱).

پنهان کردم که اگر بستگان می‌دانستند به خاکت نمی‌سپردند. نعمت را توسعه دادم و از تو فرض خواستم؛ ولی خیری را از پیش نفرستادی! تا زمان مرگ، به تو مهلت دادم که ثلثی بگذاری؛ ولی اقدامی نکردی!

۱۶. اهمیت رازداری و حفظ آبرو

حفظ آبرو و اسرار مسلمانان از مسائل مهم اجتماعی و از عوامل اثرگذار بر وحدت جامعه اسلامی است و در آیات و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر آن فراوان تأکید شده است. قرآن از تجسس در امور دیگران نهی کرده است.^۱ در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده است: ای علی! هشت گروه‌اند که اگر به آنان اهانت شود، نباید جز خود کسی را سرزنش کنند ... از جمله کسی که در موضوعی سزای میان دو نفر بی‌اجازه آنان وارد شود.^۲

همان حضرت علیه السلام در خطبه‌ای به اصحاب خود فرمود: از مسلمانان غیبت نکنید و در پی کشف عیوب و زشتی‌های آنان نباشید؛ چون هر کس در پی کشف عیوب برادرش باشد، خدا عیوب او را آشکار می‌کند.^۳

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: اسرار خود را به دوست هم

۱. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: إِنَّ آدَمَ! تَقَوْلُثْ عَلَيْكَ بِنَاوِي: سَكَّرَتْ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ، وَأَوْسَعَتْ عَلَيْكَ؛ فَاسْتَرْحِطْ مِنْكَ فَلَمْ تَقْدَمْ خَيْرًا، وَجَعَلَتْ لَكَ نَظْرَةَ بِنْدِ مَرْثِكَ فِي ثَلَاثِكُمْ؛ فَلَمْ تَقْدَمْ خَيْرًا (الفتاوى، ج ۴، ص ۱۸۱، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۷).

۲. ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ (سورة حجرات، آیه ۱۲).

۳. يَا عَلِيُّ! ثَمَانِيَةٌ إِنْ أَمِينُوا فَلَا يَأْمُونُوا إِلَّا أَنْفُسُهُمْ: ... وَالْمُخَالِفُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرٍّ لَمْ يَدْخُلَاهُ فَيُؤْمَرُ... (الفتاوى، ج ۴، ص ۳۵۵).

۴. لَا تَمْتَنُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَسْتَعْمُوا عَوْرَاتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنْ تَبَيَّنَ عَوْرَةَ أَخِيهِ تَبَيَّنَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۱۵).



نگو، مگر اسراری که اگر دشمنان نیز آنها را بدانند، برایت زیانبار نباشد؛ چون دوست آدمی ممکن است روزی به دشمن بدل شود.^۱

پاداش رازداری

رازداری و کتمان اسرار و پوشاندن عیوب برادران دینی، آثار مثبت دنیوی و اخروی دارد که در کلام گهربار معصومان علیهم‌السلام به برخی از آنها اشاره شده است:

امیرمؤمنان علیه‌السلام خطاب به مالک فرمود: تا می‌توانی عیوب و زشتی‌های مردم را بپوشان تا خدا هم عیب تو را بپوشاند؛ عیبی که دوست داری از مردم مخفی بماند.^۲

امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که اسرار برادر مسلمان خود را بپوشاند، در روز قیامت که جز سایه خدا هیچ سایه‌ای نیست، زیر سایه عرش خدا قرار می‌گیرد.^۳

کیفر عیب‌جویی از دیگران

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: در مدینه مردم‌مانی بودند که خودشان عیب نداشتند؛ ولی از عیب‌های دیگران سخن گفتند و خدا عیبی از آنها را [بعد از ابتلاء] آشکار کرد که تا هنگام مرگ با آن عیوب شناخته می‌شدند؛^۴ نیز فرمود:

۱. لا تطلع ضلیقک من سِرِّکَ إلا علی ما لو اطلع علیه عدوکَ لَمْ یَسْرُکَ، قِوَان الصَّدیقِ قَدْ یَکُونُ عَدُوًّا یُؤْمَا مَا (الامالی، صدوق، ص ۶۷).
۲. فاشتر العزوة ما استطعت، یسِّر الله منک ما تحبُّ شره من زعیبک (نهج البلاغه، نامه ۵۴).
۳. ثلاثة یستظنون بظلم عرش الله یوم لا ظل الا ظله: رجل یتبع اعداء المسلمین او اخدمته او کتم له سراً (مسائل علی بن جعفر علیه‌السلام، ص ۲۴۲).
۴. و کان فی المدینة اقوام لا یحیبون لهم فتکلموا فی عیوب الناس، فأظهر الله لهم عیوباً لَمْ یترکوا یحرفون بها إلى أن ماتوا (الامالی، طوسی، ص ۲۴).



در پی کشف اسرار و زشتی‌های مردم نباشید؛ زیرا کسی که در پی زشتی برادرش باشد، خدا هم زشتی او را دنبال می‌کند و هرکس خدا بدی‌های او را دنبال کند او را درون خانه‌اش رسوا می‌کند.^۱

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: هرکس از گناه و عیب برادر مؤمن خود آگاه شود و آن را آشکار کند و کتمان نکند و برای او طلب مغفرت نکند، نزد خدا مانند انجام دهنده همان گناه است و به پیامد آن مبتلاست و خدا گناه آن مؤمن را می‌بخشد و کیفرش همان آشکار شدن گناه او در دنیاست و گناه او در آخرت پنهان می‌ماند.^۲

۱۷. تأمین نیاز مردم

یاری‌رسانی به مردم و دست‌گیری از آنان و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنها از وظایف بسیار مهم هر مسلمان است و در بعضی روایات معادل ده طواف خانه کعبه یا چند عمره و چند شبانه روز اعتکاف به شمار آمده است. در این بخش به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

معادل نُه هزار سال روزه و عبادت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هرکس برای برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد گویا نه هزار سال با روزه‌داری روزها و شب زنده‌داری شب‌هایش خدا را عبادت کرده است.^۳

۱. لا تکتبوا عوزائهم، فإنه من کتب عوزة أخیه کتب الله عوزة و من کتب الله عوزة یفضحه فی جوف بیته (تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۱۵).
۲. من اطلع من مؤمن علی ذنب أو سیکو فأقتی ذلک علیه و لم یکنهها و لم یستغفر الله له کان عند الله کما لیهما و علیه ویر ذلک الذی أفشاه علیه و کان مغفوراً لهما لیهما و کان عقابه ما أفشى علیه فی الدنیا مشهوراً علیه فی الآخرة (الاختصاص، ص ۱۳۲ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳۳ - ۱۳۵).
۳. من سعى فی حاجة أخیه المسلم فکأنما عبد الله عز و جل تسعة آلاف سنة صالحاً تهاؤه قابلاً لیلته (الفقه، ج ۲، ص ۱۹۰).

معادل ده طواف کعبه: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: برآوردن نیاز مؤمن از ده طواف خانه خدا برتر است.^۱

معادل هزار حج و...: امام صادق علیه السلام فرمود: برآوردن نیاز مؤمن از هزار حج پذیرفته شده، آزاد کردن هزار برده برای خشنودی خدا و تجهیز و انفاق هزار اسب با زین و لجامشان در راه خدا ارزشمندتر است.^۲

معادل دو ماه روزه و اعتکاف در مسجد حرام: امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرمود: هر کس در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد و خدا هم نیازی را به دست او برآورد، ثواب یک حج، یک عمره و دو ماه اعتکاف و دو ماه روزه در مسجد حرام برایش می نویسد و اگر بکوشد ولی خدا آن حاجت را به دست او برنیارد، فقط ثواب یک حج و یک عمره برای او می نویسد.^۳

معادل بیست حج و انفاق صد هزار دینار: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: رفع نیاز مؤمن نزد خدا از بیست حج که در هر یک صد هزار دینار یا درهم هزینه شود، محبوبتر است.^۴

۱. قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَافِ وَ طَوَافِ حَتَّى عَدَّ عَشْرًا (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۴).
 ۲. قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَابِكِهَا وَ عَشْرِي أَلْفِ رَقِيبَةٍ يُرْحَمُ اللَّهُ وَ حُمَلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَسْرُجُهَا وَ لُجُومِهَا (الأمالي، صدوق، ص ۲۳۷).
 ۳. مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أُخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاءً مَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا، وَإِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَ لَمْ يُجِرْ اللَّهُ قَضَاءً مَا عَلَى يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۸).
 ۴. لَقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عَشْرِينَ حِجَّةً كُلِّ حِجَّةٍ يُؤْتَى فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۲).

تکته: البتّه تفاوت مراتب ثواب و درجات فیض خدا به تفاوت مورد نیاز، کیفیت اضطرار نیازمند، اختلاف احوال مخاطبان، تفاوت مراتب اخلاص و نیز کیفیت اموال به دست آمده و صرف شده و مانند آن خواهد بود.

برخی آثار رفع نیاز مردم

دوری از عذاب خدا: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعالی بندگان را دارد که آنها را برای رفع نیازهای مردم اختصاص داده است. مردم در نیازمندی هایشان به آنان پناه می برند. اینان از عذاب الهی در امان اند.^۱

نشان شیعه بودن: امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما را به دو خصلت بیازمایید، اگر این دو خصلت را نداشتند، حتماً از آنان دوری کنید. مفضل بن عمر پرسید: آن دو کدام اند؟ پاسخ دادند: مواظبت بر نماز اول وقت و احسان و یاری رساندن به برادران دینی، گرچه اندک باشد.^۲

آمزش گناهان و ترفیع درجات: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکسی نیاز مسلمانی را برآورد، خدا ده حسنه برای او می نویسد، ده گناه از او می بخشد و ده درجه مقام او را بالا می برد و در روزی که هیچ سایه ای جز سایه خدای متعالی نیست، او را در سایه خود قرار می دهد.^۳

۱. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِبَادًا اخْتَصَمَهُمْ بِحَوَائِجِ النَّاسِ يَتَرَقَّى النَّاسُ إِلَيْهِمْ فِي حَوَائِجِهِمْ. أَوْلَيْكَ الْأَوْسُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۸).
 ۲. اخْتَبِرْ شَيْخَتَنَا فِي خُصْلَتَيْنِ، فَإِنْ كَانَتْمَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَأَعْرَبْ ثُمَّ اعْرَبْ. قُلْتُ: مَا هُمَا؟ قَالَ: الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَسَائِلِهَا وَ الْمُؤْتَاةُ لِلْإِخْرَاقِ وَإِنْ كَانَ الشَّيْءُ قَلِيلاً (مصادقة الإخوان، ص ۳۶).
 ۳. مَنْ قَضَى لِمُسْلِمٍ حَاجَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَطْلَعَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ نَوْمٍ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (مصادقة الإخوان، ص ۵۴).



دفع گرفتاری از خانواده: امام باقر علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که نیاز گرفتاری را برآورد، خدا هفتاد و سه حاجت او را برآورده می‌سازد: هفتاد و دو حاجت در آخرت و یکی در دنیا و کمترین پاداش دنیایی او این است که گرفتاری را از او و مال و خانواده و فرزندان دفع می‌کند و کمترین پاداش آخرتی او این است که درهای بهشت بر روی او گشوده و به او گفته می‌شود: از هر دری که خواهی، وارد شو. آن امام همام علیه السلام گفتند: از هر دری وارد شود، به سوی ما می‌آید.^۱

افزایش روزی: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: آیا از چیزهایی که روزی را می‌افزاید به شما خبر دهم؟ عرض کردند: آری، ای امیرمؤمنان! فرمود... یاری کردن برادر دینی که روزی را افزایش می‌دهد.^۲

دوام روزی: پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: خدا اقوامی را به برتروداری از نعمتی اختصاص می‌دهد که به سود مردم است. این نعمت را تا هنگامی در میان آنان نگه می‌دارد که آن را بذل کنند و هرگاه از بذل آن سرباز زدند، خدا نعمت را از آنان می‌گیرد و به دیگران می‌دهد.^۳

امیرمؤمنان علیه السلام هم به جابر فرمود: ای جابر! کسی که نعمت‌های خدا بر او افزون شود، رویکرد مردم به او برای رفع نیاز افزون گردد. اگر آنچه خدا بر او واجب کرده انجام دهد، نعمت‌ها را پایدار خواهد کرد و اگر در انجام دادن

۱. اَیُّهَا مُؤْمِنٌ لِحَا إِلَهِهِ مَكْرُوبٌ فَحَسْبُ حَاجَتِهِ فَحَسْبُ اللَّهِ لَهُ ثَلَاثًا وَسِتِّمِئِينَ حَاجَةً، اَسْتَسْبِيحُ وَ سِتِّمِئِينَ حَاجَةً فِي الْآخِرَةِ وَ وَاحِدَةً فِي الدُّنْيَا وَ إِنْ أَتَى مَا يَكُونُ فِي الدُّنْيَا أَنْ يَدْفَعَ عَنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ إِنْ أَتَى مَا يَكُونُ مِنَ الْآخِرَةِ أَنْ تَفْتَحَ لَهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ، فَيَسْأَلُ لَهُ: ادْخُلْ مِنْ أَيِّهَا شِئْتَ. قَالَ: أَمِنْ يَدْخُلُ إِلَيْهَا إِلَيْنَا (روضة الواعظین، ص ۳۸۸).
۲. أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِنَا يُزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ: ... وَ مُوَأَسَاةُ الْأَخِي فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (معاني الأخبار، ص ۱۲۴).
۳. إِنْ لَمْ تَعَالَى اقْوَامًا يَخْتَصِمُهُمُ بِاللَّحْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ وَ يُعْرِضُهَا فِيهِمْ مَا يَذَلُّوهُا، فَإِذَا مَتَّعُوهُا نَزَعَهَا مِنْهُمْ فَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۸).

وظیفه الهی خود کوتاهی کند، آن نعمت‌ها را در معرض زوال و نابودی قرار داده است.^۱

آسایش در دنیا و آخرت: حضرت امام صادق علیه السلام گفتند: مؤمن تنگدستی که گرفتاری برادر مؤمن خود را برطرف کند، خدا در دنیا و آخرت تأمین نیازهایش را بر او آسان می‌کند.^۲

دستیابی به بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس نیاز مؤمنی را برآورد، خدا نیازهای فراوانی را برای او تأمین می‌کند که کمترین آنها بهشت است.^۳

امام سجّاد علیه السلام نیز فرمود: هرکس نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، به برآوردن حاجت خدا آغاز کرده است و خدا صد نیاز او را برآورد که در یکی از آنها بهشت است.^۴

قرب به خدای سبحان: امام صادق علیه السلام فرمود: با یاری کردن برادرانتان به خدا نزدیک شوید.^۵

معجوب خدا شدن: به نقل امام صادق علیه السلام، خدا می‌گوید: مردم عیال من اند و محبوب‌ترین آنان کسانی‌اند که در رفع نیازمندی‌های مردم بکوشند.^۶

۱. دَخَلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: ... يَا جَابِرُ! مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ قَسَلْنَا مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِ عَرَضًا لِلدُّوَامِ وَ الْبِقَاءِ وَ إِنْ قَسُرْنَا فِيمَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِ عَرَضًا لِلزُّوَالِ وَ الْفَنَاءِ (التفسیر المنسوب الی الإمام العسكري علیه السلام، ص ۴۰۳).
۲. أَيُّهَا مُؤْمِنٌ نَفْسٌ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرِيَةٌ وَ هُوَ مُعِيرٌ يَسْتُرُ اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰).
۳. مَنْ قَسَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً فَحَسْبُ اللَّهِ لَهُ حَوَائِجُ كَثِيرَةٌ أَذَاهُمْ الْجَنَّةُ (قرب الإسناد، ص ۵۶).
۴. مَنْ قَسَى لِأَخِيهِ حَاجَةً فَيَحَاجَهُ اللَّهُ بَدَأَ وَ قَسَى اللَّهُ بِهَا يَأْتَهُ حَاجَتَهُ فِي إِخْدَانِ الْجَنَّةِ (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۲).
۵. قَسُرْنَا إِلَى اللَّهِ [بمُوَأَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ (کتاب الخصال، ص ۸۸، روضة الواعظین، ص ۳۸۶)].
۶. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: سَلَفِي عِيَالِي فَأَحْبَبُهُمْ إِلَيَّ... وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِ (مصادقة الإسحون، ص ۷۱).



اتصال به ولایت خدا؛ حضرت امام کاظم علیه السلام گفتند: برادر مؤمنی که برای رفع نیاز خود نزد برادر مؤمنش می‌آید، رحمتی از سوی خداست که به سوی او سوق داده است. اگر او درخواست یاد شده را پذیرفت، این کارش وی را به ولایت ما اهل بیت پیوند داده است که به ولایت خدا متصل است.^۱

فرمان‌روایی در بهشت: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: خدا بندگان دارد که در بهشت فرمان‌روایی می‌کنند. گفته شد: ای رسول خدا! آنان کیان‌اند؟ پاسخ دادند: کسانی که نیاز مؤمنی را برطرف کنند و این کار میان خودشان مخفی بماند.^۲

کیفر بی توجهی به نیاز مردم

همان‌گونه که یاری کردن مردم و رفع نیاز آنان پاداشی دنیوی و اخروی دارد، بی‌اعتنایی در زمینه رفع مشکل و نیازمندی‌های مردم نیز پیامدهایی ناگوار و کیفرهایی متعدّد در پی دارد که در روایات به آنها اشاره شده است. در این بخش به چند مورد بسنده می‌شود:

خروج از ولایت الهی: امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که برادری دینی به او پناه برد و او در حالی که قدرت دارد به برادرش پناه ندهد (و او را یاری نکند)، به راستی ولایت خدا را قطع کرده است.^۳

۱. مَنْ آتَاهُ أُخْرَهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا هِيَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - سَأَلَهَا إِلَيْهِ، فَإِنْ قَبِلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا وَهُوَ مُؤْتَمِلٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۶).
۲. إِنْ لَمْ يَبْدَأْ يُحْكَمُهُمْ فِي حَاجَتِهِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُحْكَمُهُمُ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ؟ قَالَ: مَنْ قَضَى لِمُؤْمِنٍ حَاجَةً يَبْتَغِي وَبَيْنَهُ (مصادقة الاخوان، ص ۵۵).
۳. مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أُخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَوْجُلِهِ فَلَمْ يُجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلَايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۶ - ۳۶۷).

خروج از ولایت اهل بیت علیهم السلام: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام رفاعه فرمود: ای رفاعه! به خدا، پیامبر و علی ایمان نیاورده، کسی که برادر مؤمنش برای رفع نیاز خود نزد او آید و او با روی گشاده از وی استقبال نکند؛ پس اگر نیازش به دست او برآورده می‌شود، در رفع آن شتاب کند و اگر خودش نمی‌تواند نیاز او را برآورد، بکوشد تا از طریق فردی دیگر نیاز او را تأمین کند؛ پس اگر جز این پیش آید، میان ما و او ولایتی نیست.^۱

گرفتار لعنت ابدی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که نیاز نیازمندی را برنیآورد در حالی که می‌تواند، گناه او مانند گناه باج‌گیر است. در این هنگام مالک بن عوف برخاست و پرسید: ای رسول خدا! گناه باج‌گیر در چه حدی است؟ پاسخ دادند: باج‌گیر در هر روز و شب مورد لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم است و هر کسی را خدا لعنت کند، یآوری ندارد.^۲

گرفتار گناه شدن: امام صادق علیه السلام فرمود: بدان کسی که مال خود را در راه اطاعت خدا صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خدا گرفتار می‌شود و هرکس در راه برآوردن نیاز ولی خدا قدم بردارد، خدا او را به گام زدن در جهت رفع گرفتاری دشمنان خدا مبتلا می‌کند.^۳

۱. يَا رِفَاعَةُ! مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بِعَلِيِّهِ مِنْ إِذَا آتَاهُ أُخْرَهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يَضْحَكْ فِي تَوْجِهِهِ، فَإِنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارِعًا إِلَى قَضَائِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ تَكَلَّفَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَتَّى يَفْضِيَهَا لَهُ، فَإِذَا كَانَ بِخِلَافِ مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وَلَايَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ (مسندك الرسول، ج ۱، ص ۲۳۲).
۲. مَنْ مَنَعَ طَالِبًا حَاجَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَعَلَيْهِ مِثْلُ حَطِيئَةِ عَشَارٍ، فَسَأَلَ إِلَيْهِ مَالِكُ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ: وَمَا يَبْلُغُ مِنْ حَطِيئَةِ عَشَارٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: عَلَى الْعَشَارِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَكَلْبَةٍ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالتَّلَاحِجَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَمَنْ يَلْعَنُ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (رسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۹۰).
۳. وَاعْلَمْ أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُنْفِقْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ الْبَتْلَى بِأَنْ يُنْفِقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يَنْشِ فِي حَاجَةِ وَلِيِّ اللَّهِ الْبَتْلَى بِأَنْ يُشْفِي فِي حَاجَةِ عَدُوِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الفقيه، ج ۲، ص ۴۱۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از انفاق حقّی در راه خدا مانع شود، دو چندان آن را در راه باطل هزینه خواهد کرد.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مالش را با اراده و اختیار خود از خوبان دریغ دارد، خدا مالش را به ناچار هزینه اشراق خواهد کرد.^۲

عذاب قبر: امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که برادر مؤمنش جهت درخواست حاجت نزد او آید و او نیازش را برنیآورد در حالی که قدرت دارد، خدا در قبرش ماری آتشین بر وی مسلط می‌کند که تا قیامت او را نیش می‌زند.^۳

عذاب روز قیامت: ابن کثیر در روایات با تعبیرهایی گوناگون آمده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در زنجیر بودن در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس که برادر مؤمنش از روی تنگ‌دستی از وی کمک بخواهد و او با وجود توانایی (از نزد خود یا دیگری) او را یاری نکند، خدا در روز قیامت او را در حالی محشور می‌کند که دست‌هایش به گردنش بسته شده و تا پایان حساب‌رسی مردم بدین حال می‌ماند.^۴

سیاه شدن چهره در محشر: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که با وجود توان رفع نیاز به دست خود یا دیگری، نیاز مؤمن دیگری را برطرف نکند،

۱. مَنْ مَنَعَ حَقّاً لِقَوْمٍ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَنْفِقَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَيْهِ (الکافی، ج ۳، ص ۵۰۶).

۲. مَنْ مَنَعَ مَالَهُ مِنَ الْخَيْرِ اخْتِياراً صَرَفَ اللَّهُ مَالَهُ إِلَى الْأَشْرَارِ اضْطِراراً (جامع الأخبار، ص ۱۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۵-۲۳۶).

۳. مَنْ آتَاهُ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي حَاجَةٍ... وَإِنْ رَدَّهُ عَنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعاً مِنْ نَارٍ يَنْهَشُ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۶).

۴. مَنْ سَأَلَهُ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ حَاجَةً مِنْ شَرِّ قَمِيصَةٍ مِنْ سَعَةِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ عَيْنِهِ حَسْرَةً اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَخْلُوعٌ يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَقْرَعَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ (مشكاة الأنوار، ص ۱۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۸۷).

خدا روز قیامت او را با چهره‌ای سیاه و چشمانی کبود و در حالی که دست‌هایش به گردنش آویخته محشور می‌کند و گفته می‌شود: این خائنی است که به خدا و رسولش خیانت کرده است؛ آنگاه او را به سوی آتش دوزخ روانه می‌کنند.^۱

واگذاری به خود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ماعون (لوازم زندگی در منزل و...) را از همسایه‌اش دریغ کند، خدا در روز قیامت خیرش را از او دریغ می‌کند و او را به خود وا می‌گذارد و چه بسیار بد است حال کسی که خدا او را به خودش وا گذارد.^۲

محرومیت از سکونت در بهشت: امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنی که خانه‌ای داشته باشد و مؤمن دیگری به سکونت در آن نیازمند باشد و وی دریغ ورزد، خدا به فرشتگان می‌فرماید: بنده من نسبت به بنده دیگرم در جهت سکونت در دنیا بخل ورزید. به عزّت و جلالم سوگند او هرگز در بهشت ساکن نخواهد شد.^۳

محرومیت از طعام بهشتی: امام صادق علیه السلام فرمود: هر مؤمنی برادر مؤمن خود را از مالش محروم کند، در حالی که او به آن نیاز دارد، خدا طعام بهشتی را به او نمی‌چشاند و او از شراب ظهور بهشتی هم نمی‌نوشد.^۴

۱. أَلَمَّا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِناً شَيْئاً مِمَّا يَخْتِاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْجُوداً وَجُهَهُ مُرَوِّفَةً عَيْنَاهُ مَخْلُوعَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤَيَّرُ بِهِ إِلَى الْمَذَارِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۷).

۲. مَنْ مَنَعَ السَّاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، فَمَا أَسْبَأَ خَالَهَ (مکارم الاخلاق، ص ۴۳).

۳. أَلَمَّا مُؤْمِنٍ كَانَتْ لَهُ ذَاتٌ فَاسْتِجَارَ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَلَأْتُكَ بِبَخْلِ عَيْدِي عَلَى عَيْدِي بِسُكْنَى الدُّنْيَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَّتِي أَبَداً (الصحاح، ص ۱۰۱).

۴. أَلَمَّا مُؤْمِنٍ حَبَسَ مُؤْمِناً عَنْ مَالِهِ وَهُوَ مُخْتِاجٌ إِلَيْهِ لَمْ يُؤْفِقْهُ اللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَلا يَشْرَبُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ (وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۲۸۹).

محرومیت از شفاعت پیامبر ﷺ: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خدا به بنده اش نعمتی دهد، نیازهای مردم را به سوی او سوق می دهد، اگر او بی منت و تحقیر نیازشان را برآورد، در بهشت فردوس سکونت می یابد؛ ولی اگر نیاز مردم را برطرف نساخت، در آتش دوزخ سکونت می یابد و در روز قیامت به شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله دست نمی یابد.^۱

۱۸. اصلاح روابط

اصلاح ذات بین به معنای زدودن دشمنی ها و تبدیل آن به آشتی و دوستی و صمیمیت است که از مهم ترین برنامه های اسلامی است. خدا در قرآن می فرماید: از خدا پروا کنید و میان خود صلح و آشتی برقرار سازید.^۲ و اگر زنی از ناسازگاری یا روی گردانی شوهرش بیم داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که [او با گذشتی از حقوقش] میان خودشان صلح و سازش برقرار کنند و سازش بهتر از جدایی است.^۳ و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر پیکار کنند، میان آنان صلح و سازش برقرار سازید؛ پس اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری ستم و تعدی کرد، با آن گروه که ستم می کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد و حکم او را گردن نهد. پس اگر بازگشت و حکم خدا را گردن نهاد، میان آن دو گروه صلحی عادلانه برقرار کنید.^۴ همه مؤمنان - چه آنان که با

۱. **إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْتَمَ عَلَىٰ عَيْدٍ يُعْطِي نِعْمَةً صَوَّرَ حَوَالِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ فَضَّلَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أَسْكِنَ الْفِرْدَوْسَ وَإِنْ لَمْ يُغْضِبْهَا أَسْكِنَ نَارَ جَهَنَّمَ... وَكَمْ يَنْزِلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** (مشكاة الأنوار، ص ۲۲۲).
 ۲. **﴿... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...﴾** (سورة انفال، آیه ۱).
 ۳. **﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...﴾** (سورة نساء، آیه ۳۴).
 ۴. **﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ نَغَتَ احِدُهُمَا عَلَى الْآخَرِ فَقَتِلُوا أَلَىٰ تَيْبِ حَتَّىٰ تَقضىَ إِلَى اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَ قَاصِلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ...﴾** (سورة حجرات، آیه ۹).

یکدیگر در ستیزند و چه غیر آنان - جز این نیست که با یکدیگر برادرند؛ پس بر شما فرض است که میان دو گروه از برادرانان که با یکدیگر در ستیزند، صلح و سازش برقرار کنید.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین صدقه، اصلاح میان مردم است.^۲

در تعلیمات اسلامی اصلاح چنان اهمیتی دارد که امیرمؤمنان علیه السلام در بستر شهادت به فرزندان خود و به همه مؤمنان گفتند: من از جدتان رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفتند: اصلاح میان خودتان از عموم نمازها و روزه ها^۳ برتر است.^۴

پیامبر صلی الله علیه و آله در بیان دیگری در اهمیت این موضوع فرمود: آیا شما را به چیزی برتر از نماز و روزه و صدقه آگاه نکند؟ آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه میان مردم کشنده و دین برانداز است.^۵
 امام صادق علیه السلام خطاب به شاگرد خود مفضل بن عمر (مسئول امور مالی امام) فرمود: اگر میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی پیش آمد با هزینه کردن از مال من میان آن دو آشتی برقرار کن.^۶

۱. **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ﴾** (سورة حجرات، آیه ۱۰).

۲. **أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ** (کبر العتاد، ج ۳، ص ۵۸).

۳. به گفته شیخ طوسی رحمه الله مراد، نماز و روزه مستحب است (بحار الأنوار، ج ۱۷۳، ص ۴۴).

۴. **أَوْصِيْنَا وَجِيعَ وَوَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ تَلَعْنَا... وَصَلِحْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمَا صلی الله علیه و آله يَقُولُ: صَلِحْ ذَاتَ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ** (صحیح البیاض، نامه ۱۷).

۵. **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ ذَرَجَةِ الصِّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الصَّلَاةِ؟ قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: صَلِحْ ذَاتَ الْبَيْنِ وَ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ هِيَ السَّخَالِفَةُ** (تسبیع الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۲۹).

۶. **إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ مِنْ شَيْعَتِنَا شَرَاةً فَافْتَدِمْهَا مِنْ مَالِي** (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹).

۱۹. میانجی‌گری در کار خیر

شایسته است مسلمانان در انجام دادن کار خیر و برآوردن حاجت دیگران، وساطت کرده و مشکلات آنان را حل کنند. رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند، آنان را به هم نزدیک کند و در امر خیر آنها را یاری کند.^۱

در حدیث دیگر فرمود: کسی که حاجتی را از برادر مؤمن خود برآورد، مانند کسی است که در همه دوران زندگی خود به خدا خدمت کرده است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اندوهی از مؤمنی بزداید، خدا اندویش را بزداید و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند، خدا عیبش را بپوشاند و صادقی که در حال کمک کردن به دیگران است خدا او را یاری می‌کند.^۳

وساطت پیامبر ﷺ

به نقل امام صادق علیه السلام، روزی رسول اکرم ﷺ با علی علیه السلام برای خرید پیراهن به بازار رفتند. در راه کنیزی را دیدند که می‌گریست. علت را پرسیدند. کنیز گفت: ای رسول خدا! سرپرست من چهار درهم برای خرید به من داده بود که گم شد و از این رو جرأت بازگشت به خانه را ندارم. آن حضرت چهار درهم به او داد و فرمود به خانه بازگرد. ... هنگام بازگشت باز همان کنیز را مشاهده کردند. پیامبر ﷺ فرمود: چرا به خانه خود نرفتی؟ گفت: چون دیر کردم، می‌ترسم اهل خانه مرا بزنند. فرمود: پیشاپیش من حرکت کن و راه

۱. حَبْرَ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ وَوَصَلَ وَأَعَانَ (مسندک الوصائل، ج ۱۲، ص ۳۹۰).

۲. مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ عَشْرَةَ (اعلام الدین، ص ۱۴۸).

۳. مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ كَرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً وَ مَنْ سَرَّ عَلَيَّ مُؤْمِنًا سَرَّ اللَّهُ عَلَيَّ عَوْنِيهِ وَ لَا يَزَالُ اللَّهُ فِي عَوْنِي مَا دَامَ فِي عَوْنِ أَخِيهِ (عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۲).

خانهات را به من نشان بده. پیامبر ﷺ آمد تا بر در خانه ایستاد و گفتند: سلام بر شما ای اهل خانه! این کنیز دیر کرده است، او را نیاز دارید. آنان عرض کردند: او به برکت آمدن شما آزاد است.^۱

واسطه‌گری برای ازدواج

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر در ازدواج میانجی‌گری کنی تا خدا آن دو را گرد هم آورد.^۲

پاداش وساطت در ازدواج

بهره‌مندی از لطف خدا در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس زمینة ازدواج مجردی را فراهم کند، از کسانی است که خدا در روز قیامت به او نگاه [لطف‌آمیز] می‌کند.^۳

ازدواج با همسران بهشتی: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس در ازدواج حلالی بین دو نفر اقدام کند تا اینکه خدا آن دو را گرد هم آورد، خدا در روز

۱. ... فَتَنَسَى مَعَهُ إِلَى السُّوقِ لِيَتَبَعَ قَرِيبًا، فَنَظَرَ إِلَى جَارِيَةٍ فَأَعْبَدَهُ عَلَى الطَّبِيعِ تَبَكِّي، فَسَأَلَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَمَا سَأَلُكَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! إِنِّي أُمْلِي أَعْطَيْتَنِي أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ لِأُشْتَرِيَ لِيَهُمْ حَاجَةً فَضَاعَتْ فَلَا أَجْسُرُ أَنْ أَرْجِعَ إِلَيْهِمْ، فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ وَقَالَ: الرَّجْعِي إِلَى أُمَّكِ وَ مَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... وَرَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَإِذَا الْجَارِيَةُ فَأَعْبَدَهُ عَلَى الطَّبِيعِ تَبَكِّي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا لِكَ لَا تَأْتِينَ أُمَّكِ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! إِنِّي قَدْ أَبْطَلْتُ عَلَيْهِمْ أَحَافَ أَنْ يَضْرِبُونِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مُرِّي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ دُلِّيهِ عَلَى أُمَّكِ وَ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ دَارِهِمْ، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّلَ الدَّارِ!... إِنَّ هَذِهِ الْجَارِيَةَ أَبْطَلَتْ عَلَيْكُمْ فَلَا تُؤْذَوْهَا، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ! هِيَ حُرَّةٌ لِمِشَاك... (کتاب الغصائل، ص ۲۹۱).

۲. أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تُشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي بِنَاحِ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (الکافی، ج ۵، ص ۱۳۲).

۳. مَنْ دَوَّجَ أَعْرَبَ كَانَ مَعْنَى يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الکافی، ج ۵، ص ۱۳۲).



قیامت همسری از حورعین به ازدواج او درآورد.^۱

ثواب يك سال عبادت برای هر گام و سخن او: رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس در کار ازدواج دو نفر اقدام کند و خدا نیز آن دو را گرد هم آورد، خدا در برابر هر قدمی که وی در این راه برداشته و هر سخنی که گفته ثواب يك سال عبادت می‌دهد.^۲

بهرمندی از سایهٔ عرض خدا: حضرت امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: سه گروه روزی که هیچ سایه‌ای جز سایهٔ خدا نیست، زیر سایهٔ عرش خدا قرار می‌گیرند: کسی که زمینهٔ ازدواج برادر مسلمان خود را فراهم آورد یا به او خدمت کند یا راز او را بپوشاند.^۳

۲۰. عدم مشارکت در کار خلاف

واسطه‌گری در کارهای خلاف شرع و قانون، گناهی بزرگ و دور از شأن مسلمان و مرتکب آن در کیفر گناه شریک است. رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس به کار بدی فرمان دهد یا راهنمایی یا اشاره کند در [گناه] آن شریک است.^۴ در حدیث دیگری فرمود: هرکس میان خانم و آقای در کاری حرام قوادی و واسطه‌گری کند، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش دوزخ و چه بد جایی است و او همواره تا هنگام مرگ مورد خشم خداست.^۵

۱. مَنْ عَمِلَ فِي تَرْبِيعٍ خَلَّالٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا رَوَّحَهُ اللَّهُ مِنَ الشُّحُورِ الْعَيْنِ (جامع الأخبار، ص ۱۰۲).

۲. ... وَ كَانَ لَهُ يَكْفُلٌ خَطْوُهُ خَطْوَهَا وَ كَلِمَةٌ تَكَلَّمَ بِهَا عِبَادَةٌ سَنَةَ (جامع الأخبار، ص ۱۰۲).

۳. ثَلَاثَةٌ يَسْتَنْظِلُونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ رَوَّحَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخَذَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا (مسائل علی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۲۳۳).

۴. ... وَ مَنْ أَمَرَ بِشَيْءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَشَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ (کتاب الخصال، ص ۱۳۸).

۵. وَ مَنْ قَادَ بَيْنَ اثْرَابَةٍ وَ رَجُلٍ حَرَامًا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا وَارَاهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا وَ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۵۱).

۲۱. دفاع از مظلومان

یاری رساندن به مظلومان و مستمندان و محرومان از مسائل بسیار مهم در فرهنگ اسلام و تشیع است و در روایات معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام به گونه‌ای خاص مورد تأکید قرار گرفته است، حتی مسافرت طولانی برای این کار نیز توصیه شده است.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَمَّ وَسَلَّمَ فرمود: برای یاری ستم‌دیده پنج میل راه بیما و برای یاری ستم‌دیده دادخواه شش میل.^۱

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: یار ستم‌دیدگان و دشمن ستمگران باش.^۲ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مؤمن کسی است که... به ستم‌دیده یاری رساند و به تهنی دست توخّم کند. جانش از خودش در سختی، و مردم از او در راحتی باشند... و هر کس را که به او یاری رساند کمک کند...^۳

پاداش یاری مظلوم

حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: یاری رسانیدن به مؤمن مظلوم از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد حرام برتر است.^۴ رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که حق ستم‌دیده را از ستمگر بستاند، در بهشت همنشین من است.^۵

۱. سِتْرٌ خَمْسَةَ أَهْنَابٍ أَنْصُرُ مَظْلُومًا، سِتْرٌ سِتَّةَ أَهْنَابٍ أُجِبُ مَا لَوْهَفًا (مصادقة الاخوان، ص ۵۸).

۲. كُنْ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا وَ لِلظَّالِمِ خَصْمًا (غر الحکم، ص ۲۸۱).

۳. ... يَنْصُرُ الْمَظْلُومَ وَ يُوَحِّمُ الْيُسْكِينَ، نَفْسُهُ مِثَّةٌ فِي عَنَاءِ وَ النَّاسِ مِثَّةٌ فِي رَاحَةٍ... وَ يُسَاعِدُ مِنْ سَاعِدَةٍ... (الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱).

۴. مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَحْفَظَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۰).

۵. مَنْ أَعَدَّ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَمَا مَعِيَ فِي الْحَجَّةِ مُضَاجِعًا (عز التواتر، ج ۱، ص ۱۲۵).

۲۲. امر به معروف و نهی از منکر

هر کاری را که دین و عقل نیکو بشناسند، معروف است. منکر نیز چیزی است که بر پایه نقل و عقل زشت و ناشناخته باشد؛ بنابراین همه واجبات و مستحبات معروف اند و امر به معروف، فرمان دادن به دیگران در محور واجبات و مستحبات است و نهی از منکر، بازداشتن دیگران از کارهایی است که نزد نقل و عقل ناپسند باشد و آنها محرمات و مکروهات اند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

امر به معروف و نهی از منکر از اصلی ترین ارزش های دینی است. به نقل قرآن کریم حضرت ختمی نبوت ﷺ در کتاب های تورات و انجیل به امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر معرفی شد^۱ و نیز لقمان به پسرش فرمود: ای پسرک من! نماز را برپا دار و به کار شایسته - که دین و خرد آن را به نیکی می شناسد - فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن و بر مصیبت و رنجی که به تو رسیده شکبیا باش [و بدان] که صبر و شکیبایی برخاسته از اراده جدی و تصمیم قاطع در کارهاست.^۲

این دو از مهم ترین وظایف مؤمنان و بارزترین ویژگی جامعه اسلامی است؛ زیرا خدای متعالی می فرماید: و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فرا خوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند.^۳ شما بهترین امتیذ که به سود مردم در آمدید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید...^۴

۱. «... نجدونهم مکتوباً عندهم... یأمرهم بالمعروف و ینهون عن المنکر...» (سوره اعراف، آیه ۱۵۷).

۲. «... یبئس أقم الصلاة و أمر بالمعروف و آفة عن المنکر و اصبر علی ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور» (سوره لقمان، آیه ۱۷).

۳. «و لتكن منكم أمة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

۴. «كنتم خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰).

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در حدیث

حجت خدا بر مردم: حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام ده بخش است و کسی که از این امور، سهمی نداشته باشد، زیان دیده است... ششمین آنها جهاد است که عزت می آورد و هفتمین آنها امر به معروف است که نوعی وفاداری شمرده می شود و هشتمین آنها نهی از منکر است که حجت خدا بر مردم به شمار می آید.^۱

روش صالحان: حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: امر به معروف و نهی از منکر راه انبیا و روش صالحان و فریضه ای بزرگ است که سایر واجبات به آن قوام می یابد، راهها امن می شود، کسب و کارها حلال می گردد و حقوق مردم به آنها بازگردانده می شود و زمین آباد می شود.^۲

نشان شیعیان: حضرت امام کاظم علیه السلام گفتند: رسول خدا ﷺ انگشتر را به انگشت دست راست خود می کرد و این نشان شیعیان ماست و بنا آن شناخته می شوند و [از دیگر نشانه های شیعیان ما] مراقبت بر اوقات نماز، دادن زکات، احسان و یاری برادران و امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

۱. جاتمی جبرئیل، فقال لی: یا أحمد! الإسلام عشرة أشهر و قد خاب من لا سهم له فیها: ... السابسة الجهاد و هو النیر و الشایعة الأمر بالمعروف و مؤ الوفاء و التائسنة النهی عن المنکر و هی الحجة (علل الشرائع، ص ۲۴۹).

۲. إن الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیا و ینهاج الصلحاء فریضة عظیمة بها تقام القرائن و تأمن المذاهب و تجل المکاتب و تروذ النظالم و تُعمر الأرض... (الکافی، ج ۵، ص ۵۵).

۳. ... و قد کان رسول الله ﷺ ینتخم ببینه و هو علامة لشیعنا یعرفون به و بالمخافلة علی أوقات الصلاة و إنشاء الزکاة و مؤاساة الإخوان و الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر (علل الشرائع، ص ۱۵۸).

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

این فریضه مراحل گوناگونی دارد که به تناسب مخاطب و مقتضای زمان و مکان تغییر می‌یابد و در احادیث معصومان علیهم‌السلام به این مراحل عملی، زبانی و قلبی اشاره شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هرکس از شما منکری دید، پس باید با دستش جلوی آن را بگیرد، پس اگر نمی‌تواند با زبانش و اگر آن را هم نمی‌تواند با قلبش [از آن بیزار باشد].^۱

کمترین حد نهی از منکر: امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: کمترین حد نهی از منکر آن است که با مردم نگاه‌کار با چهره‌ای در هم کشیده و ترشروی بر خورد کنید؛ نیز گفتند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ما فرمان داد که با اهل گناه با ترشروی برخورد کنیم.^۲

امر به معروف و نهی از منکر در اماکن: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: حق مجالس [حضور در اماکن عمومی] را به جا آورید... عرض شد: حق مجالس چیست؟ فرمود: چشم‌هایتان را از نامحرمان بپوشانید، پاسخ سلام را بدهید، نابینایان را هدایت و امر به معروف و نهی از منکر کنید.^۳

آثار و پاداش امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

از زمره صالحان و مؤمنان بودن: به خدا و روز واپسین ایمان دارند و به کار

۱. مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُبَيِّنْهُ يَدِيهِ، فَإِن لَّمْ يَسْتَطِعْ فِلِسَانِهِ، فَإِن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَبِيَدِهِ (عربی اللثامی، ج ۱، ص ۴۳۱؛ مستدرك الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۲).
۲. أَدْنَى الْإِنْتِكَارِ أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي يُوَجِّهُوهُ مَكْفَهَرَةً (تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۷۶؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۳).
۳. أَمْرًا رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي يُوَجِّهُوهُ مَكْفَهَرَةً (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۳).
۴. أَعْطَا الْمَجَالِسَ حَقَّهَا. قِيلَ: وَ مَا حَقُّهَا؟ قَالَ: عَضُّوا أَيْصَارَكُمْ وَ رُدُّوا السَّلَامَ وَ أَرَّسُوا الْأَعْمَى وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (مكارم الاخلاق، ص ۲۶).

پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در انجام کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگان‌اند.^۱

به راستی خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است... مؤمنان... مردم را به کار پسندیده فرا می‌خوانند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در هر حال پاسدار مقررات الهی‌اند؛ اینان را - ای پیامبر - به بهشت و سعادت بزرگ نوید ده.^۲

برخورداری از یاری خدا: قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می‌دهند، یاری خواهد کرد... همانان که اگر در زمین به ایشان قدرت دهیم [تا بتوانند روش زندگی اجتماعی خود را برگزینند... و] به آنچه شایسته است فرمان می‌دهند و...^۳

برخورداری از رحمت الهی: مردان و زنان با ایمان بر یکدیگر ولایت دارند؛ از این رو یکدیگر را به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند نهی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌کنند. اینانند که به زودی خدا رحمت خود را شامل حالشان می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن شود؛ چرا که خدا مقتدری شکست‌ناپذیر و کارهایش همه از روی حکمت است.^۴

۱. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْتُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ» (سورة آل عمران، آیه ۱۱۴).
۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ الْغُوثِينَ أَنْفُسُهُمْ وَأُولَئِكَ... * ... الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِعَهْدِ اللَّهِ وَ نَشْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (سورة توبه، آیات ۱۱۱-۱۱۲).
۳. «... وَ لِيُنْزِلَنَّ اللَّهُ مَن يَنْشُرُهُمْ... * الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...» (سورة حج، آیات ۲۰-۴۱).
۴. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَنَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفِيرٌ حَكِيمٌ» (سورة توبه، آیه ۷۱).

رستگاری؛ و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند. اینان اند که نیک‌بخت خواهند بود.^۱

آثار امر به معروف و نهی از منکر در روایات

داستن دنیا و آخرت: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکس در او سه ویژگی باشد، دنیا و آخرتش بسامان است: کسی که امر به معروف کند و خود نیز به آن معروف عمل کند، نهی از منکر کند و خود نیز از آن مورد نهی دوری جوید و از حدود الهی نگاهیانی کند.^۲

آرامش و امنیت اجتماعی: حضرت امام باقر علیه السلام گفتند: به راستی که با (امر به معروف و نهی از منکر) ... راه‌ها امنیت می‌یابد، کسب‌ها حلال می‌شود، حقوق غصب شده بازگردانده می‌شود و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان دادخواهی می‌شود و امور سامان می‌یابد.^۳

عزت‌مندی: امام صادق علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو آفریده خدا هستند؛ پس هر کس به آنها کمک [و عمل] کند، خدای سبحان او را عزیز کند و هر کس آنها را خوار کند، خدا خوارش سازد.^۴

۱. «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴).

۲. «... مَنْ كُنَّ فِيهِ ثَلَاثٌ جِصَالٌ سَلَبَتْ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ: مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَانْتَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَانْتَهَى عَنِ النَّهْيِ عَنْهُ وَحَافِظٌ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ (مسندك الرسل، ج ۱۲، ص ۲۰۶).

۳. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَبِنَهْجِ الصَّالِحِينَ، فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرِيضُ وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَتَجَلُّ الْمَكَابِيبُ وَتُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَتُنْتَضَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَبِيحُ الْأَمْرُ (الکافی، ج ۵، ص ۵۵-۵۶).

۴. الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنَ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَتَمَّنَّ خَدْلَهُمَا خَدَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى (تهذيب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷).

شکوفایی امور: امیرمؤمنان علیه السلام در وصیتی به فرزندش محمد حنفیه فرمود: فرزندم!... امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی و با صالحان محشور شوی؛ زیرا تمامیت امور نزد خدای متعالی به امر به معروف و نهی از منکر است.^۱

ورود به بهشت: پادیه‌نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: به کاری راهنمایی‌ام کن که با آن داخل بهشت شوم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: گرسنه را غذا بده، تشنه را سیراب کن و امر به معروف و نهی از منکر انجام بده.^۲

پیامدهای ترک این دو فریضه

زوال برکات: حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: مردم تا هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و همدیگر را در احسان، نیکوکاری و تقوا یاری می‌کنند، پیوسته در خیر و خوبی‌اند؛ پس هرگاه چنین نباشند، خیر و برکت از آنها برداشته می‌شود.^۳

سلطه ناهلان و نداشتن دادرسی: رسول خدا در بخش دیگر این حدیث فرمود: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، بعضی از آنها (: ناهلان ستمگر) بر بعضی دیگر سلطه می‌یابند و یابوری در زمین و در آسمان ندارند.^۴

۱. «... وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ... فَإِنَّ اسْتِغْنَاءَ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ (اللقی، ج ۴، ص ۳۸۷).

۲. جَاءَ أَقْرَبِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، فَقَالَ: ذَلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. قَالَ: اطْعِمِ الْجَائِعَ وَارْتَقِ الظِّلْمَانَ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ النَّصْرِ، عَمَادًا (۱۰۵).

۳. لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ النَّصْرِ، عَمَادًا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ (تهذيب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

۴. قَالَ... فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ... وَ سَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ (تهذيب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

عدم قبولی دعا: امام کاظم علیه السلام فرمود: یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید یا خدای متعالی بداننان را بر شما مسلط می‌کند؛ آنگاه صالحانان دعا می‌کنند و مستجاب نمی‌شود.^۱ به همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^۲

مرده در میان زندگان: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرکس با قلب و زبان و دست خود نهی از منکر را ترک کند، مرده‌ای در میان زنده‌هاست.^۳

دشمنی با خدا: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی کار ناپسندی را ببیند و با داشتن توانایی از آن مانع نشود، دوست داشته که خدا نافرمانی شود و هرکس دوست داشته باشد که [از فرمان] خدا سرپیچی شود به یقین دشمنی با خدا را آشکار ساخته است.^۴

روا شمردن گناه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه امر به معروف اندک شد، به حریم تجاوز می‌شود.^۵

۲۳. بدعت‌ستیزی

کلمه بدعت، یعنی نوآوری و این عمل گاهی حق و صدق و خیر و حسن است و زمانی باطل و کذب و شر و قبیح است.^۶ مقصود از آن در اینجا آن

۱. لَتَأْتِيَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيْسْتَعْمِلُنَّ اللَّهَ عَلَيْكُمْ إِسْرَافًا فَذُوقُوا عَذَابَ اللَّهِ
فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ (عوالی الثانی، ج ۳، ص ۱۹۰).

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳. مَنْ تَرَكَ الْإِنْكَارَ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيْتٌ الْأَحْيَاءُ (تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۸۱).

۴. وَ إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُكْرَهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ (عز و جل) وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصَى اللَّهُ فَقَدْ بَارَأَ اللَّهُ (عز و جل) بِالْعِدَاةِ (الکافی، ج ۵، ص ۱۰۸).

۵. وَ إِذَا هَلَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ اسْتَبِيحَ الْحَرِيمُ... (ارناد القلوب، ص ۳۹).

۶. برای توضیح آن رک: سنن، ج ۱۰.

است که دین، تام و کامل است و از هر عیب منزّه و از هر نقص میراست و اگر چیزی بر آن افزوده شود یا چیزی از آن کاسته گردد، چنین نوآوری مذمومی بدعت نامیده می‌شود و بدعت‌گذاری در آیات و روایات زیادی شدیداً نکوهش شده و درباره آن تهدید شده و پیامدهای زیانباری دارد.

برخورد با بدعت‌گذاران

مبارزه جدی با بدعت‌گذاران از وظایف دانشمندان و از عبادت‌های مهم شمرده می‌شود.

خدا به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد، چنین به مبارزه با بدعت‌گذاران برخیز: بگو: در آنچه به من وحی شده است، طعام حرامی را نمی‌یابم که بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد، حرام شده باشد، مگر اینکه مردار باشد یا خونی ریخته شده یا گوشت خوک باشد که پلید است، یا دامی که آن را به نافرمانی سر بریده، همان که هنگام ذبحش نام غیر خدا را بر آن برده‌اند. و هر کس به خوردن یکی از اینها ناچار شود، به شرط آنکه ناچاری او بر اثر ستمکاری و سرکشی نباشد، بر او حلال می‌شود؛ چرا که خدا آمرزنده و مهربان است.^۱

در روایات، شیوه‌هایی برای مبارزه با بدعت و بدعت‌گذاران توصیه شده است: دوری و اعراض؛ براءت و نفرت؛ سب و لعن؛ روشنگری و افشاکاری و تهدید و اعراب.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از اهل تشکیک و بدعت - که پس از من می‌آیند - آشکارا بیزار باشید، فراوان آنان را سب کنید و با بیان انحراف‌های آنان،

۱. «قَوْلٌ لِدِينٍ يَكْتُمُونَ الْكُتُبَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ يَشْفَرُوا بِهِ لَنَا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ بِنَا كَتَمْتِ أَيْدِيَهُمْ وَ بَوَيْلَ لَهُمْ وَمَا يَكْسِبُونَ» (سوره بقره، آیه ۷۹) وَ رَكَ: سوره انعام، آیات ۱۳۸ - ۱۳۹.

۲. «قُلْ لَا جِدْ فِي مَا أَوْحِيَ إِلَيَّ مُخَرَّمًا عَلَيَّ طَعَامٌ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِتْنَةً أَوْ ذِمًّا سَفَوْحًا أَوْ لَحْمَ خنزيرٍ فَإِنَّهُ رَجَسٌ أَوْ فِسْقًا أُجِلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ عَلَيْهِ نَاعٌ وَ لَا غَيْرَ فَإِنَّ زَيْنًا أَعْلَوْهُ رَجِمَ» (سوره انعام، آیه ۱۲۵).

بترسانیدشان تا به فساد در دین طمع نورزند و مردم از آنان دوری جویند و بدعت‌هایشان را فرا نگیرند. خدا با این کارها برای شما حسنات می‌نویسد و درجاتتان را در آخرت بالا می‌برد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که دوری جستن از آنها بر هر کس لازم است: نزدیک شدن به اشرار، گفت‌وگو با زنان [نامحرم با احتمال آسیب] و همنشینی با اهل بدعت؛^۲ همچنین فرمود: با اهل بدعت همراهی و همنشینی نکنید که نزد مردم یکی از آنها به شمار می‌آید؛ [زیرا] حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: انسان بر دین دوست و همشین خویش است.^۳

بدعت‌ستیزی عالمان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بدعت میان امت من آشکار شد، پس بر عالم واجب است دانش خود را آشکار کند و اگر چنین نکند، لعنت خدا بر او باد؛^۴ همچنین گفتند: عالم بر عابد هفتاد درجه برتری دارد که فاصله میان هر دو درجه، هفتاد سال دویدن اسب است. راز این فضیلت آن است که چون شیطان بدعت را در میان مردم می‌گذارد، تنها عالم است که آن را می‌شناسد و

۱. إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّبِّ وَالْبِدْعِ مِنْ بَغْيِي فَأَطِئُوا الرِّمَّةَ مِنْهُمْ وَأَكْثَرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلَ فِيهِمْ وَالْوَقِيْعَةَ وَبَاهِتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ يَدِهِمْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهَا الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵).

۲. كَلَّتْ يَجِبُ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ تَجَمُّعُهَا: مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَمُخَالَاتَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ (تحف العقول، ص ۳۱۹).

۳. لَا تَصْخَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصْبِرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَرَاهِيْدٍ مِنْهُمْ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَفِرْيَةِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵).

۴. إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (الکافی، ج ۱، ص ۵۴).

آن را می‌زاید [دیگران را هم بیدار می‌کند تا از آن دوری جویند]؛ ولی عابد به عبادت خود می‌پردازد [و به نجات گمراه شدگان توجهی ندارد].^۱

یاداش بدعت‌ستیزان

رفعت درجه در بهشت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه اهل بدعت را دیده‌اید، بیزاری خود از آنان را آشکار کنید... و آنان را بترسانید تا مردم از آنها برحذر باشند و بدعت‌هایشان را نیاموزند و خدا برای شما در برابر این کار حسنات می‌نویسد و درجات شما را در آخرت بالا می‌برد.^۲

امنیّت و ایمان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بدعت‌گذاری را بترساند، خدا قلبش را از امنیّت و ایمان پر می‌کند.^۳

یقین و رضا: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس از روی نفرت از بدعت‌گذار دوری کند، خدا قلبش را از یقین و رضا سرشار می‌کند.^۴

پیامدهای بدعت

زیانکاری و گمراهی: به یقین کسانی که فرزندان خود را به بی‌خردی و نادانی برای تقرب به خدایان خود کشتند و آنچه را خدا روزی آنها کرده بود از

۱. فَضَّلَ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ فَرَجَيْنِ حُشْرُ الْقَرَسِ سَبْعِينَ عَامًا. ذَلِكَ لِأَنَّ السُّبْحَانَ يَضَعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ قَبِيْرَهَا الْعَالِمُ قَبِيْرَهَا وَ الْعَابِدُ يُهْبِلُ عَلَى عِبَادَتِهِ (منه المرید، ص ۱۰۰).

۲. ... وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ يَدِهِمْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهَا الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ (الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵).

۳. مَنْ أَوْعَبَ صَاحِبٍ بِدْعَةٍ مَلَآ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمَّا وَ لِيْمَانًا (کنز العمال، ج ۳، ص ۸۲).

۴. مَنْ أَوْعَبَ عَزَّ صَاحِبٍ بِدْعَةٍ بَغَضَ لَهُ مَلَآ اللَّهُ قَلْبَهُ يَقِيْنًا وَ رِضًا (نسیه الخواطر و توحه النواظر، ج ۲، ص ۱۱۶).

روی دروغ بستن به خدا بر خود حرام ساختند، زیان کردند. قطعاً آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند.^۱

ستمکاری: پس اگر چنین نکردند، بدان که بر خدا دروغ بسته‌اند، و هر کس پس از آشکار شدن حقیقت بر خدا دروغ بزند، چنین کسانی ستمکار خواهند بود.^۲

محرومیت از رستگاری: قطعاً کسانی که بر خدا دروغ می‌بنند، نیک‌بخت نخواهند شد.^۳

محرومیت از محبت خدا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خدا برای شما حلال کرده بر خود و دیگران حرام نکنید و بدین وسیله از حدود الهی نگزیدید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.^۴

محرومیت از هدایت: و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغی بنهد تا مردم را ندانسته به گمراهی افکند. شما ستمکارید و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.^۵

ترك سنت: امیرمؤمنان عليه السلام می‌فرماید: هیچ بدعتی گزارده نشد، مگر اینکه با آن سنتی [دینی] ترك شد.^۶

۱. ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَزَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ الْفِرَاقَ عَلَىٰ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۲۰).

۲. ﴿فَمَنْ افترى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۹۴).

۳. ﴿... إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۱۶).

۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْزَمُوا طَلَيْتَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (سوره مائده، آیه ۸۷).

۵. ﴿... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افترى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا يُبْغِي لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۱۲۴).

۶. مَا أُخْبِرْتُ بِدَعْوَةٍ إِلَّا تَرَكْتُ بِهَا سُنَّةَ (الکافی، ج ۱، ص ۵۸).

نابودی اسلام: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کسی نزد بدعت‌گذاری رفت و او را احترام کرد، پس به راستی در نابودی اسلام کوشیده است.^۱

سزاوار لعنت الهی: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرگاه بدعت در میان امت ظاهر شده پس بر عالم لازم است علم خود را آشکار کند و اگر با آن مبارزه نکند، لعنت خدا بر او باد.^۲

گرفتار گمراهی و آتش جهنم: امام صادق عليه السلام فرمود: هر بدعتی گمراهی است و راه هر گمراهی به آتش می‌انجامد.^۳

عذاب دردناک: قطعاً کسانی که بر خدا دروغ می‌بنند، نیک‌بخت نخواهند شد... و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.^۴

۲۴. تعاون و همیاری

تعاون و همیاری در کارهایی است که اهمیت فراوانی دارد. خدا می‌فرماید: شما مؤمنان یکدیگر را در نیکوکاری و تقواییستگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید.^۵

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: مردم تا زمانی که امریه معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک و پرهیزگاری همدیگر را یاری دهند، پیوسته در خیرند.^۶

۱. مَنْ مَسَى بِدَعْوَةٍ فَوَرَّهَ قَدْ سَعَى فِي هَلْمِ الْإِسْلَامِ (التقیه، ج ۳، ص ۵۷۲).

۲. إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (الکافی، ج ۱، ص ۵۴).

۳. كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ (الکافی، ج ۱، ص ۵۶).

۴. ﴿... إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ لَا يُفْلِحُونَ * ... وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۱۶ - ۱۱۷).

۵. ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾ (سوره مائده، آیه ۲).

۶. لَا تَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَثَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ... (تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۱).

امیرمؤمنان علیه السلام در واپسین لحظه‌های عمر پربرکت خود پیوسته می‌فرمود: همدیگر را بر کارهای نیک و پرهیزگاری یاری دهید و در گناه و دشمنی، یار همدیگر نباشید.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است؛ به وی متم نمی‌کند... و می‌سزد که برای پیوند با یکدیگر بکشند و بر مهرورزی به هم، همیاری کنند.^۲

۲۵. تشکل‌های عمومی و علمی

گروه برخی مועضلات اجتماعی یا فرهنگی و علمی بی‌مشورت و اقدام جمعی گشوده نمی‌شود؛ از این رو در اسلام به تشکل‌های علمی و دینی و اجتماعی سفارش شده است.

خدا درباره مشورت و همفکری مؤمنان می‌گوید: [آنان] کسانی‌اند که دعوت پروردگارشان را اجابت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت یا یکدیگر انجام می‌دهند و...^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش از بعثت در پیمانی به نام حلف الفضول که از مقدس‌ترین پیمان‌ها و تشکل‌ها بود، شرکت کرد تا از ستم‌دیدگان دفاع کند و درباره آن گفتند: در خانه عبدالله بن جدعان در پیمانی شرکت کردم که دوست ندارم به جای آن شتران سرخ [گران‌قیمت] داشته باشم و اکنون در اسلام اگر به آن پیمان دعوت شوم، حتماً اجابت می‌کنم.^۴

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام انه كان يقول عند الوفاة: «تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان» (سوره مائد، آیه ۲) (الدعوات، ص ۲۴۹).

۲. المسلم أخو المسلم، لا يظلمه... ويحج على المسلمين الاجتهاد في التواضع والتعاون على التماثل (الكتاب، ج ۲، ص ۱۷۲).

۳. «و الذين استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و آزرهم ثورت بينهم و مما زكفهم ينفقون» (سوره شوری، آیه ۳۸).

۴. شهدت في دار عبد الله بن جدعان حلفاً ما أحب أن لي به حمر النعم ولو أدنى به في الإسلام لأجبت (السنن الكبرى، ج ۶، ص ۶۶۷).

هینت‌های مذهبی

امام باقر علیه السلام به اصحاب خود فرمود: گرد هم آیید و با یکدیگر گفت‌وگو [علمی] کنید که در این صورت فرشتگان شما را احاطه می‌کنند. خدا رحمت کند کسی را که امر [ولایت] ما را زنده کند.^۱

امام صادق علیه السلام به اصحاب خود فرمود: پرهیزگاری پیشه کنید و برادرانی نیکوکار و دوست‌دار در راه خدا باشید و نسبت به هم دلجویی کنید و مهربان باشید. با یکدیگر دیدار کنید و با هم [درباره علوم اسلامی] بحث کنید و آن را زنده نگه دارید.^۲

همچنین امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: آیا با یکدیگر می‌نشینید و گفت‌وگو [علمی] می‌کنید؟ فضیل گفت: آری، فدایت شوم. آن حضرت فرمود: به راستی من این‌گونه مجالس را دوست می‌دارم. امر [فرهنگ و معارف] ما را زنده کند. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. ای فضیل! اگر کسی ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال مگسی اشک جاری شود، خدا گناهان او را می‌بخشد، گر چه از کف دریا افزون‌تر باشد.^۳

۱. اجتمعوا و تذاكروا، تحف بكم الملايكة، رجم الله من اخبأ أمرنا (مصادرة الاعوان، ص ۱۳۹ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۲).

۲. اتقوا الله و كونوا اخواناً بررة متحابين في الله متواضعين متواضعين، تراؤبوا و تلاقوا و تذاكروا أمرنا و اخبؤه (مصادرة الاعوان، ص ۳۵).

۳. قال فضيل: تجلسون و تحدثون؟ قال: نعم جعلت بذلك. قال: إن تلك المجالس أجتها، فأخبأ أمرنا، رجم الله من اخبأ أمرنا، يا فضيل! من ذكرنا أو ذكروا عنده فخرج من عنده مثل جناح الذباب عقر الله له ذنوبه و لو كانت أكثر من ريد البحر (قرب الإسناد، ص ۱۸).



۲۶. کارگران و کارفرمایان

برتری کارگران

بر پایه روایتی، حضرت عیسی خطاب به حواریان خود گفتند: برتر از شما حواریان کسی است که با دست خود کار می‌کند و از دستاورد کسبش می‌خورد.^۱

هنگامی که رسول خدا ﷺ از جنگ تبوک بازگشت، سعد انصاری به استقبال آن حضرت شتافت. پیامبر با او مصافحه کرد و چون زبیری و خشنی دست‌های او را احساس کرد از کارگر انصاری پرسید: چرا دست‌هایت این چنین کوفته و خشن است؟ سعد گفت: ای رسول خدا! با بیل و طناب کار می‌کنم و هزینه زندگی خانواده‌ام را تأمین می‌کنم. پیامبر دست او را بوسیدند و گفتند: این دستی است که آتش جهنم به آن نخواهد رسید.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: پاکیزه‌ترین درآمد کار با دست است.^۳

نکته: کارگری غیر از مزدوری است؛ آدمی هرگز به اجیر شدن و مزدور دیگری بودن ترغیب نشده است. آنچه مورد اهتمام اسلام است، اصل کار کردن است و لازمه آن این است که هرکس برای خود کار کند و در تجارت، صنعت، زراعت، باغداری، دام‌داری و... مستقل باشد.^۴

گزینش کارمندان

امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر درباره گزینش کارمندان و همکاران می‌نویسد: در استخدام کارمندان و کارگزاران نظر کن. آنها را با آزمودن به کار بگیر و دل‌بخواهی و بی‌ضابطه استخدامشان نکن؛ زیرا این دو روش، مجموعه‌ای از خیانت و ظلم را به همراه دارد.^۱

وظایف کارفرمایان

کارفرما با محاسبه اوضاع کاری و جلب رضای کارگر دو وظیفه دارد: تعیین مزد: رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه خواستید کارگری را به کار بگیرید، مزدش را به او بگویید.^۲

پرداخت به موقع مزد: پیامبر ﷺ فرمود: دستمزد کارگر را پیش از خشکیدن عرق او بپردازید.^۳

آثار ظلم به کارگر

نپرداختن تمام حقوق کارگر یا بخشی از آن یا نپرداختن به موقع آن، ظلم به کارگر شمرده می‌شود و در روایات، تعبیرهایی هشدار دهنده درباره آن آمده است؛ مانند:

۱. فرض، توصیه آموزه‌های دین این است هر کس برای خود کار کند و اجیر دیگری شدن کراهت دارد (الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲)؛ مگر این که ضرورت اقتضا کند که در این صورت کار کردن برای دیگری عیبی ندارد.
۱. ثُمَّ انْتَهَرَنِي اَمِيرُ عَمَالِكَ فَاسْتَعْمَلَهُمْ اُخْبَارًا و لَا تُؤَلِّهِمْ مَحَابَةَ وَاَنْزَعَهُ فَاِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَاَلْحَيَاتَةِ (صحیح البلاغه، نامه ۵۳).
۲. اِذَا اسْتَأْجَرَ اَحَدُكُمْ اُجْرًا فَلْيُعَلِّمَهُ اُجْرَةَ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۷).
۳. اَقْلَطُوا الْاُجْرَةَ اُجْرَةً قَبْلَ اَنْ يَجِفَّ عَرْوُهُ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۷۵).

گناه بزرگ است: پیامبر ﷺ فرمود: ستم به کارگران در پرداختن کارمزد، از گناهان بزرگ است.^۱

موجب عدم آموزش گناهان است: رسول خدا ﷺ فرمود: خدا بخشاینده همه گناهان است، مگر گناه بدعت گذار در دین، غاصب مزد کارگر و آن که آزادی را به بردگی بفروشد.^۲

موجب استحقاق لعنت: رسول خدا ﷺ فرمود: لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که مزد کارگری را نپردازد. خدا در روز قیامت از او هیچ مال و معادلی را نمی پذیرد.^۳

موجب محرومیت از بوی بهشت: در حدیثی آمده است: هرکس به ستم مزد اجیری را نپردازد، خدا اعمالش را باطل کرده، بوی بهشت را بر وی حرام می کند.^۴ البته کسی که از بوی بهشت محروم باشد، از خود بهشت حتماً بی بهره خواهد بود.

۲۷. ارزش و اهمیت مدارا

در فرهنگ اسلامی، مدارا با مردم جایگاه والایی دارد و معصومان علیهم السلام بر آن تأکید کرده و آن را اساس عقل دانسته اند.

پیامبر ﷺ فرمود: اساس عقل پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم است؛ مدارایی که به وانهادن حق نینجامد؛ همچنین فرمود: خدای سبحان

۱. ظَلَمَ الْأَجِيرَ أُخْرَهُ مِنَ الْكِبَايَرِ (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۷۰).
۲. إِنَّ اللَّهَ عَافٍ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَخَذَتْ دِينًا أَوْ غَضِبَ أَجِيرًا أُخْرَهُ أَوْ رَجُلًا بَاعَ حُرًّا حُرًّا (عبقار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۲).
۳. مَنْ خَسِنَ أَجْرُهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُرْفًا وَ عَدَلًا (تفسیر التفسیر، ج ۲، ص ۲۷۶).
۴. وَ مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أُخْرَهُ أَحْطَطَ اللَّهُ عَقْلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ (الفتاوی، ج ۴، ص ۱۲).
۵. رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ، مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ كَرِّكَ حَقِّي (صحف العقول، ص ۴۲).

همان گونه که مرا به ادای واجبات فرمان داد، به مدارا کردن با مردم واداشت.^۱

۲۸. اهمیت امانت داری

پیامبر ﷺ فرمود: به پرشماری نماز، روزه، حج، کار نیک و سر و صدای نماز شب آدمیان ننگرید؛ بلکه به راست گویی و امانت داری آنان بنگرید.^۲

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: زمینیان تا آنگاه که به یکدیگر مهر می ورزند و امانت را پاس می دارند، مورد رحمت خدای سبحان اند.^۳

امام صادق علیه السلام می فرماید: بر شما باد به ورع، اجتهاد و ادای امانت.^۴ در اهمیت امانت داری همین بس که امام سجّاد علیه السلام به اصحاب خویش فرمود: بر شما باد به ادای امانت. اگر قاتل پدرم مرا بر شمشیری که با آن او را کشت امین شمارد، قطعاً به او باز می گردانم.^۵

پیامبر ﷺ فرمود: امانت ها را بازگردانید، هر چند به کشتگان پیامبران.^۶

اجر و پاداش امانت داری

امانت داری از بهترین اعمال صالح است که در احادیث معصومان علیهم السلام به برخی از آن ثوابها اشاره شده است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به

۱. أَمْرِي زَيْبِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ (الکافی، ج ۴، ص ۱۱۷).
۲. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ ضَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمُتَوَرِّفِ وَ طَلَطْتَهُمْ بِاللَّيْلِ، انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ (الامالی، صدوق، ص ۳۰۳).
۳. إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَنْحُومُونَ مَا نَحَابُوا وَ آدَوُا الْأَمَانَةَ... (تنبیه العواطف و تروحه النواظر، ج ۱، ص ۱۲).
۴. يَا أَيُّهَا مُحَمَّدُ! عَلَيْنَكَ بِالْوَرَعِ وَ الْاجْتِهَادِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ... (تفسیر العیاشی، ص ۲۸۶).
۵. عَلَيْنَكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بَنِي عَلِيٍّ علیه السلام اَتَمَّتْنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لِأَذِيَّتِهِ إِلَيْهِ (الامالی، صدوق، ص ۵۰۸).
۶. آدَوُا الْأَمَانَاتِ وَ كُرُوا إِلَى قَتْلِ الْأَنْبِيَاءِ (صحف العقول، ص ۱۰۴).

راستی نزدیکترین شما به من در قیامت و سزاوارترین شما به شفاعت من، راستگوترین و امانداریترین شماست...^۱

پیامبر ﷺ فرمود: امانت‌داری بی‌نیازی و خیانت فقر می‌آورد.^۲

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام خطاب به اصحاب خود فرمود: آیا خیر دهم به شما... از چیزی که مایهٔ افزایش روزی است؟ اصحاب گفتند: آری، ای امیرمؤمنان. فرمود: امانت‌داری مایهٔ افزایش روزی است.^۳

نشانهٔ ایمان و تقوا

رسول خدا ﷺ در معرفی مؤمن فرمود: مؤمن کسی است که مؤمنان او را بر اموال و جان‌هایشان امین شمارند.^۴

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اهل تقوا نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند... و یکی از آنها ادای امانت است.^۵

کیفر خیانت در امانت

خیانت در امانت پیامدهایی ناگوار و آثاری منفی دارد:

پیامبر ﷺ فرمود: کسی که رهبری جمعی را بر عهده بگیرد، پس آن را با

۱. إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي عَمَلًا وَ أَوْجَبَكُمْ عَلَيَّ كِفَاةً أَضَدُّكُمْ لِسَانًا وَ آذَانُكُمْ لِلْأَمَانَةِ... (الاسالی، صدوق، ص ۵۰۸).

۲. الْأَمَانَةُ كَجَلْبُ الْعَبَاءِ وَ الْحَيَاةُ كَجَلْبُ الْفَقْرِ (توب الانساد، ص ۵۵).

۳. أَلَا أُتْبِعُكُمْ... بِمَا يُزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! قَالَ: ... وَ آذَانُ الْأَمَانَةِ يُزِيدُ فِي الرِّزْقِ (جامع الاحیاء، ص ۱۲۴).

۴. أَلَا أُتْبِعُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ؟ الْمُؤْمِنُونَ مِنِّي اتَّسَمَتْهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَسْوَالِهِمْ وَ أَلْفَسِهِمْ (المحاسن، ص ۱۲۵).

۵. لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٌ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَ آذَانُ الْأَمَانَةِ ... (کتاب الخصال، ص ۲۸۳).

امانت‌داری و خیرخواهی همراه نکند، رحمت خدا که سراسر هستی را فرا گرفته بر روی تنگ می‌شود؟ همچنین آن حضرت فرمود: آن که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد.^۱

۲۹. ارزش و اهمیت نیکوکاری

رسول خدا ﷺ فرمود: خدای متعالی به داود پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام چنین وحی کرد: بنده‌ای از بندگانم در روز قیامت کار نیکی می‌آورد، پس او را در بهشت حاکم می‌سازم. داود پرسید: آن کار نیک چیست؟ خدا گفت: اندوهی از مؤمنی می‌زداید، اگر چه با دانه‌ای خرما یا نیمی از آن باشد. داود گفت: شایسته است کسی که تو را بشناسد، امیدش را از تو ببرد.^۲

اداب نیکوکاری

قرآن حکیم پاداش احسان و نیکی را نیکی می‌داند. معنای دقیق آن این است که اگر کسی نسبت به شما نیکی کرد و شما نیز مشابه آن را دربارۀ او روا داشتید، کار شما عدل است نه احسان؛ ولی اگر افزون بر کار او شما دوباره نسبت به او نیکی کنید، کار شما می‌شود احسان که می‌تواند جزای احسان او باشد و این احسان آدابی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. أَيُّهَا زَاغِ اسْتَرْعِي رَعِيَّةً قَلِمَ يَحْطَأُ بِالْأَمَانَةِ وَ النَّصِيحَةِ صَافَتْ عَلَيْهِ رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى أَلَسِي وَبِعَثَّ كُلَّ شَيْءٍ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۲۶۶).

۲. ... لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ (الجعفریات، ص ۴۶ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸).

۳. أَوْحَى اللَّهُ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِلَى دَاوُدَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام أَنْ يَا دَاوُدُ! إِنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي لَيَسْأَلُنِي بِالْحَسَنَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَحْكُمُهُ بِالْحَسَنَةِ. فَقَالَ دَاوُدُ: وَ مَا تِلْكَ الْحَسَنَةُ؟ قَالَ: كَرِهَتْ نَفْسُهَا عَنْ مُؤْمِنٍ يَفْعَلُ كَثْرَةً أَوْ يَشُقُّ تَقْوَى، فَقَالَ دَاوُدُ: يَا رَبِّ! حَتَّى لِمَنْ عَرَفَكَ أَنْ لَا يَقْطَعُ رِجْلَهُ مِنْكَ (توب الانساد، ص ۵۶، وک: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۹۵).

جزای نیکی با نیکی: رسول خدا ﷺ فرمود: چون کسی به شما نیکی کرد، آن را با نیکی جبران کنید. اگر نداشتید سپاسگزار او باشید؛ زیرا سپاسگزاری گونه‌ای از پاداش است.^۱

نیکی به همه: رسول خدا ﷺ فرمود: اوج خردمندی پس از ایمان به خدا دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر نیکوکار و بدکار است.^۲

امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به همگان، اعم از شایستگان و ناهلان نیکی کنید؛ اگر کسی را نیافتی که درخور و شایسته دریافت نیکی باشد، تو به نیکی کردن سزاواری.^۳

نیکی در برابر بدی: رسول خدا ﷺ فرمود: آیا شما را از بهترین خلُق [خصلت] دنیا و آخرت آگاه نکتم؟ درگذشتن از کسی که به شما ظلم کرده است، نیکی و احسان به کسی که به شما بدی کرده و بخشیدن به کسی که از شما دریغ داشته است.^۴

تعجیل، تقلیل و ترک منت: امام صادق علیه السلام فرمود: نیکوکاری کامل نمی‌شود، جز با سه خصلت: شتاب در آن، کم شمردن بسیار آن و منت نهادن.^۵

۱. مَنْ آتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِرُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَاذْنَبُوهُ، فَإِنَّ الشَّاءَ جَزَاءُ (تحف العقول، ص ۴۹).
 ۲. رَأْسُ الْعَمَلِ بَدَأُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ الرَّؤُوفُ إِلَى النَّاسِ وَاضْطِغَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ (عبود اعباد الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵).
 ۳. اضْطِغِعِ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَعْلَهُ وَ إِلَى مَنْ هُوَ غَيْرُ أَعْلَهُ؛ فَإِنْ لَمْ تُصِبْ مَنْ هُوَ أَعْلَهُ فَالْتَمِ أَعْلَهُ (عبود اعباد الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵).
 ۴. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلْقِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟ الْعَمُوْ عَمَّنْ ظَلَمْتُمْ وَ الْإِحْسَانَ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ وَ اضْطِعَاءُ مَنْ حَرَمْتُمْ (الزهد، ص ۱۵).
 ۵. لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاثِ جَلَالٍ: تَعْجِيلُهُ وَ تَقْلِيلُهُ وَ تَرْكُ الْإِيمْتِنَانِ بِهِ (تحف العقول، ص ۲۳۳).

مخفی بودن: امام صادق علیه السلام فرمود: نیکوکاری به صلاح نمی‌گراید، جز با سه چیز: اندک شمردن آن، مخفی کردن آن و شتاب در آن؛ زیرا آنگاه که تو آن را اندک بشماری، نزد دربارنده بزرگش کرده‌ای و چون آن را بپوشانی آن را به کمال رسانده‌ای و هنگامی که شتاب کردی، گوارایش کرده‌ای.^۱
 امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هرگاه احسان و نیکی کردی، آن را بپوشان.^۲

پاداش نیکوکاری

خیر دنیا: امیرمؤمنان علیه السلام می‌گفتند: خیری در دنیا نیست، مگر برای دو کس: آن که هر روز بر احسان خود می‌افزاید و کسی که گناهانش را با توبه جبران می‌کند.^۳

جذب دل‌ها: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: هر که احسان و نیکی کند، دل‌ها به سوی وی گرایش یابد.^۴

مصونیت از لغزش: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: نیکوکاری، آدمی را از سقوط خواری‌زا نگاه می‌دارد.^۵

جلوگیری از مرگ بد: حضرت رسول خدا ﷺ گفتند: نیکوکاری از مرگ بد پیش‌گیری می‌کند.^۶

۱. رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ: تَضْعِيفِهِ وَ تَسْتِيبِهِ وَ تَعْجِيلِهِ، فَإِنَّكَ إِذَا صَعَّرْتَهُ عَطَمْتَهُ عِنْدَ مَنْ تَضَعْتَهُ إِلَيْهِ وَ إِذَا سَكَّرْتَهُ نَسَمْتَهُ وَ إِذَا عَجَلْتَهُ مَاتَهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ سَخَفْتَهُ وَ تَكَلَّفْتَهُ (الکافی، ج ۴، ص ۴۰).
 ۲. إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَاسْتُرْهُ (غرد الحکم، ص ۳۸۸).
 ۳. إِنْ عَلِمْتَ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ خَيْرٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَخِي الرَّجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدُّكَ كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٌ يَنْدَاؤُكَ سَيِّئَةً بِالنُّوْبَةِ (روضة الواعظین، ص ۴۴۸).
 ۴. مَنْ بَدَأَ مَعْرُوفَةً مَاتَتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ (غرد الحکم، ص ۳۳۹).
 ۵. صَنَاعَةُ الْمَعْرُوفِ تَهَيِّئُ مَصَارِعَ الْهَوَاتِنِ (غرد الحکم، ص ۳۸۶).
 ۶. إِنْ صَنِعَ الْمَعْرُوفُ لِيَنْفَعُ وَبَيْتَهُ السُّوءَ (دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۳۱).

برکت در خانه: به نقل امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برکت به سوی خانه‌ای که از آن نیکی می‌تراود، از فرو رفتن کارد در کوهان ستر (که نرم و نفوذپذیر است) و شتاب سیلاب از فراز کوه به عمق دره شتابان‌تر است.^۱
افزایش رزق و آبادی شهرها: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نیکوکاری و حسن همجواری بر نعمت‌ها می‌افزاید و شهرها را آباد می‌سازد.^۲

عمر طولانی: امام صادق علیه السلام فرمود: نیکی و خوش خلقی شهرها را آباد می‌کنند و بر عمرها می‌افزایند.^۳

ورود به بهشت: امام صادق علیه السلام فرمود: خدای سبحان در روز قیامت به فقیران می‌گوید: بنگرید و چهره‌ها را جست‌وجو کنید، پس هر کس به شما نیکی کرده دستش را گرفته و به بهشتش درآورید؟ همچنین گفتند: برداشتن خاشاکی از چهره برادرت ده حسنه و لبخند زدن به رویش يك حسنه دارد و نخستین کسی که به بهشت درمی‌آید، اهل نیکوکاری است.^۴

دوری از آتش جهنم: حضرت موسی علیه السلام خطاب به خدا عرض کرد: خدایا! پاداش کسی که آزارش را از مردم باز دارد و به آنان نیکی کند، چیست؟ خدا گفت: ای موسی! در روز قیامت آتش به او خطاب می‌کند: هیچ راهی به سوی تو ندارم.^۵

۱. إِنَّ التَّوَكُّلَ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُنْتَهَرُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشُّفْرَةِ فِي سَنَامِ النَّجْرِ أَوْ مِنَ السَّبِيلِ إِلَى شَهْتَاهُ (الکافی، ج ۴، ص ۲۹).
۲. الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْجُورَارِ زِيَادَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ عِمَارَةٌ فِي الدِّيَارِ (مسندک الوصال، ج ۸، ص ۴۲۵).
۳. الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَمُدُّونَ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰).
۴. أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِلْفَقْرَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ انظُرُوا وَ تَضَمَّنُوا وَجُوهَ النَّاسِ، فَمَنْ أَنَّى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَخَدُّوا بِيَدَيْهِ وَ أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ (وسائل النعمة، ج ۱۶، ص ۲۹۱).
۵. تَزَعَاكَ الْفَقْدَانَةُ مِنْ وَجْهِ أَحَبِّكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِهِ حَسَنَةٌ وَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ (الاصوات، ص ۱۰۸).
۶. قَالَ مُوسَى: إِلَهِي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ كَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ وَ بَدَّلَ مَعْرُوفَهُ لَهُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى! يُتَابِعِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا سَبِيلَ لِي عَلَيْكَ (الامالي، صدوق، ص ۲۰۸).

محبوب خدا شدن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کار نیکی صدقه است و آن که به کار خیریه راه‌نمایی می‌کند، همچون فاعل آن است و خدا کمک به بیچاره را دوست می‌دارد.^۱

دعا برای نیکوکاران

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: حق کسی که به تو نیکی کرده آن است که از او سیاست‌گزاری کنی و نیکی‌هایش را یاد کنی و از او به نیکی سخن بگویی و در پیشگاه خدا خالصانه دعایش کنی.^۲

پاداش نیکی‌ها

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: اما حق کسی که به تو نیکی کرده... آن است که اگر می‌توانی، اکنون نیکوکاری او را با نیکی پاداش دهی و چنانچه اکنون نمی‌توانی در کمین فرصتی باش و خود را برای آن آماده ساز.^۳

نیکی به ناهلان

در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: ای علی! چهار چیز تباه می‌شود: خوردن در حال سیری، افروختن چراغ در فضای روشن، بذرافشانی در زمین شوره‌زار و نیکی به نالایق.^۴

۱. كُلُّ مَعْرُوفٍ مَدْفَعَةٌ وَ الدَّلَالُ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلُهُ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْمَانِ (الکافی، ج ۴، ص ۲۷).
۲. وَ أَمَا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْبِقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصُ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (الغنی، ج ۱، ص ۶۲۲-۶۲۳).
۳. ... ثُمَّ إِنْ أَمْسَكَ نِكَاحَاتُهُ بِالْبَيْعِ كَأَفَاتِهِ وَ إِلَّا كُنْتَ مُرْسِدًا لَهُ مُوَلِّيًا نَفْسَكَ عَلَيْهَا (نصف العقول، ص ۲۶۵).
۴. يَا عَلِيُّ! أَرْبَعٌ يَذْعُنُّنَّ سَلَالًا: الْأَكْلُ تَعْدُ السَّبِيحَ وَ السَّرَاخُ فِي الْقَمَرِ وَ الرُّزُقُ فِي الْأَرْضِ السَّيْحَةِ وَ الضَّمِينَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا (نصف العقول، ص ۹).

۳۰. مشارکت با مؤمنان

رسول خدا ﷺ فرمود: مؤمن سراسر سود است؛ اگر همراهش شوی، سودت رساند و اگر با او مشورت کنی، سودت دهد و اگر شریکش شوی، سودت رساند و همه چیز او سودمند است.^۱

شریک صالح

امام سجّاد علیه السلام فرمود: از سعادت مرد آن است که تجارتخانه‌اش در شهر خودش باشد و یاران و شریکانش شایسته باشند.^۲

حقوق شریک

امام سجّاد علیه السلام فرمود: اما حق شریک آن است که در نبودش کفایتش کنی و در بودش مراعاتش کنی و بی‌رای او تصمیم‌گیری و بی‌مشورت با او عمل نکنی و مالش را حفظ کنی و در امور جزئی و کلی از خیانت بپرهیزی؛ زیرا دست [قدرت] خدا با دو شریک است، مادامی که به یکدیگر خیانت نکنند.^۳

۱. المؤمنون متفقون، إن ما شئتم نفعكم وإن شأونهم نفعكم وإن شأونكم نفعكم وكل شيء من أمرهم متفقهم (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۶۶۲).
 ۲. إن من سعادة المؤمن أن يكون متجسراً في بيته ويكون حطاطاً في صالحه (الغني، ج ۲، ص ۱۶۴).
 ۳. ... إنما حق الشريك فإن غاب كفافته وإن حضر رعيته ولا تحكّم دون حكمه ولا تعمل برأيك دون مشايرته وتحفظ عليه ماله ولا تحته فيما عز أو مان من أمره، فإن يد الله - تبارك وتعالى - على الشريكين ما لم يتحاورا (مسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۷۷).

حقوق هم نشین

امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید: حقّ کسی که با تو هم‌نشینی و معاشرت دارد آن است که او را نرفیبی و به او خیانت نکنی و سخنش را انکار نکرده اغفالش نکنی و مانند دشمنان با او برخورد نکنی. اگر به تو اعتماد کرده، او را بر خود مقدم‌باداری و بدانی که خیانت کردن برای منفعت‌طلبی به آن که به تو اعتماد کرده، ریاست.^۱

حقوق طلبکار

امام سجّاد علیه السلام درباره حقوق طلبکار فرمود: حقّ طلبکاری که حقّ خود را از تو درخواست می‌کند آن است که اگر داشته باشی به وقت طلب او را بپردازی و کارش راه بیاندازی و بی‌نیازش کنی و پاسخ رد به او ندهی و تأخیر نیندازی؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: تأخیر بدهی از شخص بی‌نیاز ظلم است و اگر ناداری یا خوشفرتاری او را راضی کنی و به نیکی مهلت بطلبی و با لطافت او را بازگردانی.^۲

۳۱. اهمیت سودرسانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردم کسی است که مردم از او سود برند.^۳

۱. ... و إنما حق الخليل فإن لا تكفه ولا تكذبه ولا تفضله ولا تحذعه ولا تعمل في انقاصه عمل العدو الذي لا ينمي على صاحبه وإن اطمأن إليك انتقصت له على نفسك وعلمت أن عين المشركيل ربا (تحف العقول، ص ۲۶۸).
 ۲. ... و إنما حق الغريم الطالب لك فإن كنت مؤبراً أو قبيحاً وكفيت وأغيتته ولم تردّه وتطلعه، فإن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: مظل الغني ظلم وإن كنت معبراً أرضيته بحسن القول وطلبت إليه طلباً جميلاً ورددته عن نفسك ردّاً لطيفاً (تحف العقول، ص ۲۶۷).
 ۳. خير الناس من انتفع به الناس (مشكاة الأنوار، ص ۲۱۲؛ رك: الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۸).

آثار سودرسانی

محبوب و برگزیده خدا شدن: حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گفتند: خدا بندگان دارد که برای سودرسانی به بندگان خدا نعمت‌ها را به آنها اختصاص می‌دهد؛ پس مادامی که آن را به دیگران می‌بخشند نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد [و از آنها سلب نمی‌کند] و هرگاه آن را از دیگران بازدارند، از آنان می‌ستانند و به دیگران می‌دهد.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که به خاتواده‌اش سود رساند.^۲

بهره‌مندی از ثواب مجاهدان: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس برای کمک‌رسانی به برادر مؤمن خود گام بردارد، ثواب جهادگران در راه خدا را دارد.^۳

ثبات قدم در قیامت: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در کمک‌رسانی به برادران دینی و دفع زیان یا جلب سود آنان را یاری کند، خدا قدم‌هایش را در روزی که قدم‌ها می‌لغزد ثابت نگه می‌دارد.^۴

۱. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِبَادًا يَخْتَصِمُهُم بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْوَبَاءِ فَيَقْبُرُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَّلُوها، قِيَادًا مَتَوَفَا تَرَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِ (بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۸).

۲. أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَائِهِ (ترب الإسناد، ص ۵۷).

۳. مَنْ مَنَى فِي عَزْوِنِ أَخِيهِ وَ مَنَعْتِيهِ فَلَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (ثواب الأعمال، ص ۲۸۸).

۴. مَنْ كَانَ وَثُولًا لِأَخْوَالِهِ بِشِدَائِهِ فِي دَفْعِ مَنَعْتِهِمْ أَوْ جَرِّ مَنَعْتِهِمْ كَيْتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدَمَيْهِ يَوْمَ تَرَى فِيهِ الْأَقْدَامَ (رسائل النسخة، ج ۱۶، ص ۳۲۲).

فصل

۱. چهره شهر اسلامی

درباره شهرسازی اسلامی باید به دو نکته سودمند توجه شود:

۱. اهداف ساختن بناها: در جامعه اسلامی با اهداف مختلف، بناهایی گوناگون ساخته می‌شوند: بناهای شخصی و اماکن عمومی که شامل مراکز فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی و دولتی مدیریتی است. فایده وجود بناهای شخصی محافظت از سرما و گرما، سلامت ساکنان، تأمین آزادی‌های فردی، حفظ هویت فکری و اعتقادی و به گونه کلی برای آسایش و آرامش است.^۱ حکمت وجود هر یک از بناهای عمومی منافع عمومی مربوط به آن، به این ترتیب است: ترویج دانش و فرهنگ، حفظ و ترویج شعائر دینی، حفظ و گسترش بهداشت، ارائه خدمات به مردم و اداره جامعه و حفظ اهداف نظام اسلامی که باید در چهره عمومی بناها و اماکن شهر، نمایان باشد.

برای دستیابی به این اهداف باید به مبانی و قواعد مربوط به آن توجه

۱. «و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا و جعل لكم من جلود الأنعام بيوتًا تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقانتكم و من أوصافها و أوبارها و أشعارها إلا ما و متعًا إلى حين» • و الله جعل لكم من خلقه ظلالًا و جعل لكم من العيال أكفًا و جعل لكم تزييل تزييلكم الحرّ و تزييل تزييلكم بأشكم كذلك بيئكم بصفته غلبكم لتعلمكم تسليون» (سورة نحل، آيات ۸۰ - ۸۱).